

* * * گفتگوی دینی موضوع * * *

!موضوع : کل اعتقاداتم با کتاب «نقد قرآن» فرو ریخت
Started at 1395/08/16 15:15 by ninja
Visit at <http://www.askdin.com/showthread.php?t=56930>

[پست 1]

نویسنده : ninja
تاریخ : 1395/08/16 15:15
!عنوان : کل اعتقاداتم با کتاب «نقد قرآن» فرو ریخت
بامطالعه ی نقد قرآن دکتر سها کل اعتقاداتم فرو ریخت
پاسخ علمای دینی به این کتاب چیست

[پست 2]

نویسنده : مدیر ارجاع سوالات
تاریخ : 1395/08/17 16:46

با نام و یاد دوست

http://askdin.com/gallery/images/22107/1_erjae1.jpg

کارشناس بحث: استاد عمار

[پست 3]

نویسنده : عمار
تاریخ : 1395/08/19 08:46

با سلام و ادب

دوست عزیز باید سعی کنید چنین کتاب هایی رو نخوانید مگر اینکه از نظر علوم دینی خصوصا مباحث قرآنی قوی شده باشید.

ثانیا این کتاب و کتاب های مشابه هیچ حرف جدید برای گفتن ندارند و همون شبهات و سوالات قدیمی است که بارها پاسخ داده شده است و هدفشون تضعیف اسلام است.

اما در مورد این کتاب عرض کنم که روش و مبنای آن هر چند ادعا شده علمی و تحقیقی است اما از روش و مبنای تحقیق مناسب پیروی نمی کند. ساختار کتاب نظم، انسجام و هماهنگی ندارد و تکرار موضوعات در کتاب نشانه حداکثر تلاش نویسنده است. و خلط و خبط بین مباحث، موضوعات و مسائل تخصصی تاریخ قرآن، علوم قرآن، معارف و آموزه های آن شده است.

گر چه در عنوان کتاب تعبیر «نقد قرآن» ذکر شده تا کار را طبق مقدمه کتاب عقلی، علمی و محترمانه جلوه دهد اما از مقدمه و مطالب آن انگیزه و اهداف دیگری مانند الهی نبودن وحی قرآن، و به تبع تردید در حقانیت پیامبر اسلام (ص) و دین اسلام دنبال می شود.

بیشتر شبهات کتاب اولین بار نبوده و از زمان نزول قرآن کریم و حضور با برکت و پانزده قرنه آن، بارها توسط مخالفان و دشمنان باز طراحی شده و در قالب ها و زبان های مختلف با اهداف و انگیزه های گوناگون عرضه شده است البته همه این گونه تلاش ها توسط دانشمندان و عالمان مسلمان پاسخ داده شده و به اصالت، حقانیت و صداقت قرآن، آورنده ی امین و معصوم آن و معارف و علوم و گزاره های بی بدیل آن نتوانسته اند آسیب جدی بزنند. و همچنان شاهدیم که قرآن رسالت جهانی و جاودانگی خود را به پیش می برد.

اشخاص، گروه های و مراکز علمی پاسخ های خوبی به این کتاب دادند که می توانید مطالعه کنید.

بررسی مبانی کتاب نقد قرآن دکتر سها (روی دو لینک زیر
:برای مطالعه کلیک کنید

نقد «نقد قرآن، دکتر سها» قسمت اول و دوم
(<http://www.quran.porsemani.ir/content/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%C2%AB%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86%D8%8C-%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1-%D8%B3%D9%8F%D9%87%D8%A7%C2%BB>)

نقد «نقد قرآن، دکتر سها» قسمت سوم و چهارم
(<http://www.quran.porsemani.ir/content/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%C2%AB%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86%D8%8C-%D8%AF%DA%A9%D8%AA%D8%B1-%D8%B3%D9%8F%D9%87%D8%A7%C2%BB-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D8%AF%D9%88%D9%85>)

[پست 4]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1395/08/19 13:51

!بامطالعه ی (هر چیزی.....) کل اعتقاداتم فرو ریخت

سلام

شما که نامتان "نینجا" است ، باید با روح ورزش های رزمی و خودساختگی که در انسان ایجاد میکنند بیشتر آشنا باشید نه مسلمان ، مسیحی یا یهودی یا حتی بی دین هم که می بودید ، نباید اینقدر راحت با خواندن هر مطلبی کل اعتقادات شما فرو بریزد!

تردید ممکن است ایجاد بشود ، اما بعد از پیدا شدن تردید ، باید تحقیق کنید با اراده ای قوی و بدون تحت تاثیر قرار گرفتن ، حرفها را بشنوید و تعقل کنید ، آن وقت تصمیم بگیرید که کدام حرف درست است ،

[پست 5]

نویسنده : ninja

تاریخ : 19:49 1395/08/19

دوست عزیز باید سعی کنید چنین کتاب هایی رو نخوانید مگر اینکه از نظر علوم دینی خصوصا مباحث قرآنی قوی شده باشید.

سلام

مگر بنده در هنگام پذیرش اسلام در امور دینی تخصص داشته ام که حالا برای مطالعه و پذیرش نقد آن عقاید دارای تخصص باشم اطرافیان و جامعه گفتند شیعه بررسی کردم گفتم شیعه بعد باز هم بررسی کردم و ده ها تفکر در اسلام یافتم که گاهها اختلافات شدیدی داشته اند در ادیان هم همین است امثال دکتر سها هم غلط نمی گویند عینکشان با عینک شما فرق دارد هر کدام به گونه ای می اندیشیم و میزان و درجه ی اعتقاداتمان با شرایط گوناگون فرق می کند

ثانیا این کتاب و کتاب های مشابه هیچ حرف جدید برای گفتن ندارند و همون شبهات و سوالات قدیمی است که بارها پاسخ داده شده است و هدفشون تضعیف اسلام است

به نظرم در این موضوع موفق هم بوده اند

در جامعه وارد شوید

اسلام فقط بر لبان مردم است

در ضمن

لینک قسمت سوم و چهارم ایراد دارد

در دسترس عموم است و دست به دست می چرخد pdf در ضمن نقد قرآن دکتر سها به صورت

چرا این کتاب نقد نقد قرآن

ندارد که دسترسی آسان باشد pdf نسخه ی

این کتاب و نظایر آن هر روز بارها دانلود و استفاده می شود

چرا امثال شما که با مالیات مردم تحصیل نموده اید دسترسی به فعالیت هایشان را آسان نمی سازید

[پست 6]

نویسنده : سعدی شیرازی

تاریخ : 20:01 1395/08/19

ندارد که دسترسی آسان باشد pdf نسخه ی

اگر اجازه بفرمایید، خوشحال میشم اگر متن کتاب رو با یک سیستم حروفچینی حرفه جالب در نیامد). البته Word به صورت پی دی اف در بیارم (تحت Latex ای (تحت خودسرانه هم می تونم اینکار رو انجام بدم اما با اجازه دست اندرکاران سایت باشه بهتره.

اگر مدیران و کارشناسان گرامی موافق بودند، ممنون میشم یه پیام خصوصی بفرستند تا در خدمتتون باشم.

[پست 7]

نویسنده : ninja

تاریخ : 20:15 1395/08/19

کتاب را بدهیدpdfلطفا لینک

بنده

براحتی نقد قرآن را مطالعه کرده ام

در حالی که با هر مطلب در یک لینک مطالعه دشوار می شود

[پست 8]

نویسنده : ninja

تاریخ : 20:21 1395/08/19

سلام

شما که نامتان "نینجا" است ، باید با روح ورزش های رزمی و خودساختگی که در انسان ایجاد میکنند بیشتر آشنا باشید

نه مسلمان ، مسیحی یا یهودی یا حتی بی دین هم که می بودید ، نباید اینقدر !راحت با خواندن هر مطلبی کل اعتقادات شما فرو بریزد

تردید ممکن است ایجاد بشود ، اما بعد از پیدا شدن تردید ، باید تحقیق کنید با اراده ای قوی و بدون تحت تاثیر قرار گرفتن ، حرفها را بشنوید و تعقل کنید ، آن وقت تصمیم بگیرید که کدام حرف درست است

جالب است اگر نام کاربریم گلابی بود چه می گفتید

بنده هم براحتی حاضر نیستم چشم خود را بر تفکری ببندم و . رهایش کنم عوامل گوناگون است

[پست 9]

نویسنده : ninja

تاریخ : 20:39 1395/08/19

مثلا یکی از موارد جالب

تولد کودک در دوران ۶ماهگیست که غلط است

سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنید

[پست 10]

نویسنده : مسلمان ایرانی

تاریخ : 20:43 1395/08/19

با سلام . ای کاش کمی هم بصیرت داشتیم ، و مطلبی که عملاً تبلیغ یک کتاب سخیف ضداسلام است را اینگونه نشر نمی دادیم . می شد به این کاربر خصوصی جواب داد ، یا نام کتاب را به ... تغییر داد . آیا واقعاً نمی شد این کار را کرد؟ هر کس این تاپیک را بخواند ، فوراً در اینترنت سرچ می کند که این کتاب چیست و به آن دست

پیدا می کند. حتی آغازگر تاپیک به کنایه می گوید که کتاب را می توان به صورت pdf هم تهیه کرد، و باز کسی ککش نمی گزد! به راستی باعث تأسف است

پی نوشت: بنده از آنجا که می دانم از سوی میانه روهای دروغین، به تندروی و طالبانیسم محکوم خواهم شد، دیگر به این تاپیک کاری ندارم. خدا اسلام را از دست مسلمانها محفوظ بدارد

[پست 11]

نویسنده : ninja

تاریخ : 21:25 1395/08/19

با سلام. ای کاش کمی هم بصیرت داشتیم، و مطلبی که عملاً تبلیغ یک کتاب سخیف ضداسلام است را اینگونه نشر نمی دادیم. می شد به این کاربر خصوصی جواب داد، یا نام کتاب را به ... تغییر داد. آیا واقعاً نمی شد این کار را کرد؟ هر کس این تاپیک را بخواند، فوراً در اینترنت سرچ می کند که این کتاب چیست و به آن دست پیدا می کند. حتی آغازگر تاپیک به کنایه می گوید که کتاب را می توان به صورت pdf هم تهیه کرد، و باز کسی ککش نمی گزد! به راستی باعث تأسف است

پی نوشت: بنده از آنجا که می دانم از سوی میانه روهای دروغین، به تندروی و طالبانیسم محکوم خواهم شد، دیگر به این تاپیک کاری ندارم. خدا اسلام را از دست مسلمانها محفوظ بدارد

دوست عزیز

این کتاب به جرات

صدها هزار خواننده داشته است

سوال من

ممکن است سوال آن ها هم باشد

بنده برای آخرین بار می خواهم وارد بحث قرآن شوم

و اگر پاسخم را نیافتم

دیگر استرس جهنمی را نداشته باشم

[پست 12]

نویسنده : سعدی شیرازی

تاریخ : 21:26 1395/08/19

مثلاً یکی از موارد جالب

تولد کودک در دوران ۶ ماهگیست که غلط است

سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنید

سلام

لینک زیر را مطالعه بفرمایید

<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa6946>

جمع بندی: کلمه (یرضعن) خیری است که از آن معنای امر فهمیده می شود و روشن است که امر استجابی است. کلمه (والدات) شامل حال همه اقسام مادران می شود که عبارت اند از: مادرانی که شش ماهه، هفت ماهه، هشت ماهه و یا نه ماهه وضع حمل می کنند. کلمه (اولاد) همه کودکان را در بر می گیرد که عبارت اند از: شش ماهه، هفت ماهه، هشت ماهه و یا نه ماهه. بر پایه مطالبی که گفته شد آیه شریفه در مقام بیان حکم شیردهی، همه کودکان را در حکم مذکور برابر می داند؛ یعنی

همه حق دارند دو سال کامل شیر بنوشند، نه فقط کودکانی که شش ماهه متولد شده باشند و اگر کودکی، شش ماهه تولد یابد آن هم دو سال شیر می نوشد، اگر نه ماهه تولد یافت، - غالب موارد - این هم داخل در عموم آیه است؛ یعنی باید دو سال شیر بنوشد، اما این حکم، مستحب است، پس اگر بر حداقل مدت شیردهی اکتفا کند، مصداق آیه 15 احقاف است؛ یعنی حداقل زمان شیردهی با نه ماه بارداری که مجموع ارتباط کودک با مادر 30 ماه است و اگر دو سال شیربنوشد به حکم استجابی آیه 233 سوره بقره عمل شده که با آیه 15 سوره احقاف منافاتی ندارد؛ زیرا واجب نیست که حتما دو سال شیر بدهند و می توان آیه را حمل بر کمترین مدت شیردهی کرد. پس اگر می فرمود: دو سال شیر دهی واجب است و سپس می فرمود: مجموع حمل و فصال (از شیر گرفتن) 30 ماه است، تناقضی آشکار بود. بنابراین یکی از مصادیق (سی ماه) ، کودکی است که شش ماهه متولد شده و دو سال کامل شیر می نوشد. (کمترین زمان حمل + بیشترین زمان شیردهی) $\{6+24=30\}$ و دیگر کودکی است که نه ماهه متولد شود و 21 ماه شیر می نوشد. (حداقل شیر دهی + بارداری متعارف $\{9+21=30\}$).

[پست 13]

نویسنده : ninja

تاریخ : 1395/08/19 21:27

یک شبهه ی جالب دیگر

در کلاس علوم قرآن یکی از دوستان شبهه ای را وارد کرد

به این شرح

چرا در قرآن به صراحت اسامی افراد ذکر نشد که اختلاف به وجود نیاید

استاد چنین استدلال کرد

که بزرگان نباید به خاطر مدافع حقایق را کتمان می کردند

حرف ما این بود مشکل از قرآن است اما استاد می گفت صحابه و نزدیکان سبب

اختلاف و برداشت چندوجهی هستند

[/quote]

[پست 14]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1395/08/19 21:48

یکی از شبهاتی که به نظر بنده به نسبت شبهات دیگر در کتاب نقد قرآن دکتر سها

مستحکم تر، گویا تر، دقیق تر و صحیح تر به نظر رسید، شبهه ای بود در مورد

حرکت خورشید که در قرآن مطابق با دیدگاه مرسوم زمان مردم عرب توصیف شده

بود... یعنی یک زمینی هست که خورشید گرد اون می چرخه و مایه پدید آمدن شب و

روز می شود... جالبه... به نظرم رسید با توجه به اینکه این شبهه محکم تر و

صحیح تر به نظر می رسه به نسبت دیگر شبهات، پس باید پاسخ های دقیق تر و شفاف

تری هم داشته باشه... (در فضای مجازی) ولی با تعجب به این قضیه برخورددم که در

میان انبوه پاسخ هایی که به شبهات کتاب نقد قرآن دکتر سها داده شده، پاسخی به

نقد هایی در مورد حرکت خورشید در قرآن نیست!!!!!! از دوستان کسی لینکی می

شناسه که پاسخی داده باشه به نقد قرآن دکتر سها در مورد حرکت خورشید... بزاره

... اینجا ممنون می شم

[پست 15]

ninja : نویسنده
تاریخ : 21:53 1395/08/19

سلام
لینک زیر را مطالعه بفرمایید
<http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa6946>

آیا می دانید
جنینی که ۹ ماه کامل در رحم مادرش رشد نکند دچار اختلالاتی می شود
پس چرا کمترین زمان تولد ۶ ماه است
جنین ۶ ماهه احتمالا دارای اختلال خواهد بود
این مطلب را بخوانید زایمان زودرس، زایمانی است که معمولا بین هفته 20 تا 37 بارداری اتفاق می افتد. در زایمان، رحم برای باز شدن سرویکس منقبض می شود که اولین مرحله تولد کودک است. در بارداری کامل این مرحله حداقل تا هفته 37 اتفاق نمی افتد. به زایمان زودرس، زایمان نارس هم گفته می شود. تولد نوزاد هر چه قدر زودتر اتفاق بیفتد، احتمال برولات جدی برای نوزاد بیشتر خواهد بود. این مسئله به علت عدم رشد کامل بسیاری از اعضای بدن کودک، به ویژه قلب و شش ها روی می دهد

برای نوزادانی که پیش از هفته 24 متولد می شوند، احتمال زنده ماندن بسیار کم است و در صورت زنده ماندن معمولا دچار مشکلات مزمن مربوط به سلامت می شوند. این نوزادان ممکن است در تکلم، یادگیری و مهارت های حرکتی هم دچار اشکال شوند.

[پست 16]
Kamran : نویسنده
تاریخ : 21:57 1395/08/19

یک شبهه ی جالب دیگر
در کلاس علوم قرآن یکی از دوستان شبهه آی را وارد کرد
به این شرح
چرا در قرآن به صراحت اسامی افراد ذکر نشد که اختلاف به وجود نیاید
استاد چنین استدلال کرد
که بزرگان نباید به خاطر مدافع حقایق را کتمان می کردند
حرف ما این بود مشکل از قرآن است اما استاد می گفت صحابه و نزدیکان سبب اختلاف
و برداشت چندوجهی هستند

به نام خداوند بخشایشگر و مهربان

سلام به شما

- 1- تعدادی انسان وجود دارن
- 2- انسان مختار هست بین بد و خوب یکی رو انتخاب کنه. پس احتمال خطا از هر . انسانی وجود داره
- 3- قرار هست حکومتی اداره شه و اشخاصی باید حاکم بشن
- 4- الف) شما نام حاکمان سلسله رو به ترتیب یکی بعد از دیگری میگین. (ب) شما)
. این مسئله رو می سپرین به خود انسان ها

در مورد الف: شما در اینجا مختار بودن انسان رو در نظر نگرفتین. خدا آگاهی داره که شما از چه مسیر هایی میتونین برین و زندگیتونو به پایان برسونین و برا هر کدومش برنامه چیده، اما این شما هستی که به موقعش انتخاب میکنی کدوم مسیر رو بری.

در مورد ب: انسان های مختار با اختیار خودشون لیاقت حاکم بودن رو بدست میارن. و حاکم میشن.

آیا این نقض اختیار نیست که قبل از رخ دادن اتفاق، تعیین و تکلیف کنین که چه کسی لایق هست؟

یکی از شبهاتی که به نظر بنده به نسبت شبهات دیگر در کتاب نقد قرآن دکتر سها مستحکم تر، گویا تر، دقیق تر و صحیح تر به نظر رسید، شبهه ای بود در مورد حرکت خورشید که در قرآن مطابق با دیدگاه مرسوم زمان مردم عرب توصیف شده بود... یعنی یک زمینی هست که خورشید گرد اون می چرخه و مایه پدید آمدن شب و روز می شود... جالبه... به نظرم رسید با توجه به اینکه این شبهه محکم تر و صحیح تر به نظر می رسه به نسبت دیگر شبهات، پس باید پاسخ های دقیق تر و شفاف تری هم داشته باشه... (در فضای مجازی) ولی با تعجب به این قضیه برخورددم که در میان انبوه پاسخ هایی که به شبهات کتاب نقد قرآن دکتر سها داده شده، پاسخی به نقد هایی در مورد حرکت خورشید در قرآن نیست!!!!!! از دوستان کسی لینکی می شناسه که پاسخی داده باشه به نقد قرآن دکتر سها در مورد حرکت خورشید... بزاره.... اینجا ممنون می شم

شما دقیقا کدوم آیه رو میگیرن؟ همونی که توی سوره ی ابراهیمه؟

آیا می دانید

جنینی که ۹ ماه کامل در رحم مادرش رشد نکند دچار اختلالاتی می شود

پس چرا کمترین زمان تولد ۶ ماه است

جنین ۶ ماهه احتمالا دارای اختلال خواهد بود

این مطلب را بخوانید زایمان زودرس، زایمانی است که معمولا بین هفته 20 تا 37 بارداری اتفاق می افتد. در زایمان، رحم برای باز شدن سرویکس منقبض می شود که اولین مرحله تولد کودک است. در بارداری کامل این مرحله حداقل تا هفته 37 اتفاق نمی افتد. به زایمان زودرس، زایمان نارس هم گفته می شود. تولد نوزاد هر چه قدر زودتر اتفاق بیفتد، احتمال برولات جدی برای نوزاد بیشتر خواهد بود. این مسئله به علت عدم رشد کامل بسیاری از اعضای بدن کودک، به ویژه قلب و شش ها روی می دهد

برای نوزادانی که پیش از هفته 24 متولد می شوند، احتمال زنده ماندن بسیار کم است و در صورت زنده ماندن معمولا دچار مشکلات مزمن مربوط به سلامت می شوند. این نوزادان ممکن است در تکلم، یادگیری و مهارت های حرکتی هم دچار اشکال شوند

من وارد بحث علمی نمیشم اما شما بخش اصلی جوابی که در لینک داده شده رو اینجا در نظر نگرفتین و به مورد دومش خرده گرفتین

[پست 17]

ninja : نویسنده

تاریخ : 1395/08/19 22:32

من وارد بحث علمی نمیشم اما شما بخش اصلی جوابی که در لینک داده شده رو اینجا در نظر نگرفتین و به مورد دومش خرده گرفتین

گفته شده منظور آیات کمترین زمان بارداری و بیشترین زمان شیردهی است حال ایراد این است اگر جنین ۶ ماهه به دنیا بیاید دچار اختلال است و اگر قرآن کامل است حتی نباید تصور تولد جنین در ۶ ماهگی را می کرد

[پست 18]

نویسنده : سعدی شیرازی
تاریخ : 22:37 1395/08/19

آیا این نقض اختیار نیست که قبل از رخ دادن اتفاق، تعیین و تکلیف کنین که چه کسی لایق هست؟ طبق اعتقاد ما شیعیان، هر 12 امام از قبل تعیین شده اند اما در قرآن به صورت رمز به آنها اشاره شده. مثلاً همین آیه 15 سوره احقاف که دوستمون فرمودند، اشاره به ام حسین (ع) دانسته میشه (روایاتی نیز در خصوص 6 ماهه به دنیا آمدن (ایشان وجود دارد :

در تفسیر آیه « ووصینا الانسان بوالدیه احساناً » (سوره احقاف، آیه 15) فرموده اند :

مراد از « احسان » در این آیه رسول خدا است و مقصود از « والدیه » حسن و حسین . علیهما السلام هستند .

:مرحوم علامه مجلسی در بیان این تفسیر آورده است که

تعبیر از دو امام « امام حسن و امام حسین علیهما السلام » به والدین به این جهت است که امام همانند پدر است برای مردم در مهر و شفقت بر آنها و وجوب فرمانبرداری مردم از وی و حیات علمی و ایمانی آنها از امام است؛ و احساناً بیان کننده علت است؛ یعنی به همه انسانها سفارش کردیم که به این دو امام اکرام کنند و آنها را بزرگ بشمارند به خاطر رسول و انتساب اینها به پیامبر خدا.

منابع:

.بحارالانوار، ج 246، حدیث 21 - تفسیر علی بن ابراهیم

[پست 19]

نویسنده : shahed1
تاریخ : 22:38 1395/08/19

یکی از شبهاتی که به نظر بنده به نسبت شبهات دیگر در کتاب نقد قرآن دکتر سها مستحکم تر، گویا تر، دقیق تر و صحیح تر به نظر رسید، شبهه ای بود در مورد حرکت خورشید که در قرآن مطابق با دیدگاه مرسوم زمان مردم عرب توصیف شده بود...یعنی یک زمینی هست که خورشید گرد اون می چرخه و مایه پدید آمدن شب و روز می شود...جالبه...به نظرم رسید با توجه به اینکه این شبهه محکم تر و صحیح تر به نظر می رسه به نسبت دیگر شبهات، پس باید پاسخ های دقیق تر و شفاف تری هم داشته باشه....(در فضای مجازی) ولی با تعجب به این قضیه برخوردیم که در میان انبوه پاسخ هایی که به شبهات کتاب نقد قرآن دکتر سها داده شده، پاسخی به نقد هایی در مورد حرکت خورشید در قرآن نیست!!!!!! از دوستان کسی لینکی می شناسه که پاسخی داده باشه به نقد قرآن دکتر سها در مورد حرکت خورشید...بزارهاینجا ممنون می شم

سلام پارسا

من پاسخ این سؤال را می دانم منتهی قبل از آن از شما یک سؤال دارم که : امیدوارم به آن پاسخ دهید. لطفاً به این آیات خوب خوب دقت کنید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری (فلکی) در [حرکتند!] 21:33

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ۗ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
گیرد؛ و هر کدام در نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می [مداری حکمت می کنند]. 36:40

این دو آیه دارند می گویند خورشید و ماه و شب و روز هریک در فلک یا مداری حرکت می کنند و فعلی هم که این حرکت را بیان می کند بصورت جمع است (يَسْبَحُونَ) یعنی نشان می دهد نتنها خورشید و ماه بلکه شب و روز نیز در حرکتند. ما حرکت خورشید و ماه را چه بر اساس نظریات قدیم و چه مشاهدات جدید می دانیم به چه صورت است اما تکلیف حرکت شب و روز آنها بر مداری شبیه مدار خورشید و ماه به چه صورت است؟ آیا شما این را می دانید؟ آیا نظریات قدیم نحوه حرکت شب و روز در مدارشان را توضیح داده اند؟ آیا مشاهدات امروز توانسته اند این حرکت را ببینند یا ردی از آن بزنند؟

=====

[پست 20]
Kamran : نویسنده
تاریخ : 1395/08/19 22:43

و اگر قرآن کامل است حتی نباید تصور تولد جنین در ۶ ماهگی را می کرد
من دوتا آیه رو خوندم، اصلا نگفته تولد جنین در شش ماهگی رخ بده. فقط گفته از دوره شروع بارداری تا پایان شیرخوارگی 30 ماهه. فقط در محاسبه اعداد با اون یکی آیه به ظاهر متناقضه که میگه دو سال میشه شیر داد. مسئله اینه توی اون آیه 233 بقره: مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر میدهند. برای کسی است. که بخواد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند.

اونی که میگین تولد در شش ماهگی، تفسیر مفسر هست. در این دوآیه اصلا بهش اشاره نشده. صحیحش همینه: از وقتی بچه رو باردار میشه تا شیرخوارگی تموم شه 30 ماهه. ولی اگه میخوای شیرخوارگی رو تکمیل کنی، دو سال بهش شیر بده.

قرآن یکی از ویژگی هاش همینه. شما رو دست میندازه که مدام اعتقاد شما مورد سنجش قرار بگیره.

=====

[پست 21]
opacity : نویسنده
تاریخ : 1395/08/19 22:44

مثلا یکی از موارد جالب تولد کودک در دوران ۶ ماهگیست که غلط است

سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنید

گفته شده منظور آیات کمترین زمان بارداری و بیشترین زمان شیردهی است
حال ایراد این است اگر جنین ۶ ماهه به دنیا بیاید دچار اختلال است
و اگر قرآن کامل است حتی نباید تصور تولد جنین در ۶ ماهگی را می کرد

اون چیزی که توی این آیه: ((كَرِهَ اللَّهُ مُشْرِكِيًّا وَرَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ))
((كَرِهَ اللَّهُ وَحَمْدُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا))
اهل فن و نظر نیستم ولی خودمون هم بخوایم صحبت کنیم، مثلاً چه مدت فلان کار رو
انجام دادیم، اگر عدد رند نباشه گرد میکنیم عدد رو. فرض کن 5 ساعت و 45 دقیقه
با موبایل کار کنی، ازت بپرسن چقد با موبایل کار کردی نمیگی 5 ساعت و 45
! دقیقه کار کردم :|:|:|:| میگی 6 ساعت
. اینجا هم میتونه اینطور چیزی مد نظر باشه
با احتساب اینکه 6 ماه وضع حمل هم ممکنه اتفاق بیفته (نمیگم امر عادی که
همیشه رخ میده، منظورم اینه رخ میده، حالا چ زایمان زودرس باشه چه عوامل دیگه
موجب این رخداد باشن، به هرحال چیزیه ک ممکنه رخ بده)، اینکه بیایم بگیم
30 ماه یا همون یا بگیم 33 ماه تفاوت زیادی رو قائل نمیشه !! ، در اصل 30 ماه
درسته ، 31 و 32 و 33 ماه هم درستن
! از نظر من این مدل گفتن به صحبت کردن روزمره و عوامی امثال ما هم نزدیکتره

قسمت دوم هم که اشاره کردید اگه قرآن کامله پس نباید به مسئله ی تولد شش ماهه
اشاره میکرد، این هم چندان منطقی بنظر نیامد، اینجا نیومده نظر علمی صادر کنه
که جنین شش ماهه به دنیا اومد یا بیشتر و کمتر، اومده درمورد احترام به
والدین صحبت کرده و در خلال اون به این مسئله اشاره کرده. اگر قرآن میگفت :
تولد شش ماهه است و دیگر هیچ، اونوقت میشد بگیم قرآن کامل نیست، ولی هیچ جای
آیه شما حتی اشاره ای به اینکه بخواد اثبات کنه تولد شش ماهه نمیبینید

یک شبهه ی جالب دیگر
در کلاس علوم قرآن یکی از دوستان شبهه آی را وارد کرد
به این شرح
چرا در قرآن به صراحت اسامی افراد ذکر نشد که اختلاف به وجود نیاید
استاد چنین استدلال کرد
که بزرگان نباید به خاطر مدافع حقایق را کتمان می کردند
حرف ما این بود مشکل از قرآن است اما استاد می گفت صحابه و نزدیکان سبب اختلاف
و برداشت چندوجهی هستند

الان سال 1440 قمریه تقریباً ، قرآن هم در همین حدود قبل نازل شده، فرض کن علنا
اسامی توی قرآن ذکر میشدن، مشخصاً مصداقی بودن آیات نهایتاً منجر به تحریف قرآن
میشد، اون هم با وضعیتی که نه صنعت چاپ بوده و نه تکثیر کتاب راحت بوده، بخاطر
همین مصداقی نبودن هم مشکل رو تا حدودی حل میکنه، بعد اینکه به هرحال باید خوب
و بد هم طی دوران از هم تشخیص داده بشن، به رغم اینکه حتی اگر قرآن مصداقی بود
باز هم مشکلی حل نمیشد. همین الانش خیلی از احکامی ک تو قرآن اومده بهشون توجه
نمیشه ، مصداقی هم بود وضع همین بود!!! همین بهتر که منم میتونم به آیه بخونم
!فرض کنم میشه ب منم ارتباطی داشته باشه

[پست 22]
Kamran : نویسنده
تاریخ : 1395/08/19 22:46

طبق اعتقاد ما شیعیان، هر 12 امام از قبل تعیین شده اند اما در قرآن به صورت رمز به آنها اشاره شده. مثلاً همین آیه 15 سوره احقاف که دوستمون فرمودند، اشاره به ام حسین (ع) دانسته میشه (روایاتی نیز در خصوص 6 ماهه به دنیا آمدن ایشان وجود دارد):

به نظرم وقتی میخوایم با یک نفر که در شرف خارج شدن از اسلام هست صحبت کنیم، باید این مسائل مذهبی (تفکرات این چنینی شیعه) رو کنار بذاریم و به اصل قضیه پردازیم. پیامبران خدا هم اشتباه از شون رخ داده و به خاطرش بر رنجشون افزون (شده) (مثل یوسف پیامبر) اینکه حالا مفسرین بخوان بگن این یعنی دور شدن از خدا و با گناه کردن فرق داره "و...، تفسیر کرده. اصل مسئله، "انجام کار خطا هست

[پست 23]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1395/08/19 22:55

جالب است اگر نام کاربریم گلابی بود چه می گفتید آن وقت میگفتم شما که نامتان Nishkhand: نام یک میوه شیرین است، چرا تلخ سخن میگوئید

مگر بنده در هنگام پذیرش اسلام در امور دینی تخصص داشته ام که حالا برای مطالعه و پذیرش نقد آن عقاید دارای تخصص باشمخب در همان هم اشتباه کردید! چرا دین اسلام را بدون تحقیق و صرف وراثتی بودنش پذیرفتید؟ بی دلیل نیست که میگویند باد آورده را باد می برد

امثال دکتر سها هم غلط نمی گویند، عینکشان با عینک شما فرق دارد هر کدام به گونه ای می اندیشیم و میزان و درجه ی اعتقاداتمان با شرایط گوناگون فرق می کند پس مسئلهء شما نقد قرآن ایشان (یا هر شخص دیگر) نیست بلکه به تکثرگرایی اعتقاد دارید

مثلا یکی از موارد جالب

تولد کودک در دوران ۶ ماهگیست که غلط است

سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنیدخب چرا نمی گوئید لابد عینک قرآن! با عینک شما فرق می کند؟

[پست 24]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1395/08/19 22:57

اینکه حالا مفسرین بخوان بگن این یعنی دور شدن از خدا و با گناه کردن فرق داره "و...، تفسیر کرده. اصل مسئله، "انجام کار خطا هست"سلام

کامران جان ببخشید برادر ، چطور است که کلام مفسرین که سال ها کسب علم کرده
(!اند ، میشود تفسیر کردن (به معنای توجیه الکی کردن
آن وقت باید کلام شما را که میفرمائید "اصل مسئله انجام کار خطاست" را
بپذیریم؟
چرا باید تفسیر شما را قبول کنیم؟

[پست 25]

ninja : نویسنده

تاریخ : 23:05 1395/08/19

من دوتا آیه رو خوندم، اصلا نگفته تولد جنین در شش ماهگی رخ بده. فقط گفته از دوره شروع بارداری تا پایان شیرخوارگی 30 ماهه. فقط در محاسبه اعداد با اون یکی آیه به ظاهر متناقضه که میگه دو سال میشه شیر داد. مسئله اینه توی اون آیه 233 بقره: مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر میدهند. برای کسی است که بخواد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند.

اونی که میگین تولد در شش ماهگی، تفسیر مفسر هست. در این دوآیه اصلا بهش اشاره نشده. صحیحش همینه: از وقتی بچه رو باردار میشه تا شیرخوارگیش تموم شه 30 ماهه. ولی اگه میخوای شیرخوارگیش رو تکمیل کنی، دوسال بهش شیر بده

قرآن یکی از ویژگی هاش همینه. شما رو دست میندازه که مدام اعتقاد شما مورد
.سنجش قرار بگیره

طبق لقمان ۱۴

دو سال دوران شیردهی است

و با کم کردن ۲۴ از سی

ماه باقیست ۶

حرف این است

حتی در کتابی که مدعی کمال است

هرگز نباید بیان بشود

جنین شش ماهه به دنیا بیاید

زیرا جنین کامل رشد نکرده

و حتی اگر ۲۴ ماه شیر مادرش را بخورد

تا آخر عمر دارای اختلال است

[پست 26]

shahed1 : نویسنده

تاریخ : 23:06 1395/08/19

مثلا یکی از موارد جالب

تولد کودک در دوران ۶ ماهگیست که غلط است

سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنید

سلام

به تجربه دریافته ام هرجا ایرادی از قرآن گرفته می شود و به آیات آن اشکالی
وارد می گردد ، در آنجا پدیده ای جالب و گاه حیرت انگیزی وجود دارد

به همین دلیل در اینترنت جستجو کردم دیدم بر اساس آمارهای جهانی که بعضاً در

سایت های معتبر خارجی منتشر شده اند ، مدت زمان شیر دهی بین 18 تا 24 ماه است

که متوسط آن می شود 21 ماه . چنانچه 21 ماه را که متوسط زمان شیردهی است با

متوسط زمان بارداری ، یعنی 9 ماه ، جمع کنیم حاصل همان 30 ماهی می شود که

خداوند فرموده. آنچه خداوند اعلام کرده ، متوسط زمان موجود حمل و شیردهی در جوامع بشری دیروز و امروز است اما آنچه خود به آن توصیه کرده 24 ماه شیردهی است که با احتساب 9 ماه بارداری روی هم رفته می شود 33 ماه. مسلماً در عهد رسول الله کسی در این باره آمار گیری نکرده تا این موضوع را با این دقت متوجه شود بلکه خداوند این را بر اساس علم فراگیر و شگفت انگیز خود گفته است.

[پست 27]

Kamran : نویسنده

تاریخ : 1395/08/19 23:14

سلام

کامران جان ببخشید برادر ، چطور است که کلام مفسرین که سال ها کسب علم کرده (!اند ، میشود تفسیر کردن (به معنای توجیه الکی کردن

آن وقت باید کلام شما را که میفرمائید "اصل مسئله انجام کار خطاست" را بپذیریم؟

چرا باید تفسیر شما را قبول کنیم؟

سلام

خوب هستین؟

....من گفتم شما باید تفسیر من رو قبول کنی؟ من نوشتم به نظرم فلان بسار و

.حالا شما میخوای موافق باش، میخوای نباش دیگه به من مربوط نیست

.اما در دفاع از حرفم اینو میگم: جدا از اینکه اون شخص پیامبر باشه

زمانی که کاری که "غلط" هست رو انجام بده. یعنی مرتکب "غلط" شده. حالا چه این فرد پیامبر باشه، چه شخص عادی باشه. مابقی مسائل (تفسیر و ...) برای شخصی هست .که بخواد عمیق تر فکر کنه

طبق لقمان ۱۴

دو سال دوران شیردهی است

و با کم کردن ۲۴ از سی

ماه باقیست؟

حرف این است

حتی در کتابی که مدعی کمال است

هرگز نباید بیان بشود

جنین شش ماهه به دنیا بیاید

زیرا جنین کامل رشد نکرده

و حتی اگر ۲۴ ماه شیر مادرش را بخورد

تا آخر عمر دارای اختلال است

.نه شما دوباره متوجه قضیه نشدی

فرض مثال من خودم، دو سال کامل شیر مادر نخوردم. این یعنی دوران شیرخوارگی حتما نباید دو سال باشه. قرآن گفته مادران دوسال شیر میدن، برای اینه که کامل (کنن دوران شیرخوارگی رو. (آیه رو هم ذکر کردم)

یعنی شما فرض بگیر 9 ماه دوره بارداری + 21 ماه دوره شیردهی = 30 ماه ...
.میخوای کامل ترش کنی؟ 21 ماه رو بکن 24 ماه

>: حالا شما میخوای به طور دیگه فکر کنی، فکر کن

[پست 28]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 23:28 1395/08/19

زمانی که کاری که "غلط" هست رو انجام بده

"غلط" ، طبق تعریف چه کسی؟"

[پست 29]

shahed1 : نویسنده

تاریخ : 23:32 1395/08/19

سلام پارسا

من پاسخ این سؤال را می دانم منتهی قبل از آن از شما یک سؤال دارم که : امیدوارم به آن پاسخ دهید. لطفاً به این آیات خوب خوب دقت کنید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ الدَّيْلَ وَالذَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری (فلکی) در [حرکتند!] 21:33

لَا الشَّمْسُ يَنْزِعُ عَنْهَا أَنْ تَدُورَ ۗ وَالْقَمَرُ لَا الدَّيْلَ سَابِقُ الذَّهَارِ ۗ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
گیرد؛ و هر کدام در نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می [مداری حکمت می کنند .] 36:40

این دو آیه دارند می گویند خورشید و ماه و شب و روز هریک در فلک یا مداری حرکت می کنند و فعلی هم که این حرکت را بیان می کند بصورت جمع است (یَسْبَحُونَ) یعنی نشان می دهد نتنها خورشید و ماه بلکه شب و روز نیز در حرکتند. ما حرکت خورشید و ماه را چه بر اساس نظریات قدیم و چه مشاهدات جدید می دانیم به چه صورت است اما تکلیف حرکت شب و روز آنها بر مداری شبیه مدار خورشید و ماه به چه صورت است؟ آیا شما این را می دانید؟ آیا نظریات قدیم نحوه حرکت شب و روز در مدارشان را توضیح داده اند؟ آیا مشاهدات امروز توانسته اند این حرکت را ببینند یا ردی از آن بزنند؟

اگر زمین از میان برداشته شود شب و روز بی معنی می شود بلکه هستی شب و روز در گرو هستی زمین است وقتی زمین هست آنها نیز هستند و هنگا می که نیست آنها نیز نیستند. وقتی یک نیمکره زمین شب است آن نیمکره دیگر روز است یعنی شب و روز مجموع دو نیمکره زمین هستند یعنی خود زمین هستند. وقتی خداوند می فرماید شب و روز و خورشید و ماه هریک در فلکی شناورند یعنی زمین خورشید و ماه هر یک بر مداری می گردند.
آیا این مدرک کافی است؟

http://science.jrank.org/kids/article_images/space_p12.jpg

http://en.academic.ru/pictures/enwiki/78/North_season.jpg

[پست 30]

نویسنده : Kamran

تاریخ : 23:35 1395/08/19

غلط" ، طبق تعریف چه کسی؟"

خدا.

مثلا

:(اشاره به حضرت یوسف)

از خدا خواستن چیز ها = درست

از غیرخدا، خواستن چیز ها = غلط

در موقع نیاز، شما از غیرخدا به چیزی میخوای. در صورتی که خود خدا میگه از خودم بخواه نه از دیگری. به نظرم اینجا شما مرتکب خطا شدی.

اگر من بودم، شاید خدا اینقدر حساس نمیشد، اما چون پیامبر بود، به دلیل (مسئولیت به شدت سنگین و سختش، حساسیت خدا شدید تره و حتی تنبیه ش کرد)

[پست 31]

نویسنده : ninja

تاریخ : 23:38 1395/08/19

!خب در همان هم اشتباه کردید

!چرا دین اسلام را بدون تحقیق و صرف وراثتی بودنش پذیرفتید؟

بی دلیل نیست که میگویند باد آورده را باد می برد

دوست عزیز

در ۱۳، ۱۴ سالگی من چه منابع خاصی داشتم

به جز قرآن و رساله و کتاب های مذهبی در کتابخانه ی منزل

و نمازهای پدر و مادرم

پس مسئلهء شما نقد قرآن ایشان (یا هر شخص دیگر) نیست

بلکه به تکثرگرایی اعتقاد دارید

بنظرم حقیقت مطلقى وجود ندارد

[پست 32]

نویسنده : سعدی شیرازی

تاریخ : 23:41 1395/08/19

به همین دلیل در اینترنت جستجو کردم دیدم بر اساس آمارهای جهانی که بعضاً در سایتهای معتبر خارجی منتشر شده اند ، مدت زمان شیر دهی بین 18 تا 24 ماه است . که متوسط آن می شود 21 ماه

سلام شاهد گرامی

امكان داره منبع رو ذكر بفرماييد؟ ممنون

[hr]

در زمان عمر، زنی را به دلیل آنکه فرزندش را شش ماهه به دنیا آورده بوده به زنا متهم کرده بودند. حضرت علی (ع) این تهمت را رد فرمودند و با توجه به آیه مذکور، امکان تولد شش ماهه را نتیجه گرفتند.
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=40033>

با جستجو در اینترنت می تونید ببینید که زنده ماندن کودکی که شش ماهه متولد شده ممکنه و نمونه هایی ازش وجود داره
<https://www.google.com/#safe=active&q=6+months+premature++birth>

اگر اطلاعات دقیقتر نیاز دارید، می تونید به فردی از آشنایانتون که تخصص پزشکی داره مراجعه کنید و مسئله رو کامل جویا بشید. اگر این مسئله براتون جدی باشه پس ارزش جستجوی بیشتر رو داره.

[پست 33]

نویسنده : ملورین
تاریخ : 1395/08/19 23:41

طبق لقمان ۱۴
دو سال دوران شیردهی است
و با کم کردن ۲۴ از سی
ماه باقیست ۶
حرف این است
حتی در کتابی که مدعی کمال است
هرگز نباید بیان بشود
جنین شش ماهه به دنیا بیاید
زیرا جنین کامل رشد نکرده
و حتی اگر ۲۴ ماه شیر مادرش را بخورد
تا آخر عمر دارای اختلال است

کی میگه تا اخر عمر داراي اختلاله؟

[پست 34]

نویسنده : سعدی شیرازی
تاریخ : 1395/08/19 23:43

وقتي خداوند مي فرمايند شب و روز و خورشيد و ماه هريك در فلكي شناورند يعني زمين خورشيد و ماه هر يك بر مداري مي گردند منظور از شناور بودن شب و روز در فلک خودشان چیست؟ شب و روز به چه صورت شناورند؟

[پست 35]

نویسنده : رستگاران
تاریخ : 1395/08/19 23:44

۱۴

دو سال دوران شیردهی است
و با کم کردن ۲۴ از سی
ماه باقیست ۶
حرف این است
حتی در کتابی که مدعی کمال است
هرگز نباید بیان بشود
جنین شش ماهه به دنیا بیاید
زیرا جنین کامل رشد نکرده
و حتی اگر ۲۴ ماه شیر مادرش را بخورد
تا آخر عمر دارای اختلال است

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لولیک الفرج

سلام علیکم رو حمه الله و برکاته

در اینجا مطالبی گفتید خواستم بدانم

چه کسی گفته تا آخر عمر اختلال دارد بر فرض هم اختلال داشته باشد چه ربطی به
بدنیا آمدن در 6 ماه دارد؟

الان کودک 6 ماه نداریم که به دنیا بیاید؟

ایراد شما دقیقا چیست؟

به جز قرآن و رساله و کتاب های مذهبی در کتابخانه ی منزل
و نمازهای پدر و مادرم

خب همون رساله باب اولش باب تقلید است باز کنید ببینید در مورد تقلید در اصول
دین چه گفته؟

رساله ایی که هست برای کیست؟
تو خود قرآن چیز در مورد تعقل و تدبیر و اندیشه نگفته؟
یا برای خودتان سوال پیش نیامده چرا مادر و پدرم نماز می خوانند؟

(یا علی(ع

[پست 36]

نویسنده : پارسا مهر
تاریخ : 23:50 1395/08/19

من پاسخ این سؤال را می دانم منتهی قبل از آن از شما یک سؤال دارم که
: امیدوارم به آن پاسخ دهید. لطفاً به این آیات خوب خوب دقت کنید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ الدَّيْلَةَ وَالذَّهَانَ وَالشَّامَةَ وَالْقَمَرَ
كُلٌّ فِي فَلَكَ بِسُبْحَانَ

او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری (فلکی) در حرکتند! [33:21]

لَا الشَّمْسُ يَنْزِعُهَا عَنْهَا أَنْ تَدْرِكَ الْقُمْرَ وَلَا الدَّيْلُ سَابِقُ الذَّهَابِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
گیرد؛ و هر کدام در نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می
مداری حکمت می کنند. [40:36]

این دو آیه دارند می گویند خورشید و ماه و شب و روز هریک در فلک یا مداری حرکت می کنند و فعلی هم که این حرکت را بیان می کند بصورت جمع است (يَسْبَحُونَ) یعنی نشان می دهد نتنها خورشید و ماه بلکه شب و روز نیز در حرکتند. ما حرکت خورشید و ماه را چه بر اساس نظریات قدیم و چه مشاهدات جدید می دانیم به چه صورت است اما تکلیف حرکت شب و روز آنهم بر مداری شبیه مدار خورشید و ماه به چه صورت است؟ آیا شما این را می دانید؟ آیا نظریات قدیم نحوه حرکت شب و روز در مدارشان را توضیح داده اند؟ آیا مشاهدات امروز توانسته اند این حرکت را ببینند یا ردی از آن بزنند؟ با سلام... خوب چیزی که معمولا بنده ندیدم جایی مطرح شده باشد و منتقدان به عنوان یک شبهه یا یک انتقاد به آن اشاره نکنند این است که گویا قرآن شب و روز را مستقل از آمد و شد ماه و خورشید قابل تصور می داند!!!!!!... یعنی از نظر قرآن چه ماه و چه خورشید باشند و چه نباشند، ما شب و روز را داریم!!!!!!... که خوب طبیعتا این تصویری اشتباه است... اگر شب و روز اصالت و معنا و مفهومی دارند از باب وجود ماه و خورشید است... ولی گویا قرآن به آن توجه ندارد و این تصور را دارد که خورشید در روز طلوع می کند!!!!!! ماه هم در شب، انگار روز چیزی جدا از خورشید یا طلوع خورشید است!!!!!! ولی ما می دانیم که این خورشید نیست که در روز طلوع می کند... بلکه چون خورشید طلوع می کند روز تعریف و مفهوم پیدا می کند و اگر خورشید طلوع نکند، روز معنی ندارد و معنی ندارد که بگوییم خورشید در روز طلوع می کند!!!!!! عرض کردم از یک سری از آیات این دیدگاه که گذشت برداشت می شود، مثلا در آیاتی که اشاره به خلقت عالم در شش روز دارند... مخالفان و منتقدان شبهه وارد می کنند که این شش روز همان شش روز معمول است نه شش دوران یا شش ایام... بعد موافقان در پاسخ می گویند که مگر در هنگام خلقت عالم اصلا خورشید و ماهی وجود داشته که روز معنا پیدا کند!!!!!!؟ اینجا باید به این موافقان گفت، بله عقلا و علمی بخواهیم بررسی کنیم، خورشید و ماهی نبوده و در نتیجه شب و روزی معنا نداشته که بگوییم دنیا در شش روز خلق شده... ولی قرآن چه تصویری دارد؟ مگر ما قرآن را علمی می دانیم؟؟؟ به نظر می رسد که قرآن شب و روز را مستقل از ماه و خورشید دارای معنا و اصالت می داند و اینجاست که می گوید ما دنیا را در شش روز آفریدیم در حالی که اصلا ماه

!!! و خورشیدی وجود داشته باشد این آیاتی هم که شما نقل کردید باز به طور مثال اشاره به در گردش بودن ماه و خورشید و شب و روز شده، به نحوی که گو شب و روز چیزی مستقل از ماه و خورشید هستند!!!!!! حالا شما از من می پرسید که حرکت شب و روز آنهم در مداری شبیه مدار خورشید و ماه به چه صورت می تواند وجود داشته باشد... باید بگویم، پاسخ را درست نمی دانم... اما از آنجا که ما داریم با دیدی انتقادی به قرآن نگاه می کنیم پس لزومی ندارد که با دید علمی به این سوال نگاه کنیم... بلکه باید ذهن حضرت محمد را هم در نظر داشته باشیم که در ذهن او دنیا به چه شکل متصور می شده... از آنجا که ذهن پیامبر در فرض ما کاملا علمی و عاقلانه می تواند نباشد و ممکن است این آیات ساخته و پرداخته ذهن پیامبر باشند (با توجه به اینکه با دید انتقادی به این مسئله نگاه می کنیم) پس پاسخ به سوال شما می تواند از دو جهت پاسخ داده شود. یک از جنبه ی علمی و منطقی! و دو از دیدگاه و تصور پیامبر... من از این تصور پیامبر بی اطلاع هستم پس نمی توانم از این جنبه به این سوال پاسخ بدهم که از نظر قرآن در چرخش بودن روز و شب در یک فلک به چه معناست! :-/ از جنبه علمی و منطقی هم باید بگویم من پاسخی ندارم و اصلا شاید پاسخی نداشته باشد. و این سوال پاسخ تنها در ذهن و تصور پیامبر باشد.

تذکر... خواهش دارم پیام های بنده را بدون آنکه نقل قول کنید پاسخ دهید... و مشتاق هستم دیدگاه و نظرات شما را بخوانم.مرسی

[پست 37]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 00:01 1395/08/20

در ۱۳، ۱۴ سالگی من چه منابع خاصی داشتمالان که دیگر 14 سالتان نیست تحقیق کنید

بنظرم حقیقت مطلقى وجود نداردتحقیق کنید

[پست 38]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 00:03 1395/08/20

خداپس درمورد چگونگی و حد و حدوش هم باید به خود خدا مراجعه کنیم

[پست 39]

نویسنده : ملورین

تاریخ : 00:06 1395/08/20

الان که دیگر 14 سالتان نیست

تحقیق کنید

تحقیق کنید

ادم از کجا بفهمه منابع مغرضانه نیست؟

از کجا بفهمه تحریف شده نیست؟

در رابطه با قران میگن تحریف نشده از کجا معلوم؟

منابعی که میگن قران تحریف نشده خودشون چه قدر سندیت دارن ؟

[پست 40]

نویسنده : سعدی شیرازی

تاریخ : 00:08 1395/08/20

خورشید در روز طلوع می کند!!! ماه هم در شب

سلام پارسامهر گرامی

بعید می دونم که در قرآن ماه مختص شب بیان شده باشه، چون ماه گاهی اوقات در

روز هم دیده میشه. بستگی به این داره که خورشید و ماه در یک سمت زمین باشند

یا در دو سمت مخالف. در اوایل و اواخر ماههای قمری می تونید ماه رو در روز هم

مشاهد کنید. اگر ماه مختص شب بود که هیچوقت خورشید گرفتگی رخ نمیداد

[پست 41]

نویسنده : Kamran

تاریخ : 00:09 1395/08/20

پس در مورد چگونگی و حد و حدوش هم باید به خود خدا مراجعه کنیم

.متوجه منظور شما نمیشم

مفسرین، خدا هستن؟

گفتم که به نظرم مفسرین برای زمانی هستن که آدم بخواد عمیق تر و تحقیقی تر درباره ی یک مسئله فکر کنه. شخصی که هنوز توی اول مسیر دیدن یک مسئله مونده، چطوری میخواین آخر اون مسیر رو بهش نشون بدین؟ اون همون جلو رو هم به خوبی نمیبینه!

[پست 42]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 00:09 1395/08/20

ادم از کجا بفهمه منابع مغرضانه نیست؟

از کجا بفهمه تحریف شده نیست؟

در رابطه با قران میگن تحریف نشده از کجا معلوم؟

منابعی که میگن قران تحریف نشده خودشون چه قدر سندیت دارن؟

به نظر شما خورشید به دور زمین می چرخد یا زمین به دور خورشید؟

[پست 43]

نویسنده : ملورین

تاریخ : 00:11 1395/08/20

به نظر شما خورشید به دور زمین می چرخد یا زمین به دور خورشید؟

چه ربطی به سوال من داشت /:

!؟

[پست 44]

نویسنده : Reza-D

تاریخ : 00:12 1395/08/20

.متوجه منظور شما نمیشم

مفسرین خدا هستن؟

گفتم که به نظرم مفسرین برای زمانی هستن که آدم بخواد عمیق تر و تحقیقی تر درباره ی یک مسئله فکر کنه. شخصی که هنوز توی اول مسیر دیدن یک مسئله مونده،

چطوری میخواین آخر اون مسیر رو بهش نشون بدین؟ اون همون جلو رو هم به خوبی
نمیبینه!
Nishkhand: !کامران الان از تو مانیتور میام برات
خب عزیز دل ، شما صحبت را شروع کردید
اگر قرار است بحث را بر مبنای ابتدای راه بودن طرح کنیم ، پس جمله "پیامبران
هم معصوم نبودند" چیست؟
نمیشود که جملهء تخصصی مطرح کنید بعد بگوئید خب حالا بیایم آماتور گفتگو
کنیم :Gig: !

[پست 45]
Reza-D : نویسنده
تاریخ : 1395/08/20 00:12

چه ربطی به سوال من داشت / :
شما بفرمائید ، ارتباطش را عرض میکنم!

[پست 46]
نویسنده : ملورین
تاریخ : 1395/08/20 00:14

شما بفرمائید ، ارتباطش را عرض میکنم
زمین دیگه به دور خورشید

[پست 47]
Reza-D : نویسنده
تاریخ : 1395/08/20 00:18

ای کاش کمی هم بصیرت داشتیم ، و مطلبی که عملاً تبلیغ یک کتاب سخیف ضداسلام است
را اینگونه نشر نمی دادیم
سلام مسلمان عزیز
شهید مطهری می گفتند به مارکسیست ها تریبون بدهید تا حرفشان را بزنند
آنها میگویند ، ما هم میگوئیم ، جوانان خودشان حق را پیدا خواهند کرد

اتفاقاً برادر عزیز ، وقتی جلوی یک عقیده را با شدت بگیری ، اولین چیزی که به
ذهن مخاطب میرسد این است که حتماً پاسخی برای آن ادعا نداریم و از آن
میترسیم . البته بحث توهین یا مسائل غیراخلاقی داستانش جداست ، ولی آنجا که
صحبت از تفکر و عقیده است ، به نظر من باید مطرح شود و پاسخ داده شود . نه
آنکه جلوی را بگیریم . یک نگاه به گذشته بیندازید برادر ، ببینید آیا آنهایی
را که تا کنون سعی در جلوگیری از آنها داشتیم ، آیا دیگر جوانان جذب آنها
نشوند؟

[پست 48]
نویسنده : حق دوست
تاریخ : 1395/08/20 00:24

سلام و عرض ادب

. این چه سبک از رفخ شبهه هست

. شبهه یکی یکی مطرح میشه و یکی یکی هم پاسخ داده میشه

من به شخصه شما رو منع از خوندن کتاب نمیکنم به شرطها و شروطها. (البته بنده (این کتاب رو نخوندم

این که همونطور که برای خوندن کتاب وقت گذاشتین برای رفع شبهه باید چندین برابر وقت بذارید.

ثانیا نباید به جا میخوندید بلکه درست این بود که هر مساله ای که مطرح شده رو میخوندید و تا به پاسخ نمیرسیدید سر مساله بعدی نمیرفتین. مثل اینکه به کتاب مسایل ریاضی رو بردارید و بخواین جواب همه سوالات رو به جا بنویسید این جز سر درگمی نتیجه ای نداره.

پس توصیه میکنم اگر دنبال جواب هستین مجدد به همین روشی که عرض کردم از ابتدا شروع کنید و هر چی تو ذهنتون ایجاد شده رو بریزید دور و دنبال لقمه آماده نباشید.

و من الله توفیق

یا حق

[پست 49]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 00:25 1395/08/20

زمین دیگه به دور خورشید

.
. .

ادم از کجا بفهمه منابع گردش زمین به دور خورشید مغرضانه نیست؟

از کجا بفهمه تحریف شده نیست؟

در رابطه با کتاب های علمی میگن تحریف نشده از کجا معلوم؟

منابعی که میگن حرف دانشمندا رو تایید میکنن ، خودشون چه قدر سندیت دارن؟

قبول دارید فقط به دین که میرسیم اینقدر مو را از ماست میکشیم؟

البته ایرادی هم ندارد ، بالاخره دین با اصل وجود انسان سر و کار دارد

اما همانقدر که تحقیق مهم است ، زیاد از حد مته به خشخاش گذاشتن هم می تواند مضر باشد

دقت بفرمائید من نمیگویم هر چیزی را سریع بپذیرید

ولی تا این حد ک و تردید و بدبینی هم نتیجه ای بجز سر درگمی ندارد

شما تا حدی که توان دارید و راه جلوی پایتان هست تحقیق کنید

منابع را مطالعه کنید ، حرف موافقان و مخالفان را بشنوید

مهمتر از همه مدام سوال بپرسید و برای سوال هایتان دنبال پاسخ باشید (هم از

(سوی موافقان و هم مخالفان

انشالله به نتیجه خواهید رسید و پاسخ به اندازه گردش زمین به دور خورشید

ok: برایتان واضح خواهد شد

[پست 50]

نویسنده : shahed1

تاریخ : 00:26 1395/08/20

سلام شاهد گرامی
امکان داره منبع رو ذکر بفرمایید؟ ممنون

سلام

: این یکی از آنها

<https://breastfeedingusa.org/content/article/weaning-every-mothers-journey>

: این هم یکی دیگر

<http://kellymom.com/ages/older-infant/babyselfwean>

در اینترنت می توانید به سایتها و weaning 18-24 months همچنین با جستجوی مطالب بیشتری دست پیدا کنید.

[پست 51]

نویسنده : ملورین

تاریخ : 00:29 1395/08/20

.
. .

قبول دارید فقط به دین که میرسیم اینقدر مو را از ماست میکشیم؟ البته ایرادی هم ندارد ، بالاخره دین با اصل وجود انسان سر و کار دارد اما همانقدر که تحقیق مهم است ، زیاد از حد مته به خشخاش گذاشتن هم می تواند مضر باشد

دقت بفرمائید من نمیگویم هر چیزی را سریع بپذیرید ولی تا این حد ک و تردید و بدبینی هم نتیجه ای بجز سر درگمی ندارد شما تا حدی که توان دارید و راه جلوی پایتان هست تحقیق کنید منابع را مطالعه کنید ، حرف موافقان و مخالفان را بشنوید مهمتر از همه مدام سوال بپرسید و برای سوال هایتان دنبال پاسخ باشید (هم از (سوی موافقان و هم مخالفان انشالله به نتیجه خواهید رسید و پاسخ به اندازه گردش زمین به دور خورشید ok: برایتان واضح خواهد شد

بحث مو رو از ماست کشیدن نیست در جهان فقط کتاب قران به عنوان کتابی که تحریف نشده مطرح شده

اگه من در مورد علم حساس نمیشم چون علم همچین ادعایی نداره نظریه های مختلف
میاد همدیگرو تایید یا رد میکنن
ولی قران میگه الا و بلا هرچی من میگم همونه
!بگذریم خارج بحثه

[پست 52]

Reza-D : نویسنده

تاریخ : 1395/08/20 00:32

-};@ قران میگه الا و بلا هرچی من میگم همونهخب درمورد همین ادعایش تحقیق کنید

[پست 53]

نویسنده : رستگاران

تاریخ : 1395/08/20 00:34

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج

سلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

پارسا مهر گرامی شما خواستید نقل نزنیم

اما یک سوال

در قطب شمال و جنوب شب و روز چطوری است؟

.یا در شب وقتی در کره ماه هستند

شب و روز چگونه است؟

-};@ (یا علی)ع

[پست 54]

shahed1 : نویسنده

تاریخ : 1395/08/20 00:34

منظور از شناور بودن شب و روز در فلک خودشان چیست؟ شب و روز به چه صورت
شناورند؟

سلام

البته در قرآن از کلمه یسیحون استفاده شده که مفهوم در حرکت بودن می دهد .
بنده کلمه شناوری را به حسب ظاهر ، که بنظر می رسد در فضا معلقند، بکار
بردم.

[پست 55]

نویسنده : Kamran

تاریخ : 00:40 1395/08/20

!کامران الان از تو مانیتور میام براتا
خب عزیز دل ، شما صحبت را شروع کردید
اگر قرار است بحث را بر مبنای ابتدای راه بودن طرح کنیم ، پس جملهء "پیامبران
هم معصوم نبودند" چیست؟
!نمیشود که جملهء تخصصی مطرح کنید بعد بگوئید خب حالا بیایم آماتور گفتگو کنیم

laughing:D خب. آهان پس مسئله این بود

من یکم نگاهم نسبت به معصوم بودن فرق میکنه. حالا اشتباه یا درست، به نظرم
معصوم بودن پیامبرها، میتونه نقض بشه. چون بالاخره هرطور هم که در نظر
بگیرین، انسان هستن و تمام شرایط یک انسان عادی رو دارن. پس صد در صد خدایی که
اینقدر دقیقه، حتی برای اشتباه کردن پیامبرها هم برنامه ریخته چون ذاتا انسان
دارای اختیاره. یعنی خدا پیامبرهارو طوری خلق نکرده که نتونن گناهی یا خطایی
انجام بدن، خدا اونارو مئه هر کسی دیگه ای انسان خلق کرده

پس یعنی پیامبرها هم پیشفرض مسیره‌های غلط و اشتباه رو دارن، منتهی به نظرم
مفهوم معصومیت اینطوری اینجا بروز پیدا میکنه که، پیامبران اونقدر پایبند به
خدا و آموزه هاش هستن که تا جایی که میتونن سعی میکنن از پیشفرض مسیره‌های غلط
و اشتباه دوری کنن و درست و خوب رو انتخاب کنن
این پیشفرض مسیره‌ها که میگم منظورم مسئله ی سرنوشت هست. اینکه برای انسان ()
مسیر گذاشته شده و محدوده، و خدا به همشون علم داره، هم مسیر بد و هم مسیر
خوب، و این انسانه که باید انتخاب کنه... خیلی کلی و ناقص توضیح دادم، بخوام
(توضیح کامل بدم خارج از بحث میشه و طولانی

شخصا، اعتقاد قوی تر میشه وقتی اینطوری فکر میکنم. یعنی اینو به نقص و زشتی
بر پیامبرها نمیدونم، بلکه با این دید، انسان بودنشون بیشتر برام ملموس و
قابل درک میشه

از همین جهت که اونطوری صحبت کردم. حالا اگه کسی موافق و همفکره که خوب قبول
میکنه اگه هم نه، که معلومه

[پست 56]

نویسنده : shahed1

تاریخ : 00:45 1395/08/20

با سلام... خوب چیزی که معمولا بنده ندیدم جایی مطرح شده باشد و منتقدان به
عنوان یک شبهه یا یک انتقاد به آن اشاره نکنند این است که گویا قرآن شب و روز
را مستقل از آمد و شد ماه و خورشید قابل تصور می داند!!!!!!... یعنی از نظر
قرآن چه ماه و چه خورشید باشند و چه نباشند، ما شب و روز را داریم!!!!... که
خوب طبیعتا این تصویری اشتباه است... اگر شب و روز اصالت و معنا و مفهومی
دارند از باب وجود ماه و خورشید است... ولی گویا قرآن به آن توجه ندارد و این
تصور را دارد که خورشید در روز طلوع می کند!!!!!! ماه هم در شب، انگار روز چیزی
جدا از خورشید یا طلوع خورشید است!!!!!! ولی ما می دانیم که این خورشید نیست
که در روز طلوع می کند... بلکه چون خورشید طلوع می کند روز تعریف و مفهوم پیدا
می کند و اگر خورشید طلوع نکند، روز معنی ندارد و معنی ندارد که بگوییم
خورشید در روز طلوع می کند!!!!!! عرض کردم از یک سری از آیات این دیدگاه که گذشت
برداشت می شود، مثلا در آیاتی که اشاره به خلقت عالم در شش روز
دارند... مخالفان و منتقدان شبهه وارد می کنند که این شش روز همان شش روز
معمول است نه شش دوران یا شش ایام... بعد موافقان در پاسخ می گویند که مگر در

هنگام خلقت عالم اصلا خورشید و ماهی وجود داشته که روز معنا پیدا کند!!!؟؟ اینجا باید به این موافقان گفت، بله عقلا و علمی بخواهیم بررسی کنیم، خورشید و ماهی نبوده و در نتیجه شب و روزی معنا نداشته که بگوییم دنیا در شب روز خلق شده... ولی قرآن چه تصویری دارد؟ مگر ما قرآن را علمی می دانیم؟؟ به نظر می رسد که قرآن شب و روز را مستقل از ماه و خورشید دارای معنا و اصالت می داند و اینجاست که می گوید ما دنیا را در شب روز آفریدیم در حالی که اصلا ماه و خورشیدی وجود داشته باشد!!!!

این آیاتی هم که شما نقل کردید باز به طور مثال اشاره به در گردش بودن ماه و خورشید و شب و روز شده، به نحوی که گو شب و روز چیزی مستقل از ماه و خورشید هستند!!!!!! حالا شما از من می پرسید که حرکت شب و روز آنهم در مداری شبیه مدار خورشید و ماه به چه صورت می تواند وجود داشته باشد... باید بگویم، پاسخ را درست نمی دانم... اما از آنجا که ما داریم با دیدی انتقادی به قرآن نگاه می کنیم پس لزومی ندارد که با دید علمی به این سوال نگاه کنیم... بلکه باید ذهن حضرت محمد را هم در نظر داشته باشیم که در ذهن او دنیا به چه شکل متصور می شده... از آنجا که ذهن پیامبر در فرض ما کاملا علمی و عاقلانه می تواند نباشد و ممکن است این آیات ساخته و پرداخته ذهن پیامبر باشند (با توجه به اینکه با دید انتقادی به این مسئله نگاه می کنیم) پس پاسخ به سوال شما می تواند از دو جهت پاسخ داده شود. یک از جنبه ی علمی و منطقی! و دو از دیدگاه و تصور پیامبر... من از این تصور پیامبر بی اطلاع هستم پس نمی توانم از این جنبه به این سوال پاسخ بدهم که از نظر قرآن در چرخش بودن روز و شب در یک فلک به چه معناست!:-/ از جنبه علمی و منطقی هم باید بگویم من پاسخی ندارم و اصلا شاید پاسخی نداشته باشد و این سوال پاسخش تنها در ذهن و تصور پیامبر باشد.

تذکر... خواهش دارم پیام های بنده را بدون آنکه نقل قول کنید پاسخ دهید... و مشتاق هستم دیدگاه و نظرات شما را بخوانم. مرسی

سلام پارسا

این مطلب خیلی گسترده است و باید یکی یکی روی آن بحث کرد. من فکر می کنم بخش اول مطلب فوق را بصورت مصور توضیح دادم آیا شما را قانع کرد؟ اگر نکرد چرا؟

=====

[پست 57]

نویسنده : انتی خرافات
تاریخ : 00:58 1395/08/20

بامطالعه ی نقد قرآن دکتر سها کل اعتقاداتم فرو ریخت

پاسخ علمای دینی به این کتاب چیست

باسلام

بنده هم مثل شما با خواندن این کتاب و کتابهای مشابه مثل 23 سال دشتی - دو قرن سکوت عبدالحسین زرینکوب و کتابهای کسروی و تولیدی دیگر شجاع الدین شفا و غیره برایم تردیدهایی بوجود آمد که باعث شد چندین سال وقت برای تحقیق در این زمینه ها بگذارم منتها اینطور که از نوشته های شما پیدا است شما این کتاب را تازه نخوانده اید قبلا خوانده اید و در زمان خواندن این کتاب هم اعتقاد محکمی نداشته اید و این کتاب را به عنوان ضربه نهایی به اعتقادات قبلی خوانده اید و اینجا هم برای جواب گرفتن نیامده اید در واقع به نوعی مبارزه طلبی برای آقای شفا میکنید ولی دوست عزیز بعنوان یک برادر چند نکته را به شما میگویم البته آزادی افکار را حق هر انسانی میدانم و تصمیم با خود شماست شما باید ببینید چه کتابی و برای چه مقصودی میخوانید اگر به دین اعتقاد محکمی نداشته باشید طبیعتا با دید نقد و دادن حق به نویسنده کتاب را میخوانید و در واقع به نوعی پیش داوری میکنید ایا بعد از خواندن کتاب سها رفتید جواب های نقدهای ایشان را ببینید تا اینکه دوستان اینجا لینک دادند؟

ایا دین و مکتبی را میشناسید که قابل نقد نباشد شما کتابهای تورات یا همان عهد عتیق را خوانده اید؟ شما یکبار عهد عتیق را بخوانید و ماجراهای کشتی گرفتن داود با خدا و برکت گرفتنش یا جنگ های شموئیل و ماجرای ختنه شدن موسی و زن گرفتن های پیغمبر پادشاهان را مطالعه کنید و ببینید ایا اگر انسانی عقل سلیم داشته باشد باور میکند که این داستانها وحی و ایه از سوی خدا که هیچ یک انسان عاقل هم همچنین حرفهایی نمیزند ولی هیچکس دین یهود را نقد نمیکند و دکتر سها و شفا ندارند یا دین مسیحیت یا عهد جدید یا الواح بها مرب.ط به بهاییان را بخوانید ببینید ایا خنده دار هست یا نه ولی نقد نمیشوند ببینید شما دو راه دارید یا اعتقاد به خدا داشته باشید یا خیر اگر تصمیم به اعتقاد داشتن گرفتید ایا دینی را برمیگزینید یا خیر اگر قرار شد دین انتخاب کنید کدام دین را میشناسید که قابل نقد و حتی رد کردن نباشد شما باید ابتدا اعتقادتان انقدر محکم باشد که کتاب سها را با دید نقد میخواندید وگرنه علم هم رد میشود مگر قوانین نیوتون توسط انیشتین به چالش کشیده نشد و قوانین انیشتین توسط کوانتوم به چالش کشیده شده تمام شبهات سها در این سایت و سایتها مشابه پاسخ شده اختیار با شما است که پاسخ ها را بپذیرید یا اینکه انها را توجیه بدانید این را بعنوان کسی که بعنوان یک بیطرف نزدیک به 15 سال در این زمینه ها تحقیق کرده ام میگویم در بین تمامی ادیان اسلام از همه بهتر است اگر خواستید هر دینی را اینجا مقایسه میکنیم ببینیم شبهات و حرفهای عقل گریز در کدام دین بیشتر است موفق باشید

[پست 58]

نویسنده : ملورین

تاریخ : 1395/08/20 01:15

;-@} خب درمورد همین ادعایش تحقیق کنید

/: خسته نباشید واقعا

[پست 59]

نویسنده : پارسا مهر

تاریخ : 1395/08/20 01:28

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج

سلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

پارسا مهر گرامی شما خواستید نقل نزنیم

اما یک سوال

در قطب شمال و جنوب شب و روز چطوری است؟

.یا در شب وقتی در کره ماه هستند

شب و روز چگونه است؟

-@} (یا علی)ع

d: با سلام.... ممنون که نقل قول نکردید. کاش سرکار شاهد هم همین کار را می کردند البته خیلی مهم نیست.... به هر حال والا اساتید بهتر می دانند ولی در کل گویا هر وقت خورشید حضور داشته باشد و در صحنه باشد و طلوع کرده باشد روز محسوب می شود.... حالا به فرض قطب شمال اصلا خورشید دیده نشود و طلوع نکند، طبیعتا همیشه شب خواهد بود در قطب و روزی نخواهیم داشت در قطب.... ماه هم به همین نحو، گذشته از اینکه خورشید چگونه به زمین می تابد.... آن ناحیه که خورشید به ماه می تابد روز محسوب می شود در ماه و آن ناحیه که تاریک است شب محسوب می شود در ماه.... فکر می کنم اینطگونه باشد و خلاصه اینطور نیست که شب و روز مستقل از وجود خورشید معنا و مفهومی داشته باشند. منظور خاصی داشتید که باید می گرفتمش؟

این مطلب خیلی گسترده است و باید یکی یکی روی آن بحث کرد. من فکر می کنم بخش اول مطلب فوق را بصورت مصور توضیح دادم آیا شما را قانع کرد؟ اگر نکرد چرا؟ والا من به درستی قانع نشدم.... داستان سر انتقاداتی بود که کتاب دکتر سها در مورد حرکت خورشید در قرآن مطرح کرده بود... اگر کتاب را خوانده باشید... کتاب تنها به آن دست آیاتی که شما نقل کردید و آورید اتکا ندارد.... آیات دیگری را هم دلیل بر ادعایش آورده.... شما هم به درستی احساس می کنم آن آیات را از اتهامات مبرا نکردید.... یا من متوجه نشدم.... به هر حال به نظر می رسد که آن آیاتی که شما اشاره داشتید به حرکت ماه و خورشید اشاره دارد.... حالا حرکت شب و روز یعنی چه، عرض شد باید این را هم دید که تصور پیامبر چه بوده از دنیای پیرامونش.... ولی به هر حال به نظر می رسد که آن آیات به حرکت و در گردش بودن ماه و خورشید اشاره دارد.... و ما می دانیم که قرآن به زبان مردم سخن می گوید.... مردم از حرکت خورشید و ماه چه تصویری داشتند؟ جوابش روشن است.... آن تصور باطل قدیمی.... گویا قرآن این را تأکید کرده در آن آیات مورد اشاره. مخصوصا که قرآن در کنار در گردش بودن ماه و خورشید و شب و روز کوچکترین اشاره ای به در گردش بودن و حرکت زمین ندارد.... در حالی که می دانیم تقریبا زمین هم به همان اندازه که خورشید و ماه در گردش اند، در حرکت و تکاپوست.... خواهش کمی روشن تر قضیه را روشن کنید

[پست 60]

نویسنده : رستگاران

تاریخ : 01:38 1395/08/20

d: با سلام.... ممنون که نقل قول نکردید. کاش سرکار شاهد هم همین کار را می کردند البته خیلی مهم نیست.... به هر حال والا اساتید بهتر می دانند ولی در کل گویا هر وقت خورشید حضور داشته باشد و در صحنه باشد و طلوع کرده باشد روز محسوب می شود.... حالا به فرض قطب شمال اصلا خورشید دیده نشود و طلوع نکند، طبیعتا همیشه شب خواهد بود در قطب و روزی نخواهیم داشت در قطب.... ماه هم به همین نحو، گذشته از اینکه خورشید چگونه به زمین می تابد.... آن ناحیه که خورشید به ماه می تابد روز محسوب می شود در ماه و آن ناحیه که تاریک است شب محسوب می شود در ماه.... فکر می کنم اینطگونه باشد و خلاصه اینطور نیست که شب و روز مستقل از وجود خورشید معنا و مفهومی داشته باشند.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج

سلام علیکم ورحمه الله و برکاته

برای روشن شدن بحث می توانید مستندات آن کتاب را نقل کنید؟

البته این درسته که 6 ماه از سال در قطب روز (و 6 ماه از سال شب است؟) به معنای تابش خورشید و عدم تابش آن

اگر بله

آیا در 6 ماهی که خورشید نمی تابد شب در حرکت نیست؟

یا در 6 ماهی که خورشید می تابد روز در حرکت نیست؟

اگر این دید را وسیع تر کنیم و در کرات دیگر ببینم کراتی که خورشید نور خورشید به آن نمی رسد آیا شب و روز وجود ندارد؟

البته برای برداشت بهتر باید خود آیات و نقد بر آن حاضر باشد

ببخشید دیگر نقل کردم

;-@}یا علی(ع)

[پست 61]

iranplusplus : نویسنده

تاریخ : 1395/08/20 04:54

تونید جدی این ترد برام جالب بود و حین خوندن بر برخی حرفا حاشیه زده م. می
happy.نگیرید
.ای نوشتم محاوره

در دسترس عموم است و دست به دست می چرخد pdf در ضمن نقد قرآن دکتر سها به صورت
چرا این کتاب نقد نقد قرآن
ندارد که دسترسی آسان باشد pdf نسخه ی
این کتاب و نظایر آن هر روز بارها دانلود و استفاده می شود
متأسفانه کتب مربوط به نقد اسلام، قرآن، رهبر ایران و... به راحتی در اینترنت
های ای دارن ولی کتبه صورت رایگان در دسترسه و منطق (ظاهراً یا باطناً) قوی
شن که شود به قیمت بالا در فلان انتشارات پیدا می ای بر این کتب نوشته می رديه
شه چاپش هم متوقف شده. این همه مبلغ و مروج که پول خمس و زکات هم خرج اونا می
ها واقعا کنن؟ رديه نوشتن هم شده منبع درآمد؟! تازه کاش این رديه چیکار می
ردیه بودن اغلب به جای نقد نقد، نقد ناقد هستن که اینا همه صهیونیست هستن
دشمن ذاتی اسلام هستن و... شما چیکار دارید به این کارا، کتاب رو نقد کنید و
سخنرانی رو بذارید برای جای دیگه.

کتاب سخیف ضد اسلام

.سخیف با ضد اسلم با غیر منطقی فرق داره

ر کس این تاپیک را بخواند، فوراً در اینترنت سرچ می کند که این کتاب چیست و
به آن دست پیدا می کند.

فَيْدَشْرَرُ عَبْدِادِ الذِّينِ يَسْتَهْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَدْتَبِعُونَ
أَحْسَنَهُ

به هر حال می‌گن تقلید در اصول دین باطله و فرد ناچار به تحقیق و مسلماً خواندن کتابای یک طرف تحقیق حساب نمیشه. پس باید کتب هر دو طرف در دسترس باشه.

خودسرانه هم می‌تونم اینکار رو انجام بدم
شما ملت رو از تردید خلاص کن. گناه بی اجازه بودنش با من

صدها هزار خواننده داشته است
!های تلویزیون هم اینقدر بیننده نداره برنامه

هر 12 امام از قبل تعیین شده اند اما در قرآن به صورت رمز به آنها اشاره شده.
مثلاً همین آیه 15 سوره احقاف که دوستمون فرمودند، اشاره به ام حسین (ع)
: (دانسته میشه (روایاتی نیز در خصوص 6 ماهه به دنیا آمدن ایشان وجود دارد
با نگاه فرادینی اگه قرار باشه این معانی بعید رو به آیات نسبت بدیم تقریباً
شه یه قرآن نسبت دادای رو می‌هر معنی

!از نظر من این مدل گفتن به صحبت کردن روزمره و عوامی امثال ما هم نزدیکتره
تونه منطقی باشه. به شرط این که همه قرآن رو با همین سطح دقت این نگاه می
بخونیم.

فرض کن علنا اسامی توی قرآن ذکر میشدن، مشخصاً مصداقی بودن آیات نهایتاً منجر به
تحریف قرآن میشد
اگه همه عقاید شیعه رو بر حق بدونیم، خدا با نیوردن اسم ائمه، باعث تحریف دین
های متعدد حاکی از اینکه که تمرکز قرآن روی همون دوره شده. به علاوه نشانه
شه گفت قرآن به تحریف قرآن در آینده توجه داشته اما از پیامبر(ص) هست. آیا می
آینده دینداری حرف خاص و روشنی نزده

چطور است که کلام مفسرین که سال ها کسب علم کرده اند ، میشود تفسیر کردن (به
(!معنای توجیه الکی کردن
متأسفانه تفاسیر اونا گاهی با عقل امروزی یا دانشگاهی ما جور نیست. مثلاً من
کنم می بینم غیر از اون معنی هر چی آیه تطهیر رو با تفسیرهاش مقایسه می
تفسیری، فلان معنی و فلان معنی هم ممکنه منظور باشه اما مفسر هیچ اشاره یا نقدی
ها نکرده. اگه این تفسیر به رأی نیس پس چیه. بالاخره یه به این معانی و برداشت
کنن‌ها همین کارو می‌عده مفسر باید فرقه خودشونو توجیه کنن دیگه. همه فرقه

در سایتهای معتبر خارجی منتشر شده اند ، مدت زمان شیر دهی بین 18 تا 24 ماه
است

Health organizations, including the World Health Organization
(https://en.wikipedia.org/wiki/World_Health_Organization) (WHO), recommend
only breastfeeding for six months.[2]
(https://en.wikipedia.org/wiki/Breastfeeding#cite_note-WHO2014-2) [11]
(https://en.wikipedia.org/wiki/Breastfeeding#cite_note-Kra2012-11) This
means that no other foods or drinks other than possibly vitamin D
(https://en.wikipedia.org/wiki/Vitamin_D) are typically given.[12]
(https://en.wikipedia.org/wiki/Breastfeeding#cite_note-12) After the

introduction of foods at six months of age, recommendations include continued breastfeeding until at least one to two years of age. [
(https://en.wikipedia.org/wiki/Breastfeeding#cite_note-WHO2014-2)
<https://en.wikipedia.org/wiki/Breastfeeding>

یعنی بین یک تا دو سال نه از 18 تا 24. یا از 21 تا 24

قبول دارید فقط به دین که میرسیم اینقدر مو را از ماست میکشیم؟
البته ایرادی هم ندارد ، بالاخره دین با اصل وجود انسان سر و کار دارد
های دقیق و صریح و بی ابهام و با رفرنس این دلیل داره. منابع علمی همه گزاره
های زیاد داره و هر حدیثی کلی بررسی برای ثقه هستن. اما هر آیه از قرآن برداشت
رسه. اگه دین هم حرفای علمی یا ثقه نبودن که در آخر هم کار به سلیقه و تفرق می
زد جای مو از ماست کشیدن نبود. اتفاقاً در مورد دین خیلی با دقیق و صریح می
شه نگاه ساده انگارانه و توجیه گرانه عمل می

months 18-24 weaning

تونه درست باشه اما جایی ندیم بگه زمان خواسته به شش ماه آخر اشاره کنه. می
قطعی همین بازه س

هیچکس دین یهود را نقد نمیکنند
شن شما به خرده جست و جو کنید تو اختیار دارید! دین یهود و مسیحیت هم نقد می
اینترنت. اما این گیر به اسلام به خاطر این همه فرقه آدم کش مثل داعش و امثال
هایی مثل ایران که قوانین بین المللی رونادیده ذالک هست و همین طور حکومت
گیرن و ترورها. دشمنی ذاتی با اسلام نیست. طبیعی. همین طور که ایران با می
!وهابیت در افتاده

اختیار با شما است که پاسخ ها را بپذیرید یا اینکه انها را توجیه بدانید
فکر کنم معیارهای منطقی و علمی برای تشخیص باشه

در هر حال حرف شما هم جای تأمل داره

اسلام از همه بهتر است

تا بهتر را چی معنی کنیم. راحتی، حقوق بشر، دوری از کشتار، دعوت به محبت، حجم
کنه پدر مادرش بهترین پدر مادرای دنیای فکر می تر احکام. هر بچه بیش

[پست 62]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 07:04 1395/08/20

لینک قسمت سوم و چهارم ایراد دارد
لینک قسمت سوم و چهارم اصلاح شد
مطالعه بفرمایید

[پست 63]

نویسنده : عبدالرحیم
تاریخ : 07:09 1395/08/20

در دسترس عموم است و دست به دست می چرخد pdf در ضمن نقد قرآن دکتر سها به صورت چرا این کتاب نقد نقد قرآن ندارد که دسترسی آسان باشد pdf نسخه ی این کتاب و نظایر آن هر روز بارها دانلود و استفاده می شود برای کسب علم باید زحمت بکشید همانطور که یک کتاب را خوانده اید در صورت کشف حقیقت باید زحمت مطالعه نقد آن هم به خود بدهید کتابش در بازار موجود است نسخه متنی هم در لینک مورد نظر هست

چرا امثال شما که با مالیات مردم تحصیل نموده اید دسترسی به فعالیت هایشان را آسان نمی سازید طلاب و روحانیون هیچ گاه با مالیات مردم تحصیل نکرده اند بلکه با وجوهات شرعی که متعلق به امام زمان هست از طریق مراجع تقلید زندگی می کنند هیچ مالیات و وجوه دولتی برای طلاب در نظر گرفته نشده و پرداخت نمی شود

[پست 64]

نویسنده : عبدالرحیم
تاریخ : 07:14 1395/08/20

اگر اجازه بفرمایید، خوشحال میشم اگر متن کتاب رو با یک سیستم حروفچینی حرفه جالب در نیامد). البته Word به صورت پی دی اف در بیارم (تحت Latex ای (تحت خودسرانه هم می تونم اینکار رو انجام بدم اما با اجازه دست اندرکاران سایت باشه بهتره.

اگر مدیران و کارشناسان گرامی موافق بودند، ممنون میشم یه پیام خصوصی بفرستند. تا در خدمتتون باشم به نظر میاد باید از انتشارات یا نویسنده اجازه گرفت خبرتان می کنم

[پست 65]

نویسنده : عبدالرحیم
تاریخ : 07:32 1395/08/20

سلام
لطفا سوالات و شبهات جدید خود را در تاپیک جداگانه مطرح بفرمایید
..
کتاب مورد نظر تمام اشکالات و شبهات درباره قرآن را جمع آوری کرده و لذا ممکن نیست در این تاپیک به همه آنها پرداخته شود
بخش هایی از کتاب بررسی مبانی کتاب نقد قرآن در این تاپیک قرار داده می شود
مطالعه بفرمایید
تمام کتاب هم در پست سوم توسط استاد فرستاده شده است

[پست 66]

نویسنده : بن موسی

تاریخ : 07:34 1395/08/20

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم عجل لوليک الفرج

با عرض سلام

کنم که به نظرم باید به آن ها توجه قبل از شروع بحث حقیر چند نکته را مطرح می شود.

ها فکر می کردم بحث درباره عقاید، اصولاً مثل همان بحث های بنده تا مدت توانیم سریع کلیت مسئله را زیر ست. یعنی تا یک مثال نقض پیدا شد، ما می ریاضی سؤال ببریم. برای مثال در همین موضوع فعلی، تا یک چیزی که به نظر با علوم روز بینید که با توان زیر سؤال برد. در عین حال شما می خواند پیدا شد، آن را می نمی شود وجود نقض این مسئله دینی، مسئله دیگری مثل وجود خدا را به این راحتی نمی زیر سؤال برد. یعنی در واقع شاید به نظر برسد که مطلبی در قرآن غلط است، اما از طرف دیگر ادله وجود خدا و مثلاً تحریف ناپذیری قرآن به قوت خود باقی هستند. گوید شبهات غلط هستند چون ثابت در اینجا دو رویکرد خواهیم داشت. یک رویکرد می گوید چون این شبهات درست هستند پس قرآن کریم قرآن آسمانی است. یک رویکرد می گوید آسمانی نیست!

شود که ما دو برداشت این چنین متفاوت از این قضیه داشته باشیم؟ چه چیزی سبب می گویند آیه درست هایی که می کنند. آن گویند آیه غلط است، استدلال می هایی که می آن است، علاوه بر این که اعتقاد به آسمانی بودن این کتاب دارند، استدلال های آن ها کنندرا نقد می

انسان در این بین کدام یک را انتخاب خواهد کرد؟ آن چیزی که درست است؟ این که توان به شود که به راحتی می ست. بلکه گاهی اوقات شبهاتی مطرح می یک حرف کلی نادرست بودن آن ها پی برد. اما اگر شبهه ای مطرح شد که ما هنوز نادرستی آن را اثبات نکرده ایم، چه باید کنیم؟

بینیم با یک مسئله عقلی صرف مواجه نیستیم، بلکه نفس هم در اینجا اینجاست که می تواند به قسمتی از قرآن توجه کند که به نظر غیرعلمی نقش دارد. یک فرد می رسد. ممکن است سریع غیرعلمی بودن این مطلب را حمل کند بر غلط بودن قرآن و می دهند را مطالعه کند. آیا این کار عقلانی است؟ مسلماً نرود پاسخی که مسلمانان می خیر! هر انسانی که قصد دارد بحث فکری کند، باید علاوه بر اندیشه، ضد آن اندیشه را هم تا حدودی مطالعه کند و با انتقادات آشنا باشد. پس اینجا نفس است که کند! اصالت با آید و خواسته نفس را توجیه می گیرد. عقل به کمک نفس می تصمیم می نفس است نه با عقل! این نفس در واقع همان نفس اماره است. شما فرض کنید با کسی مواجه باشید که سارق است و دین او را محدود کرده. مسلم است که اصل برای او سرقت است نه دین! یعنی سعی می کند یا سرقتش را توجیه دینی کند، یا این که جوری علیه دین موضع بگیرد تا در نتیجه دیگر محدود نشود بابت دزدی.

از طرف دیگر ممکن است یک فرد متدین شبهه ای را بشنود و بگوید این شبهه غلط است و دیگر سراغ پاسخ نرود. این که آیا رفتار یک دانم قرآن آسمانی است چون من می متدین و یک فرد غیردینی، مشابه هم است و فرد متدین هم به نفس خود توجه داشته، شود راجع به آن بحث کرد. ولی به طور کلی اگر دقت کنید در چیزی است که می رسد که نفس بر عقل حکومت بسیاری از افرادی هم که به ظاهر متدین هستند، روزی می کند. در واقع خیلی از گناهان همین حالت را دارند و این مسئله مورد توجه دین می . هم بوده

خواهم این نتیجه را بگیرم که در بحث های فکری، علاوه بر بنده از این صحبت ها می این که باید روش استدلالی و عقلانی حفظ شود، باید به بحث نقش نفس هم توجه کرد. در واقع فرد ممکن است چیزی را درست بداند ولی آن را نپذیرد. اینجاست که بینیم علاوه بر عقل، قلب هم مهم است. منظور بنده از قلب به طور کلی روحیات می

رسد همچنان گویند اعتقاداتتان فرو ریخت ولی به نظر می‌فرد است. این که شما می‌دنبال پاسخ هستید به نحوی نشان دهنده این است که شما همچنان قلب دینی دارید.

شود، در خیلی از موارد شبهه پایه و در خصوص شبهاتی که راجع به قرآن مطرح می‌رسد شبهه پایه و اساس منطقی دارد اساس منطقی ندارد. در بعضی موارد به نظر می‌کند. در بعضی دیگر از اما در عین حال شبهه به نوعی مطلبی را بر آیه تحمیل می‌شود با طرح یک روایت شود و سعی می‌مورد شبهه با بحث‌های تاریخی مطرح می‌تاریخی (که صحت آن معلوم نیست) آیه تفسیر شود و در واقع این روایت به آیه تحمیل شود.

بنده توصیه می‌کنم که شما مورد به مورد شبهاتتان را در اینجا مطرح کنید تا کارشناسان و سایر دوستان پاسخ بدهند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
و من الله التوفیق

[پست 67]

نویسنده : عبدالرحیم
تاریخ : 1395/08/20 07:42

بنده توصیه می‌کنم که شما مورد به مورد شبهاتتان را در اینجا مطرح کنید تا کارشناسان و سایر دوستان پاسخ بدهند.
سلام علیکم
درخواست عاجزانه دارم اینجا نه
در تاپیک جداگانه مطرح بفرمایید

[پست 68]

نویسنده : عبدالرحیم
تاریخ : 1395/08/20 07:50
«عنوان : بررسی مبانی «نقد قرآن، دکتر سها

کالات وارد شده به اعجاز علمی قرآن

دوم: چه اشکالات به اعجاز علمی قرآن وارد شده و پاسخ آنها چیست؟

:های مفهوم اعجاز علمی‌چالش

در مورد اعجاز علمی قرآن شبهات و اشکالات متعددی مطرح شده است که این جنبه از
ترین این موارد را جا مهم‌رو کرده است، در این‌هایی روجه اعجاز، قرآن را با چالش
کنیم بیان و بررسی می

بعضی مخالفین اعجاز علمی، می‌گویند که تفسیر علمی، اعجاز قرآن را اثبات نمی
کند زیرا

1. اینکه بعضی مطالب علمی قرآن، با اکتشافات جدید مطابق است، ثابت می‌کند
که قرآن را یک نفر انسان عادی بیان نکرده، بلکه از طرف خدای دانای به
حقایق نازل شده است ولی این مطلب نمی‌رساند که قرآن معجزه است چون تورات
و انجیل اصلی هم، از طرف خدا نازل شده ولی معجزه نبود؛ بلکه اعجاز قرآن
که تحدی قرآن برای آن است در مورد اعجاز بیانی و ادبی قرآن است که کسی
مثل آن را نمی‌توانست و نمی‌تواند بیاورد.

2. آیات و مطالب علمی قرآن در همه سوره‌ها نیست، در حالی که تحدی قرآن این
است که اَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَلِمَ تَدْعُونَ بِسُورَةٍ مِثْلِهِ
وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَبَدَّ بَعْدَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ اِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ [1]، و اِنْ كُنْتُمْ فِرِّي رِبِّيْ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى
[عَبْدِنَا فَاْتَوْا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ . 2]

- يك سوره مانند قرآن را بياوريد» پس اعجاز قرآن با هر سوره ای اثبات می شود، « در حالی که طبق نظریه اعجاز علمی، فقط سوره هایی که آیات علمی دارد، اعجاز را ثابت می کند.
3. شود که قرآن تابع علم شود، یعنی باید منتظر بود اعجاز علمی قرآن موجب می شود تا علوم بشری پیشرفت کند و اعجاز قرآن اثبات شود.
 4. های علمی گذاری کنیم هرگاه نظریه اگر قرآن را بر اساس علوم بشری متغیر پایه شود تغییر کند، اعجاز علمی باطل می
 5. مطالب علمی کشف شده قبل از کشف خارق عادت و معجزه نیست و بعد از کشف هم يك مطلب علمی عادی است و خارق عادت نیست به عبارت دیگر مطلب علمی قبل از کشف روشن نبود تا قابل صدق و کذب باشد و بعد توان بدان رسید و قابل تکرار از کشف هم خرق عادت نیست بلکه از طرق عادی می است.
 6. آورند. در حالی که معجزه کاری خارق عادت است که برای اثبات منصب الهی می در صدر اسلام ادعای اعجاز علمی نبود تا اثبات نبوت کند و در قرآن هم به آن تحدی نشده است.
 7. زنند و مطابق واقع آیا دانشمندانی که مطالب علمی را قبل از کشف حدس می شود اعجاز علمی دارند؟ حادث می
 8. در علوم طبیعی اخبار غیبی از طبیعت معنا دارد و بعد هم توسط دانشمندان گونه نیست شود اما در علوم انسانی این مطابقت خبر غیبی قرآن با واقع کشف می های علمی رقیب در برخی علوم وجود دارد (مثل اقتصاد سوسیالیستی و چون نظریه شناسی و های هم عرض در علوم تربیتی و جامعه کاپیتالیستی و نیز نظریه شناسی) پس واقعیت در این موارد در اختیار ما نیست تا ماطبق مطالب روان علمی قرآن با آن روشن شود.
 9. تفاوت معجزه علمی با خبر غیبی چیست؟
 10. شود چون که دانشمندانی که مطالب در اعجاز علمی ناتوانی مخاطبان احراز نمی شوند کنند رقیب قرآن می علمی را کشف می

بررسی

ها در مورد اشکالات و شبهاتی که به اعجاز علمی قرآن وارد شده بود برخی پاسخ می توان داد از جمله داده شده یا می

1. معجزه علمی خارق عادت است که از کسی که ادعای نبوت دارد برای اثبات صدق ادعای او و با اذن خدا صادر می شود و دیگران از آوردن مثل آن ناتوان هستند.

کسانی که می گویند مطالب علمی قرآن، بر اعجاز آن دلالت دارد، منظورشان این است که آورده شدن مطالب علمی در چهارده قرن قبل که دانشمندان، بعد از قرنها آنها را از طریق علوم تجربی کشف کردند، نشان می دهد که قرآن کلام صادر شده از يك انسان معمولی نیست، بلکه از طرف خدا آمده است (تا اینجا با اشکال کننده توافق داشتیم) پس انسان عادی نمی تواند مانند این مطالب علمی را بیاورد، نه در عصر پیامبر (ص) می توانستند و نه الان کسی می تواند، مطالب علمی قرنها بعد را بیان کند. پس قرآن معجزه بوده و الان هم نسبت به مطالب علمی که يك قرن بعد، کشف می شود معجزه است (در عین حال که اعجاز ادبی آن هم پا بر جاست). اینکه ما از قرآن در هر زمان، يك مطلب جدید به دست می آوریم، خود اعجاز این کلام را می رساند و برای اثبات اعجاز قرآن (یا از طرف خدا بودنش) احتیاج به دلیلی غیر خودش نداریم. تورات و انجیل از طرف خدا بود ولی اثبات صدق موسی (ع) و عیسی (ع) به وسیله تورات و انجیل نبود (پس نفس تورات و انجیل معجزه نبود به خلاف قرآن) بلکه اثبات تورات و انجیل (که کلام خدا باشد) احتیاج به معجزه و دلیل صدق (مثل عصای موسی) داشت همانطور که این معجزه اصل نبوت آنان را نیز اثبات می کرد.

به عبارت دیگر در مورد قرآن، معجزه و کتاب پیامبر (ص) (که کلام خداست) یکی شده است اما در مورد تورات و انجیل این دو از هم جدا می شود؛ یعنی مطالب علمی قرآن دو چیز را اثبات می کند

1. اول معجزه بودن قرآن و دوم اینکه از طرف خدا نازل شده است.

2. اعجاز علمی قرآن، در بعضی سوره ها برای ما آشکار شده و در بعضی سوره ها آشکار نشده است و روشن نشدن آنها دلیل بر عدم اعجاز علمی آن سوره ها نیست. از طرف دیگر کسی که ادعا می کند قرآن اعجاز علمی دارد نمی گوید تک

تك آیات و سوره ها اعجاز علمی دارد تا اشکال به او وارد شود که تحدی قرآن در مورد تك تك سوره هاست. اعجاز قرآن جهات مختلف (ادبی، علمی، عدم وجود اختلاف، قوانین عالی و...) دارد و لازم نیست هر سوره از همه جهات معجزه باشد بلکه از يك جهت هم که معجزه باشد تحدی قرآن صحیح است.

3. اشکال سوم به همه جهات اعجاز قرآن وارد است چون اعجاز ادبی قرآن را هم ها خصوصاً غیر عرب هایی که اهل علم نیستند نمی توانند تشخیص همه انسان دهند ولی این دلیل بی اعتباری اعجاز ادبی یا اعجاز علمی قرآن نمی شود. از طرف دیگر، تحدی هر کس، در حد معلومات اوست اگرچه اطلاع او از اعجاز ای باشد یعنی قرآن و ناتوانی خویش برای هموردی با قرآن، از طریق واسطه که تحدی قرآن برای هر گروه مخاطب نسبت به از متخصص پرسش کند. علاوه بر آن علم و تخصص آنان است.

4. در مورد تبعیت توجه به چند نکته لازم است:
اولاً در اعجاز علمی قرآن، علم تابع قرآن است چرا که قرآن پیشگام است و مطلبی ها قبل فرموده (و به صورت نظریه علمی قرآن باقی مانده) سپس علم علمی را قرن ها کند آن را کشف می

ثانیاً اعجاز علمی قرآن (و حتی ابعاد دیگر اعجاز مثل اعجاز ادبی، تشریحی و شود معارف بلند قرآن) مستمر است و در هر عصر مصادیق جدیدی از آن کشف می شود و در هر یعنی مفهوم کلی اعجاز علمی (و ادبی و...) با یک مصداق ثابت می شود. پس یابد و نوبه نو می شود، استمرار می عصری که مصداق جدیدی از آن کشف می شود. اعجاز علمی قرآن یک گام از علم جلوتر است.

5. های علمی و به تبع اگر معیارهای اعجاز علمی رعایت نشود اشکال ابطال نظریه 5. شود. اما اگر معیارها رعایت شود اشکال بر آن ابطال اعجاز علمی وارد می شود طرف می.

های اطمینان آور از جمله معیارها آن است که اعجاز علمی قرآن بر اساس یافته ها نظریه های علوم بشری دو دسته است: اکثر آن گذاری شود، چون یافته علمی پایه پذیری) ولی پذیری ابطال های علمی است که قطعی نیست (چه نظریه اثبات و ثنوری خواهد اعجاز علمی قرآن آور است [3] و شخصی که می ها قطعی یا اطمینان برخی از آن های علمی ناپایدار را به صورت قطعی به را ادعا کند باید دقت کند که نظریه شود و تفسیر به رأی قرآن نسبت ندهد و بر آن تحمیل نکند که تفسیر به رأی می حرام است.

آور بود و با نص یا ظاهر قرآن تطابق علمی قطعی یا اطمینان اما اگر یافته توان تطابق آن مطلب علمی کشف داشت، با فرض داشتن شرایط دیگر اعجاز علمی، می شده را با آیه قرآن اعجاز علمی دانست.

آور علوم در مورد همه لازم به یادآوری است که احتمال تغییر در مطالب اطمینان شود و علوم وجود دارد همان طور که در تاریخ منطق، فلسفه، فقه و... ملاحظه می اصولاً رشد علوم به همین تغییر و تکامل است و این تغییرات جزئی علوم مانع شود، نه در تفسیر و علوم قرآن و نه آوردهای علوم نمی استفاده از نتایج و دست در علوم دیگر.

6. اعجاز علمی قرآن زیرمجموعه اخبار غیبی است که در این گونه معجزات آنچه قبل از دیگران و بدون استفاده از، خارق عادت است آن است که مدعی معجزه توانند از آن اطلاع یابند. و همین عجز مخاطبان وسایل عادی همان عصر هم نمی دهند که های بعدی به نوعی خبر می برای اثبات اعجاز کافی است و برای نسل معجزه واقع شده است.

برای مثال در مورد حضرت عیسی (ع) در قرآن نقل شد

وَرَسُولًا إِلَيْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ بَدِّعْ لَكُمْ مِنْ الْأَنْعَامِ حِثَّةً كَمَا أَنَّكُمْ كَفَرْتُمْ بِآيَاتِي
فَأَنْفِخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئِ الْأَكْمَهَ
وَالْأَبْرَصَ وَالْحَبِيئِ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئْكُمْ بِمَا
تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ

عمران/ 49؛ «و (او را به عنوان) فرستاده ای این کندتم مؤمنان من (آل به سوی بنی اسرائیل (= فرزندان یعقوب) قرار داده که او به آنان می گوید) که من از طرف پروردگارتان نشانه ای [معجزه وار]، برایتان آورده ام؛ من از گل برای شما [چیزی] همانند شکل پرنده می سازم و در آن می دمم، پس به رخصت خدا، پرنده ای می گردد؛ و نابینای مادر زاد و (مبتلیان به) پیس را بهبود می بخشم

و مردگان را به رخصت خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ که مسلماً در این [معجزات]، «نشانه ای برای شماست، اگر مؤمن باشید خورند در این آیه حضرت عیسی(ع) از چیزهایی که مردم در خانه ذخیره کرده یا می‌ها ممکن نبود ولی دهد که با وسایل عادی آن عصر اطلاع از داخل خانه خبر غیبی می‌رسد. معجزه علمی نیز همین این معجزه یکبار واقع شد و الان خبر آن به ما می‌فرماید: وَمِنْ كَلِمَاتِهِ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَتَذَكَّرُونَ؛ «و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید». (ذاریات/ 49) وقتی که زوجیت عام موجودات در قرن بیستم میلادی کشف شد، های بعدی اعجاز علمی اثبات گردید اما بعد از اثبات، خبر این معجزه به نسل رسید. و این ماهیت اعجاز غیبی و اخبار غیبی است که اعجاز آن در تقدم زمانی می‌در خبر دادن بدون استفاده از وسایل عادی است که دیگران از آوردن مثل آن در همان عصر عاجز هستند. البته اعجاز قرآن با معجزات پیامبران پیشین از این جهت متفاوت است که اعجاز قرآن جاویدان است و در مورد اعجاز علمی نیز استمرار آن به کشف مصادیق جدید آن در طول اعصار است از این رو اعجاز علمی تمام شدنی نیست.

7. هاست و ابعاد اعجاز آن ها و مکان‌ای جاویدان برای همه زمان‌قرآن معجزه گری بیشتری متعدد است که در هر عصری یک یا چند بعد از اعجاز آن جلوه دارد. پس لازم نیست که همه ابعاد اعجاز قرآن در عصر پیامبر(ص) و حتی در عصر ما مطرح شده باشد.

طلبی قرآن مطلق است و شامل همه طور که گذشت تحدی و مبارزه از طرف دیگر همان گردد. لیکن نسبت به هر مخاطب در مورد علم او تحدی ابعاد اعجاز قرآن می‌توانید کتابی با این فصاحت و بلاغت فرماید اگر می‌کند. به ادیان صدر اسلام می‌می‌توانید کتابی مثل قرآن فرماید اگر می‌بیاورید و به دانشمندان عصر ما می‌بیاورید که مطالب علمی را قبل از کشف، بیان کرده باشد، پس تحدی در کل قرآن شود. لیکن بر اعم از لفظ و محتوا) کافی است و همین شامل اعجاز علمی هم می‌اساس مخاطب و پیشرفت علمی بشر در هر عصر بعد جدیدی از اعجاز قرآن روشن های محتوایی دیگر مثل اعجاز تشریحی و ... بعداً شود. همان طور که اعجازی پیدا شد. پس لازم نیست پیامبر یا قرآن مردم صدر اسلام نامی از اعجاز علمی برده باشند.

8. کنند ولی خبر قطعی از آینده زنند، اولاً پیش بینی می‌دانشمندی که حدس می‌دهند در حالی که قرآن خبر قطعی می‌نمی‌معلوم نیست حدس دانشمندان مطابق واقع باشد در حالی که اخبار غیبی ثانیاً قرآن مطابق واقع است. این مطلب بارها به اثبات رسیده است. علاوه بر آنکه کلام صادق الهی است.

های دانشمندان شرط معجزه را ندارد چون همراه با ادعای نبوت و ثالثاً حدس مانند آن نیست و تحدی ندارد.

9. طور که گذشت اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی به انطباق اخبار همان آور علوم طبیعی است. اما در حوزه علوم های اطمینان‌غیبی قرآن با یافته های اقتصادی، تربیتی سیاسی و ... است انسانی اعجاز علمی قرآن اولاً به نظام های بر نظام اهداف و روش های آن، که قابل استنباط از قرآن است که مبانی دیگر برتری دارد. چون نگاهی جامع به همه ابعاد وجودی انسان داشته و تر است کارآمد.

و ثانیاً به تحوّل تاریخی و علمی قرآن است که در جامعه جاهلیت عرب به وجود آورد. تحوّل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی که زندگی آنان را دگرگون کرد ها های قرآن در حالی که چنین تحول علمی را دیگر کتاب و ارتقاء بخشید، و آموزه توانند ایجاد کنند نمی.

10. معجزه علمی، زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن است که این قرآن همراه با تحدی توسط مدعی منصب الهی آورده شده است.

اما هر گونه خبر غیبی، معجزه نیست چون ممکن است خبر غیبی از باب کرامت باشد و نیز هرگونه خبر غیبی، خبر علمی نیست. بنابراین رابطه بین خبر غیبی و اعجاز علمی عموم خصوص من وجه است.

11. در اعجاز علمی قرآن ناتوانی مخاطبان قرآن در آوردن مثل آن، محقق شده است چرا که از صدر اسلام که اخبار غیبی علمی در قرآن آمده تا هنگامی که

شود دانشمندان علوم از آوردن مثل آن خبر غیبی عاجز مطلب علمی کشف می بودند و بعد از کشف مطالب علمی هم، خبر اعجاز به صورت متواتر به ما رسد.

به عبارت دیگر ناتوانی و عجز مخاطبان اعجاز در ظرف زمانی انجام آن کافی است. همان طور که در مورد اخبار غیبی حضرت عیسی(ع) در مورد غذاهای ذخیره شده و ها تحقق یافت (آل عمران/ 49) و بعد از آن خبر اعجاز خورده شده در خانه عیسی(ع) معتبر است.

پس نقش دانشمندان کشف تطابق کتاب تشریح (قرآن) با کتاب تکوین (طبیعت) است. و کشف علمی دانشمندان معجزه نیست تا رقیب قرآن باشد چون اولاً بدون تحدی و ادعای منصب الهی است و اصولاً خبر غیبی نیست.

تذکر پایانی:

در مورد اعجاز علمی آیات، در طول اعصار مطالب جدید علمی از قرآن برداشت شود، و در هر شود و پرونده اعجاز علمی هر آیه علمی با یک مورد بسته نمی شود. یعنی کسی بتواند خبر غیبی در عصری تحدی به آوردن مثل آن اعجاز علمی می علمی قبل از اثبات بیاورد که دیگران (در آن شرایط ادعا کننده) از مورد مسئله آوردن مثلش عاجز باشند.

بنابراین آوردن اخبار علمی با وسایل عادی در صدر اسلام معجزه بود، نه با وسایل جدید در عصر ما. همان طور که قرآن در مورد اعجاز اخبار غیبی حضرت عیسی(ع) در مورد غذاهای داخل منازل مردم بیان کرده است، (آل عمران/ 49) که توان با ولی امروز می، اندبا وسایل آن زمان مردم قادر به آوردن مثل آن نبوده های خاص از این مسائل با خبر شد. در این مورد در زمان ما خبرها و اشعه دوربین متواتر سخن حضرت عیسی(ع) و واکنش مخاطبان به عنوان معجزه مطرح است.

پی نوشت ها:

[1]. یونس/ 38.

[2]. بقره/ 22.

[3]. ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، ص 186 و 383.

[پست 69]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 07:52 1395/08/20

«عنوان : بررسی مبانی «نقد قرآن، دکتر سها

سوم: مصادیق صحیح اعجاز علمی قرآن

سوم: برخی از مصادیق صحیح اعجاز علمی قرآن کدام است؟

موارد اعجاز علمی در قرآن:

در مورد اعجاز علمی قرآن افراط و تفریط شده است یعنی برخی افراد اعجاز علمی قرآن را به طور کلی منکر شده اند (همان طور که گذشت) و برخی افراد در آیات زیادی ادعای اعجاز علمی کرده اند، که برخی از این موارد قابل قبول است اما نظران رد کرده اند. اینک در اینجا موارد ادعای برخی موارد قابل نقد و صاحب اعجاز علمی در قرآن را بررسی می کنیم:

اول: مواردی که ادعای اعجاز علمی شده و قابل دفاع شمرده شده است:

1. نیروی جاذبه .

در دو آیه قرآن (رعد / 2 و لقمان / 10 - رفع - خلق السموات بغير عمد [ترونها] بیان شده که خدا آسمان ها را بدون ستون دیدنی برافراشته است. [1] برخی دانشمندان و مفسران همچون آیت الدّله مکارم شیرازی (نمونه، ج 17، ص 29 و ج 10، ص 110 - 111 و پیام قرآن، ج 8، ص 146 و آیت الدّله حسین نوری (دانش عصر فضا، ص 55 - 56) آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن دانسته اند، چرا که نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (440 ق) [2] و طبق مشهور توسط نیوتن (1643 - 727 م) در قرن هفدهم میلادی کشف شد [3] سپس اشاره قرآن به ستون های نامرئی بین کرات آسمانی نوعی رازگوئی علمی قرآن است. نظران نیز آیات فوق را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته البته برخی از صاحب اند اما ادعای اعجاز علمی نکرده اند [4] و برخی دانشمندان نیز آیات دیگر

قرآن (مرسلات/ 25 و فاطر / 41) را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته اند ولی [ادعای اعجاز علمی در آن مورد نکرده اند. 5]

با توجه به اینکه واژه «عمد» جمع و به معنای «ستون ها» است، ممکن است نیروی جاذبه یکی از مصادیق آیه باشد یعنی احتمال دارد نیروها (= ستون ها) ی متعددی بین کرات آسمانی وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده باشد.

البته پذیرش اینکه آیات (رعد / 2 و لقمان / 10) بر نیروی جاذبه دلالت کند متوقف بر آن است که واژه «سماوات» به معنای کرات آسمانی باشد. چون این واژه در قرآن دارای معانی متعدد (مثل: جهت بالا، جو زمین، کرات آسمانی، آسمان معنوی و...) [6] است، ولی در اینجا می توان ادعا کرد که کرات آسمانی می تواند از مصادیق آیات فوق باشد.

بنابراین برخی محققان برآنند که می توان گفت که: آیات (رعد / 2 و لقمان / 10) به نیروی جاذبه اشاره دارد و با توجه به عدم آگاهی مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن، از نیروی جاذبه، عظمت بیانات قرآن و رازگویی و اعجاز علمی آن در [این مورد روشن می شود. 7]

حرکت های خورشید . 2.

قرآن در آیات متعددی (یس/ 37-40، انبیاء/ 33، رعد/ 2، فاطر/ 13، زمر/ 5، نظران لقمان/ 29 و ابراهیم/ 33) به حرکت های خورشید اشاره کرده و برخی صاحب این آیات را اعجاز علمی قرآن دانسته اند چرا که به حرکت های مختلف خورشید اشاره دارد که برخلاف تصورات رایج در محافل علمی عصر نزول بوده است. آنان آیات فوق را اشاره به حرکت های زیر می دانند:

الف: حرکت انتقالی مستقیم خورشید درون کهکشان راه شیری، یعنی حرکت طولی خورشید به سمت معین یا ستاره ای دور دست. [8] البته در این تفسیر الشمس تجری لمستقر له ، (یس / 38) «لام» به معنای «الی» (= به سوی) و «مستقر» اسم مکان [می باشد. 9]

نظران متعددی این حرکت خورشید را از قرآن برداشت کرده البته مفسران و صاحب اند [10] اما گودرز نجفی آن را اعجاز علمی قرآن دانسته است. چرا که اخترشناسان جدید همچون کوپر نیک (1544 م) و کپلر (1650 م) و گالیله بر آن بودند که خورشید ثابت ایستاده است [11] و حتی ادعا نامه ای که علیه گالیله در دادگاه قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید کردند. (که بر خلاف گفته کتاب مقدس بود که می گفت: (خورشید) مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی [می کند. 12] و گالیله حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. [13] های بعد کشف شد که خورشید نیز دارای حرکت های واقعی متعدد (حرکت ولی در سال انتقالی - وضعی - درونی) است.

چون که «فلك» به معنای مجرای کرات آسمانی [14] یا مسیر دورانی آنها اطلاق می شود، [15] یعنی کرات آسمانی در مسیری دورانی شناورند. [16] البته این مطلب قرآن (حرکت خورشید بر مدار) بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی [17] است که در عصر نزول در محافل علمی رایج بوده و تا هفده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. بر اساس هیئت قدیم افلاك حرکت می کنند و ستارگان در فلك ثابت هستند ولی از آیه استفاده می شود که خورشید حرکت دورانی دارد و مداری شناور است.

برخی از دانشمندان به مطالب فوق تصریح کرده اند [18] و آیت الدَّاهِ مِکْرَمِ شِیرَازِی در تفسیر نمونه (ج 18، ص 6 - 389) این مطالب را اعجاز علمی قرآن می داند.

ج: حرکت وضعی خورشید، یعنی خورشید به دور خود می چرخد و در قرارگاه خود جریان دارد. وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ، (یس / 38) البته این معنا بنابراین است که «لام» به معنای «فی» (= در) باشد و «مستقر» به معنای اسم مکان باشد.

برخی صاحب نظران همین معنا را از آیات برداشت کرده اند [19] و احمد محمد سلیمان در «القرآن و العلم» (ص 5 - 36) این مطلب را اعجاز علمی قرآن شمرده است. چرا که حرکت وضعی خورشید از مطالبی است که در عصر نزول کشف نشده بود.

د: ادامه حیات خورشید تا زمان معین، یعنی خورشید بر اثر انفجارات هسته ای و [سوخت مواد درونی آن تا چند میلیارد سال دیگر عمرش به پایان می رسد. 20] از این رو برخی مفسران کَلِّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ، (رعد / 2) را اشاره [به همین مطلب علمی دانسته اند. 21]

هـ : حرکات درونی خورشید، یعنی در خورشید دائماً انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نور و گرما تولید کند، و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن [مواد مذاب داخل خورشید می شود که گاهی تا کیلومترها پرتاب می شود]. [22] برخی محققان از تعبیر «تجری» به معنای جریان داشتن و تفاوت آن با «تحرك» از آیه (38 / یس) استفاده کرده اند که خورشید نه تنها حرکت می کند بلکه جریان دارد یعنی همچون آب در حال حرکت زیر و رو می شود و این نکته ای لطیف و علمی است که قرآن بدان اشاره کرده و در عصر جدید کشف شده است و می تواند اعجاز علمی قرآن باشد. البته اگر «تجری» را کنایه از شناور بودن در فضا [ندانیم]. [23]

برخی از محققان با نقد موارد فوق به این نتیجه رسیده اند که اشارات قرآن به حرکت های خورشید نوعی رازگویی علمی است، اما در بخشی که قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود یعنی حرکت انتقالی دورانی خورشید، اعجاز علمی نیست اما در بخش هایی که بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در زمان نزول بیان داشته است (مثل حرکت انتقالی مستقیم، حرکت وضعی و حرکت تا زمان معین و حرکت درونی خورشید) اگر به [قطعیت برسد، اعجاز علمی قرآن است]. [24]

3. زوجیت :

در آیات متعددی از قرآن به زوجیت میوه ها و گیاهان و انسان ها اشاره شده است (رعد / 2 و شعراء / 7 و یس / 36 و همین مضمون در حج / 5 و لقمان / 10 و ق / 7 و طه / 53 و اعراف / 189) و در برخی آیات به زوجیت چیزهایی اشاره می کند که انسان اطلاعی ندارد (یس / 36) و در برخی آیات سخن از زوجیت همه موجودات است وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ (تذکر برون / ذاریات / 49).

واژه «زوج» در عالم حیوانات به نر و ماده گفته می شود و در غیر حیوانات به هر کدام از دو چیزی که قرینه یکدیگر است گفته می شود و به چیزهای مقارن مشابه و متضاد نیز اطلاق می شود. [25] از این رو برخی واژه زوج را در مورد ذرات درون اتم (الکترون و پروتون) و نیروهای مثبت و منفی به کار برده اند. [26]

نظران با شگفتی، آیات فوق را از اشارات علمی قرآن بسیاری از مفسران و صاحب به مسأله زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات دانسته اند [27] و محمدتقی شریعتی این مطلب را اعجاز علمی قرآن دانسته است (تفسیر نوین، ص 11) چرا که انسان ها از قدیم می دانستند که برخی گیاهان مثل نخل زوج هستند و مسأله زوجیت گیاهان توسط کارل لینه (1707 - 1787 م) گیاه شناس معروف سوئدی در سال 1731 م) ابراز شد.

بنابراین مردم عصر نزول قرآن از زوجیت همه گیاهان اطلاع نداشتند. ولی قرآن نه تنها به این مطلب اشاره کرد. (رعد / 3، شعراء / 7 و... بلکه به زوجیت همه موجودات اشاره کرد (ذاریات / 49) که تا قرن اخیر کسی از آن اطلاع نداشت. [28]

بنابراین اشاره علمی قرآن به زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات نوعی رازگویی قرآن است که حکایت از اعجاز علمی این کتاب مقدس دارد.

البته برخی از محققان برآنند که هر چند اشارات علمی قرآن در این موارد می تواند اعجاز علمی بشمار آید اما تطبیق آیه (ذاریات / 49) با مواردی همچون الکترون ها، پروتون ها و کوارک ها قطعی نیست و حداکثر این موارد ممکن است از [مصادیق آیه مذکور بشمار آید]. [29]

4. (لقاح) زیبا کردن گیاهان و ابرها توسط باده ها .

در برخی آیات قرآن به بادهای زیبا و باردار کننده اشاره کرده است كَذَلِكَ نظران آیه نَسَلُكُمْ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ، (حجر / 12) مفسران و صاحب فوق را به دو صورت تفسیر کرده اند:

الف: برخی برآنند که این آیه به لقاح گیاهان اشاره دارد یعنی ابرها فرستاده می شوند تا گرده های گیاهان نر را به گیاهان ماده برسانند و آنان را زیبا کنند، [30] و احمد محمد سلیمان این مطلب را اعجاز قرآن دانسته است چرا که بشریت در اواخر قرن هیجدهم یا اوایل قرن نوزدهم به مسأله تلقیح پی برد، [درحالی که قرآن قرن ها قبل از آن تذکر داده بود]. [31]

نظران و مفسران آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و ب: برخی دیگر از صاحب بارور شدن آنها دانسته اند [32] چرا که در ادامه آیه مسأله نزول باران را

مطرح می کند که نتیجه لقاح ابرهاست و احمد امین این آیه را يك معجزه جاودانی می داند که حدود هزار و سیصد و نود سال پیش موضوعی را بیان کرده که عصاره و نتیجه تحقیقات جدید است چرا که منظور از آیه همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتريسته مثبت و الکتريسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد. [33]

البته مانعی ندارد آیه فوق اشاره به لقاح ابرها و گیاهان مرده باشد [34] چرا که بخش اول آیه يك مطلب کلی را می گوید (زایاگری بادها) که اعم از لقاح ابرها و گیاهان است ولی در ادامه آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکر می دهد طور که لقاح گیاهان نیز یکی از مصادیق که همان نزول باران از ابر است. همان آنها است. [35]

البته اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها اعجاز علمی قرآن است چرا که این مطلب های اخیر برای بشر کشف نشده بود اما اشاره قرآن به لقاح گیاهان اعجاز تا سال علمی قرآن بشمار نمی آید چرا که انسان های صدر اسلام به طور اجمالی از تأثیر [گرده افشانی برخی گیاهان (همچون خرما) اطلاع داشتند. [36]

چینش مراحل آفرینش انسان . 5.

قرآن کریم در آیات متعددی از آفرینش انسان و مراحل آن یاد کرده است (مؤمنون / 12-14، حج / 5، غافر / 67، قیامت / 37-39، علق / 2، طارق / 6، دهر / 2، سجده / 6 - 9 و...) از این آیات می توان استفاده کرد که مراحل زندگی انسان پانزده مرحله است که عبارتند از:

1. [خاک (یعنی تراب و طین، حج / 5، مؤمنون / 12 و غافر / 67) - 37] - 1
2. [مرحله آب (یعنی ماء، ماء دافق، ماه مهین، طارق / 6، سجده / 6 - 9) - 38] - 2
3. (مرحله منی (نطفه من منی، قیامت / 37 - 39) - 39] - 3
4. (مرحله نطفه مخلوط (نطفه امشاج، دهر / 2) - 2] - 4
5. (مرحله علقه (مؤمنون / 12 - 14، حج / 5، غافر / 67) - 67] - 5
6. (مرحله مضغه (مؤمنون / 12 - 14 و حج / 5) - 5] - 6
7. (مرحله تنظیم و تصویر و شکل گیری (سجده / 6 - 9) - 9] - 7
8. (مرحله شکل گیری استخوان ها (مؤمنون / 12 - 14) - 14] - 8
9. (مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان ها (همان - 9) - 9] - 9
10. (مرحله آفرینش جنس جنین (قیامت / 37 - 39) - 39] - 10
11. مرحله آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان و پیدایش گوش و چشم (سجده / 6 - 9) - 14] - 11
12. (مرحله تولد طفل (غافر / 67) - 67] - 12
13. (مرحله بلوغ (مؤمنون / 12 - 14، حج / 5 و غافر / 67) - 67] - 13
14. (مرحله کهنسالی (حج / 5 و غافر / 67) - 67] - 14
15. [مرحله مرگ (همان ها) - 39] - 39] - 15

البته توضیح هر کدام از این مراحل بر اساس آیات قرآن و علوم پزشکی نیاز به شرح و توضیح دارد ولی این آیات اشارات علمی ارزنده ای را در بردارد که برخی پزشکان را به حیرت آورده و آنها را دلیل اعجاز علمی قرآن بلکه اعجاز بلاغی [قرآن دانسته اند. [40]

نظران غربی همچون دکتر موریس بوکای معتقدند که و برخی دیگر صاحب

باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده عصر جدید مقایسه کرد، « موافق بود نشان با اینها واضح است لیکن همچنین بی نهایت مهم است که آنها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع بود مواجه داد تا معلوم گردد انسان های آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آنچه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بوده اند.

فی الواقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می کنیم. در تمام مدت قرون وسطی، اساطیر و نظارت صوری بی پایه، منشأ متنوع ترین آراء و تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود.

آیا می دانید که مرحله ای اساسی در تاریخ جنین شناسی تصدیق «هاروی» [41] در سال 1651 م بود مشعر به اینکه «هر چیزی که می زاید در آغاز از تخمی می آید.» و اینکه جنین به تدریج بخشی پس از بخشی درست می شود؟ [...] این بیش از هزاره ای پیش از آن عصر است، که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسان ها قرآن را می شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی را که انسان [ها قرونی چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.» [42]

برخی از محققان نیز برآنند که هر چند بیان هر کدام از این مراحل آفرینش انسان به تنهایی نمی تواند دلیل مستقلى بر اعجاز علمى قرآن باشد ولی با توجه به گواهی دانشمندان بر اینکه مردم عصر نزول قرآن، آگاهی از این نظم و چینش مراحل آفرینش انسان نداشتند، بیان این مراحل و چینش آن نوعی رازگویی علمی [است که می تواند اعجاز علمى قرآن بشمار آید. 43]

پی نوشت ها:

- البته این تفسیر بنا براین است که جمله «ترونها» را صفت «عمد» بدانیم . [1]
- گونه ولی اگر «بغیر عمد» متعلق به «ترونها» باشد معنا می شود که: خدا (همان که) می بیند خدا آسمانها را بدون ستون آفرید. «بنابراین معنای دوم آسمانها اصلاً ستون ندارد تا دیده شود. ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است چون تقدیم و تأخیر لازم نمی آید و توسط روایت امام رض(ع) (ثم عمد و لکن لا ترونها - برهان، ج 2، ص 278) تقویت می شود
- مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص 41 . [2]
- که مبتکر نیروی جاذبه تاریخ علوم، ص 264، (البته برخی نویسندگان در این . [3]
- نیوتن باشد، در صحت داستان سیب تردید می کنند، نک: دانش عصر فضا، ص 44
- نک: معارف قرآن، استاد مصباح یزدی، ص 247 - 248 و مطالب شگفت انگیز . [4]
- قرآن، گودرز نجفی، ص 41 - 46 و المعجزة القرآنية، دکتر محمد حسن هیتو، ص 180 و التمهید فی علوم القرآن، آیت الله معرفت، ج 6، ص 122 - 128 و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ص 50
- اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یدالله نیازمند شیرازی، ص 88 - 99 و . [5]
- الفرقان فی تفسیر القرآن دکتر صادقی، ج 21، ص 341 و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص 43 و دانش عصر فضا، نوری، ص 55 و تفسیر نمونه، ج 18، ص 187
- نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ماده «سمو» و تفسیر . [6]
- نمونه، ج 1، ص 65 و پژوهشی در اعجاز علمى قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، ص 126.
- نک: پژوهشی در اعجاز علمى قرآن، پیشین، ص 155 . [7]
- نام این ستاره را «وِگَاه» (تفسیر نمونه، ج 18، ص 382) یانس . [8]
- ثابت (تفسیر المیزان، ج 17، ص 89 و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص 25
- ای بران راست «جائی» (اسلام و هیئت، ص 26) و یا مجموعه نجوم هرکپل یا ستار
- لام در آیه (لمستقر لها) ممکن است به معنای الی - فی - تأکید باشد و . [9]
- «مستقر» می تواند مصدر میمی، اسم زمان یا اسم مکان باشد (نک: المیزان، ج 17،
- ص 79 و ص 89 و اسلام و هیئت ص 184 و نمونه، ج 18، ص 382
- المیزان، نمونه، اسلام و هیئت، همان ها و دانش عصر فضا، پیشین، ص 25 - . [10]
- 36 و الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی، ج 9، ص 172 و زنده جاوید و اعجاز قرآن، مهندس محمدعلی سادات، ص 28 - 39 و قرآن و آخرین پدیده های علمی، مهندس جعفر رضایی فر، ص 131 و القرآن الکریم و العلم الحدیث، دکتر منصور محمد حسب
- النبی، ص 264
- مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص 24 و راه تکامل، احمد امین، ج 5، ص 9 . [11]
- و اسلام و هیئت، شهرستانی، ص 179
- کتاب مقدس، مزامیر، زبور داود، زمور 19 / 5 . [12]
- گردها، آرتور کوستلر، ترجمه منوچهر روحانی، ص 590 خواب . [13]
- «مفردات راغب، ماده «فلك» . [14]
- نمونه، ج 18، ص 387 . [15]
- «مفردات راغب، ماده «سبح» . [16]
- بطلمیوس، از دانشمندان قرن دوم میلادی (فرهنگ دانستنیها، محمدنژاد، ج . [17]
- 1، ص 752) البته برخی یادآور شده اند که در تاریخ سه دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس داس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و متولد 140 قبل
- از میلاد است (اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص 5
- مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه . [18]
- دبیر، ص 215 - 216 و دانش عصر فضا، حسین نوری، ص 26 و ص 35 - 36 و معارف
- قرآن، مصباح یزدی، ص 252

- نمونه، ج 18، ص 382 و اسلام و هیئت، ص 186 و دانش عصر فضا، ص 26 و ص 5 . [19] .
 .های علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص 34-36 و پیشگویی
 عمر خورشید را کلاً ده میلیارد سال تخمین می زنند که پنج میلیارد سال . [20]
 آن سپری شده است (نک: فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاتر، ص 21 - 20، ترجمه
 ...). بیضاوی و
 [21] . دانش عصر فضا، پیشین، ص 35 .
 [22] در خورشید هسته های اتم های هیدروژن به هلیوم تبدیل می شود که ذوب
 هسته ای با جوش هسته ای نام دارد. خورشید در هر دو ساعت و چهل دقیقه سطح آن
 با سرعت شش کیلومتر به داخل و خارج می رود و قطر آن ده کیلومتر تغییر می کند
 و این تپش خورشید است و در اثر میدان های مغناطیسی اطراف لکه ها به وجود می
 آید و با سرعت 1600000 کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کند و به سرعت
 . (خاموش می شود. نک: فیزیک نوین، پیشین، ص 20 و مجله اطلاعات علمی، ش 193
 [23] . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ج 1، ص 168 .
 [24] . همان، ص 169 .
 [25] نک: مفردات راغب اصفهانی، ماده «زوج» و تفسیر نمونه، ج 18، ص 377 -
 378 .
 [26] نک: تفسیر نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص 15 ویراسته
 علیرضا میرزا محمد، رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص 35 - 36 و مطالب
 شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص 57 و 60 و القرآن و الطب، دکتر دیاب و دکتر
 قرقوز، ص 27 و 28 و زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص 39 - 43 و نگرشی
 بر علوم طبیعی در قرآن، پیشین، ص 24
 نک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبایی، ص 15 ویراسته علیرضا
 [27] . میرزا محمد، رابطه علم و دین، پیشین، ص 35 - 36 و مطالب شگفت انگیز قرآن،
 پیشین، ص 57 و 60 و القرآن و الطب، دکتر دیاب و دکتر قرقور، ص 27 و 28 و
 زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص 39 - 43 و نگرشی بر علوم طبیعی در
 قرآن، پیشین، ص 24
 وجود ذرات درون اتم با بار منفی و پروتون با بار مثبت، را ماکس پلانک . [28]
 فیزیکدان نامی قرن بیستم کشف کرد. (نک: ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک
 (جدید، ترجمه مرتضی صابر، ص 95
 [29] . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص 283 .
 [30] منهج الصادقین، ملا فتح الدّاه کاشانی، ج 5، ص 158 و رابطه علم و دین،
 پیشین، ص 36 و رهبران راستین، عبدالکریم هاشمی نژاد، ص 256 - 263 و فروغ
 دانش جدید در قرآن و حدیث، م، حقیقی، ج 2، ص 23 و مرزهای اعجاز، سید
 ابوالقاسم خوئی، ترجمه جعفر سبحانی، ص 118 و الفرقان و القرآن، خالد
 عبدالرحمن العک، ص 511
 القرآن و الطب، ص 24 - 26 و تفسیر نمونه، ج 11، ص 61 و قرآن و آخرین . [31]
 پیامبر، ص 179
 مجمع البیان، ج 3، ص 334 و باد و باران در قرآن، مهندس بازرگان، ص 59 . [32]
 و 126 و نمونه، ج 11، ص 61 و التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابو حجر،
 ص 461 - 463
 [33] . راه تکامل، احمد امین، ص 57 .
 [34] مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص 62 و پیشگویی های علمی قرآن، مصطفی
 . زمانی، ص 91 - 93
 [35] نک: زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص 35 و 36 .
 [36] . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص 293 .
 [37] در مورد آفرینش انسان از خاک، دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور
 آفرینش انسان اولی (= آدم) از خاک باشد یا تشکّل انسان از خاک یعنی عناصر
 خاک در بدن انسان وجود دارد. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی
 رضایی اصفهانی، ج 2، ص 434 به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج 20، ص 165 و ج 14، ص
 23)
 [38] در مورد آفرینش انسان از آب، چند احتمال وجود دارد، یکی اینکه حیات
 همه موجودات زنده بستگی به آب دارد و یا اینکه قسمت عمده بدن انسان و بسیاری
 از حیوانات را آب تشکیل می دهد و یا اینکه مقصود آفرینش انسان اولیه (آدم)
 از آب بوده است. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، همو، ص 438 به بعد و نیز

تفسیر نمونه، ج 13، ص 396 و ج 15، ص 126 و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص 329 و (ص 330)

این دسته بندی را از کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص 432 . [39]

آوردیم ولی برخی از مفسران و پژوهشگران آیات و مراحل فوق را به گونه ای دیگر دسته بندی کرده اند و مراحل خلقت انسان را هفت مرحله دانسته اند (نک: نمونه، ج 20، ص 165 و ج 14، ص 23 و الفرقان و القرآن، پیشین، ص 493 و التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج 6، ص 80).

طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، ص 84 . [40]

(پزشک انگلیسی (H(vey م 1657 - 1576 . [41]

مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 276 - 277 با تلخیص . [42]

پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص 564 . [43]

[پست 70]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 07:52 1395/08/20

عنوان : مورد قبول بودن مصادیق اعجاز علمی قبل از نقد دکتر سها

چهارم: آیا مصادیقی از اعجاز علمی که دکتر سها مورد نقد قرار داده همگی مورد پژوهان نقد نکرده بودند؟ قبول بوده و قبل از ایشان قرآن در این مورد به کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن از دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، جلد اول و جلد دوم مراجعه کنید که موارد متعددی از اعجازهای مورد نقد دکتر سها مثل حرکت زمین، کروی بودن زمین و اعجاز ریاضی مورد نقد قرار گرفته و رد شده است.

کتاب فوق در سال 1381 منتشر شده است (ده سال قبل از انتشار کتاب نقد قرآن آقای دکتر سها) و کتاب فوق بارها تجدید چاپ شده و شش جایزه ملی در ایران های مختلف (روسی، اردو و ...) ترجمه شده است دریافت کرده و حتی به زبان

[پست 71]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 07:57 1395/08/20

عنوان : موافقان و مخالفان اعجاز عددی قرآن

پنجم: موافقان و مخالفان اعجاز عددی قرآن چه کسانی بوده و آیا نظم ریاضی کند یا اعجاز علمی؟ قرآن مصادیق صحیحی دارد و آیا دلالت بر شگفتی علمی می برخی از نویسندگان و صاحب نظران در چند دهه اخیر بعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده اند که همان اعجاز عددی قرآن است اینان ادعا می کنند که یک نظم ریاضی بر قرآن حاکم است. هر چند که در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» سیوطی، رد پای این فکر دیده می شود. [1] اما تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود و با پیدایش رایانه هایی (کامپیوترهای) که می تواند حساب های بسیار زیادی را در مدت زمان کمی و با دقت بالایی انجام دهد، پرده از روی نظم ریاضی قرآن برداشته شد و اعجاز این کتاب مقدس بار دیگر بر جهانیان ثابت نظران از این رهگذر نتایج دیگری هم می گیرند که اشاره گردید. این صاحب خواهیم کرد. در رأس این گروه افرادی همچون رشاد خلیفه و عبدالرزاق نوفل و... هستند. در مقابل آنان گروه دیگری از نویسندگان و صاحب نظران قرآنی، قرار دارند که این مطالب را نمی پذیرند و برخی محاسبات آنان را خطا آلود می دانند و حتی برخی نویسندگان با شدت هر چه بیشتر قسمتی از این مطالب را توطئه بهائیت معرفی می کنند و آن را یک جریان انحرافی می دانند و در این مورد به ادعای نبوت رشاد خلیفه و کشته شدن او استشهاد می کنند [2]. ما ابتدا گزارشی از کتاب ها و نویسندگان دو گروه بیان می کنیم و سپس نتیجه گیری خواهیم کرد.

الف: موافقان اعجاز عددی قرآن

در این مورد افراد زیادی کتاب و مقاله نوشته اند که به مهمترین آنها اشاره می کنیم:

1. معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه

دکتر رشاد خلیفه در خانواده ای از صوفیان مصر در شهر «طنطه» متولد شد و در سال 1971 م در شهر مکه رسماً به جرگه نائبان مکتب تصوف در آمد او تحصیلات جدید خود را تا کارشناسی در دانشکده کشاورزی عین الشمس قاهره گذراند و سپس کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آریزونا (1959 - 1961 م) آمریکا گذراند و سپس دکترای خود را در دانشگاه کالیفرنیا (1962 - 1964 م) در رشته بیوشیمی گیاهی گذراند. [3] او به مدت سه سال در مورد قرآن با استفاده از رایانه تحقیق کرده است. و نتیجه این تحقیقات را در سال 1351 ش به روزنامه [های دنیا داده شد. 4]

کتاب او تحت عنوان «معجزة القرآن الکریم» در سال 1983 م در بیروت چاپ شد [5] و [به زبان انگلیسی نیز در آمریکا چاپ شد. 6]

تمام کوشش استاد مزبور برای کشف معانی و اسرار حروف مقطعه قرآن صورت گرفته است و ثابت کرده است که رابطه نزدیکی میان حروف مذکور، با حروف سوره ای که در آغاز آن قرار گرفته اند، وجود دارد. او برای محاسبات این کار از رایانه کمک گرفته است و بیان کرده که در 29 سوره قرآن حروف مقطعه آمده است که مجموع این حروف 28 حرف الفبای عربی را تشکیل می دهد (یعنی: ا، ح، ر، س، ص، ط، ع، ق، ک، ل، م، ن، ه، ی) که گاهی آنان را حروف نورانی نامند. او نسبت این حروف را در 114 سوره قرآن سنجیده است و به نتایجی رسیده است که به برخی آنها

اشاره می کنیم:

نسبت حرف «ق» در سوره «ق» از تمام سوره های قرآن بدون استثنا بیشتر است. مقدار حرف «ص» در سوره «ص» نیز به تناسب مجموع حروف سوره از هر سوره دیگر بیشتر است و نیز حرف «ن» در سوره «ن و القلم» بزرگترین رقم نسبی را در 114 سوره قرآن دارد. ایشان عدد 19 را یک عدد اساسی در قرآن می داند که از «تسعة عشر» [7] اخذ کرده و اعداد برخی آیات و کلمات را بر آنها تطبیق کرده و یک نظام ریاضی را ارائه می دهد. ایشان با محاسبات زیاد و جدول های متعدد به

اثبات این مطالب می پردازد و نتایج زیر را می گیرد:

الف: قرآن کلام خداست. محل حروف مقطعه قرآن در جای مشخص خود طرح پیشرفته توزیع الفبایی در سراسر قرآن را اثبات می کند. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که این گونه طرح پیشرفته توسط انسان، هر قدر هم متعالی باشد قابل وصول باشد. ایشان از رایانه می خواهد که تعداد تبدیل های ممکن را به منظور کتابی مثل قرآن که از لحاظ ریاضی دقیق و حساب شده است محاسبه کند که 626 سپتیلون (000/000/000/000/000/000/000/000/626) می شود که قطعاً از توان و ظرفیت هر مخلوقی خارج است و کسی نه در گذشته، نه حال و نه آینده قادر نخواهد بود اثری همتای قرآن بیاورد و سپس اعجاز قرآن را از این مطلب نتیجه گیری می کند [حتی معجزات موسی و عیسی را از طریق قرآن اثبات می کند. 8]

ب: ترتیب موجود تدوین سوره های قرآن ترتیبی ملهم از ذات الهی است.

ج: ترتیب نزول سوره های قرآن، آن چنان که امروزه می دانیم از جانب خدای تعالی است.

د: محل نزول سوره های قرآن، اعم از مکی یا مدنی، مورد تأیید قرار می گیرد.

ه: شیوه مخصوصی کتابت کلمات در قرآن را خدای تعالی خود دستور فرموده است و لذا توصیه می کند کتابت قرآن (صلوة، به صلاة) تغییر داده نشود.

و: طریق خاص قرآن در تقسیم هر سوره به آیات با امر الهی صورت گرفته است.

ز: آیه «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم» جزء لا یتجزای هر سوره، بجز سوره

[9] (التوبه) است. که آن را با دلایلی از نظم ریاضی ثابت می کند. [9]

اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، تالیف رشاد خلیفه، ترجمه و ضائم از

سید محمد تقی آیت الهی

مترجم محترم کتاب را از نسخه اصل انگلیسی ترجمه کرده و در سال 1365 توسط

انتشارات دانشگاه شیراز منتشر شده است.

ایشان مقدمه ای درباره معرفی نویسنده (رشاد خلیفه) و مقدمه ای به عنوان «سخن

مترجم» اضافه کرده است و ضمایمی نیز آورده که مقادیر حروف را بر اساس حروف

[ابجد حساب کرده و حتی برخی خطاهای متن انگلیسی را یادآور شده است. 10]

3. معجزة القرن العشرين من كشف سباعية وثلاثية اوامر القرآن الكريم، ابن خليفه عليوى

ایشان در کتاب خود که 110 صفحه است، می گوید 90% اوامر قرآن هفتگانه یا سه گانه یا یگانه است و تکرار آنها در موارد خود لازم بوده است. برای مثال: امر «اُعبدوا» (بپرستید) سه بار به همه مردم خطاب کرده است و سه بار نسبت به اهل مکه در قرآن آمده و سه بار نسبت به پیامبر اسلام (ص) آمده است و شعیب پیامبر سه بار به قوم خود گفته است و نوح سه بار و هود سه بار و صالح سه بار و عیسی (ع) سه بار گفته اند که این سر غریب و عجیبی است [ایشان از این اعداد منظم اعجاز قرآن را نتیجه می گیرند]. [11]

4. المنظومات العددية في القرآن العظيم، مهندس مصطفى ابوسيف بدران
این کتاب در 88 صفحه چاپ شده است و روابط ریاضی حروف مقطعه را بررسی کرده است. و بویژه حالات مختلف لفظ «اللّه» را بررسی کرده است.

5. الاعجاز العددى للقرآن الكريم، عبد الرزاق نوفل
این کتاب در سه جزء جداگانه چاپ شده است و سپس تحت عنوان «اعجاز عددی در قرآن کریم» توسط مصطفی حسینی طباطبایی ترجمه شده است. ایشان تلاش کرده تا نظام ریاضی تکرار واژه ها را در قرآن نشان دهد. برای مثال واژه دنیا 115 بار و واژه آخرت نیز 115 بار آمده است. واژه شیاطین و ملائکه هر کدام 68 بار در قرآن آمده است. واژه حیات و مشتقات آن و نیز واژه موت 145 بار در قرآن آمده است. ایشان در مقدمه کتاب این امر را معجزه الهی می داند و می گوید این توازن در کلمات قرآن ثابت می کند که امکان ندارد این قرآن جز وحی الهی باشد. چرا که فوق قدرت انسان و بالاتر از عقل بشری است. [12] (چرا که يك پیامبر در طول 23 سال از قرآن سخن گفته و توانسته است توازن کلمات خود را (در جنگ و صلح و... حفظ کند و این غیر از معجزه چیز دیگری نیست)

6. اعجازات حديثة علمية و رقمية في القرآن، دکتر رفیق ابوالسعود
ایشان در يك فصل کتاب خود معجزه اعداد و ارقام را در قرآن مطرح می کند و مطالبی شبیه مطالب عبدالرزاق نوفل می آورد. [13] برای مثال می نویسد:

الرحمن	57 مرتبه	الرحيم	114 مرتبه
الجزء	117 مرتبه	المغفرة	234 مرتبه
الفجار	3 مرتبه	الابرار	6 مرتبه
العُسر	12 مرتبه	اليسر	36 مرتبه
قل	332 مرتبه	قالوا	332 مرتبه
ابليس	11 مرتبه	استعاذه باللّه	11 مرتبه
المصيبة	75 مرتبه	الشكر	75 مرتبه
الجهر	16 مرتبه	العلانية	16 مرتبه
الشدة	102 مرتبه	الصبر	102 مرتبه
المحبة	83 مرتبه	الطاعة	83 مرتبه

7. کاربرد روش سیستم ها (راسل. ل. ا. ک) به ضمیمه تعبیر قرآن آربری، ترجمه محمد جواد سهلانی

[ایشان در يك فصل کتاب مطالب رشاد خلیفه را ترجمه کرده و آورده است]. [14]

8. اعجاز الرقم 19 في القرآن الكريم، بسام نهاد جرّار

ایشان پس از آنکه نظام ریاضی دکتر رشاد خلیفه را توضیح می دهد و به آن اشکالاتی می گیرد. به صورت جدیدی اعجاز عدد 19 را در قرآن اثبات می کند. برای مثال می گوید: اعدادی که در قرآن آمده است 38 عدد است و این عدد از مضاعف های عدد 19 است. و نیز تعداد اعداد صحیحی که به صورت مکرر در قرآن آمده است 285. بار است که این عدد هم از مضاعف های عدد 19 ($19 * 15 = 285$) است. ایشان فصل سوم کتاب (ص 140 - 152) را به همین امر اختصاص داده است.

9. تفسیر نمونه، آیت اللّه مکارم شیرازی

ایشان در جلد دوم تفسیر نمونه زیر آیه اول سوره آل عمران بحثی را از دکتر رشاد خلیفه به صورت مبسوط گزارش می کنند. ولی قضاوت در مورد صحت و سقم آن را نیازمند بررسی فراوان می داند و لذا قضاوتی نمی کنند.

ایشان پس از ذکر مطالب دکتر رشاد خلیفه این نتایج را می گیرند:

الف: رسم الخط اصلی قرآن را حفظ کنید.

ب: این مطلب دلیل دیگری بر عدم تحریف قرآن است (چرا که اگر کلمه یا حرفی از (قرآن کم می شد ارقام صحیح در نمی آمد).

ج: اشارات پر معنا (در سوره هایی که با حروف مقطعه آغاز می شود پس از ذکر این حرف، اشاره به حقانیت و عظمت قرآن شده است.) و در پایان نتیجه می گیرند که حروف قرآن که طی 23 سال بر پیامبر(ص) نازل شده حساب بسیار دقیق و منظمی دارد که حفظ و نگهداری نسبت های آن بدون استفاده از مغزهای الکترونیکی امکان پذیر نیست. [15]

10. اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، محمود احمدی

ایشان کوشش نموده است تا اشکالاتی را که بر اعجاز عددی و محاسبات عبد الرزاق نوفل و رشاد خلیفه نموده اند جواب دهد. او در ابتدا تمام مطالب رشاد خلیفه و عبد الرزاق نوفل را خلاصه کرده و بیان نموده است. ایشان اشکالات را یکی پس از دیگری بر می شمارد و حتی برخی از آنها را به نقل از نامه های دکتر رشاد خلیفه پاسخ می دهد. ما در ادامه مطلب به برخی پاسخ های ایشان اشاره می کنیم

11. المعجزة، مهندس عدنان رفاعی

ایشان هم مطالبی شبیه سخنان عبدالرزاق نوفل و دکتر رفیق ابوالسعود می آورند

12. الاعجاز العددی فی سورة الفاتحة، طلحة جوهري

ایشان نیز محور بحث خویش را عدد 19 قرار داده است و آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را با آیه «تسعة عشر» [16] [16] مقایسه می کند و در پایان آیاتی را که 19 حرف دارد جمع آوری کرده است و از همه مطالب کتاب اعجاز عددی و ریاضی قرآن را ثابت می کند

13. اعجاز ریاضی زوج و فرد در قرآن کریم، کوروش جم نشان

ایشان با توجه به آیه سوّم سوره والفجر که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است به فکر افتاده است که شاید يك نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد. در نهایت جمع اعداد زوج دقیقاً مساوی با جمع تعداد آیات قرآن یعنی 6236 و جمع اعداد فرد مساوی با 6555 است که حاصل جمع شماره سوره ها می باشد و بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را اثبات می کند. [17]

14. ماوراء احتمال، عبدالله اريك

برخی نویسندگان با استفاده از کتاب فوق مقاله ای تحت عنوان «بسم الله مفقوده» نوشته و مدعی شده اند که نبودن بسم الله در صدر سوره توبه و تکرار آن در سوره نمل بسیار حکیمانه و از معجزات قرآن است. ایشان با استفاده از [سوره ها این مطلب را اثبات می کند. [18]

15. من الاعجاز البلاغی والعددی للقرآن الکریم، دکتر ابو زهرا نجدی

ایشان کار دکتر رشاد خلیفه را ادامه داده است و برای مثال می گوید در قرآن 34 مرتبه واژه سجده آمده که اشاره به 34 سجده نمازهای یومیه است

پی نوشت ها:

ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج 2، ص 112 به نقل از مقاله اعجاز [1].

عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی، کیهان اندیشه، ش 67، ص 63

اعجاز الرقم 19 فی القرآن الکریم، بسام نهاد جرّار، ص 21. [2].

ر.ک: اعجاز قرآن تحلیل آماری حروف مقطعه، رشاد خلیفه، ترجمه سید محمدتقی [3]. آیت الهی، مقدمه/الف

همان، مقدمه/ ج [4].

معجزة القرآن الکریم، دکتر رشاد خلیفه، دار العلم للملایین، بیروت، [5].

الطبعة الاولى، 1983 م

[6]. VISUAL PRESENTATION OF THE MIRACLE.

مدثر/ 30. [7].

ر.ک: معجزة القرآن الکریم و اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ص 269. [8].

همان، ص 271 - 275. [9].

اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، ص 282 - 283. [10].

ر.ک: معجزة القرن العشرين، ص 7 به بعد. [11].

ر.ک: الاعجاز العددی للقرآن الکریم، الجزء الاول، ص 10 - 11 و ص 15 به بعد. [12].

(اعجازات حديثة علمية و رقمية فی القرآن، (ص 68 - 75. [13].

(کاربرد روش سیستم ها، (ص 52 - 80. [14].

تفسیر نمونه، ج 2، ص 303 - 309. [15].

مدثر/ 30. [16].

ر.ك: بینات، بهار 1375، ش 1، ص 99. و نیز کیهان فرهنگی، ش 67، ص 71 - [17].
72.

به نقل از کیهان (DEVOND PROBABILITY - God's Message in Mathematic) [18].
(فرهنگی، پیشین، ص 73).

[پست 72]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 07:59 1395/08/20

عنوان : موافقان و مخالفان اعجاز عددی قرآن

ب: مخالفان اعجاز عددی قرآن

ها اشاره می کنیم و در این مورد به چند کتاب و مقاله برخورد کردیم که بدان

: استدلال های آنها را بیان می کنیم

تسعة عشر ملكاً، بیان ان فریة الاعجاز العددی للقرآن خدعة بهائية، حسین 1.

:ناجی محمد محی الدین

ایشان به شدت به کسانی که عدد 19 را یکی از اسرار قرآن می دانند حمله می کند. و آنها را نوعی دروغ بستن بر خدا دانسته است. [19] سپس متذکر می شود که عدد 19 از شعارهای بهائیان است. که در نظر مسلمانان مرتد و کافر هستند و شواهدی می آورد که سال در نظر آنان 19 ماه است و هر ماهی نیز 19 روز است. و کتاب «البیان» آنان 19 قسمت است و هر قسم آن 19 باب است و عدد نمازهای یومیه آنها 19 رکعت است و... [20] و دربخش دیگرمتذکر می شود که عدد 19 مختص قرآن نیست وجملاتی را بیان می کند که بدون استفاده از رایانه براساس عدد19 شکل گرفته است در حالی که مطالب آن باطل است. مثل: «لا بعث ولا حساب ولا جهنم لا صراط ولا جنة ولا نعیم و...» (19 حرف است و 4 الف دارد. [21]) و سپس بیان می کند که رابطه ای بین بسم اللّٰه الرحمن الرحیم و حروف مقطعه سوره ها و جهنم (نوزده ملك جهنم) وجود ندارد [22] و در بخش دیگری خطاهای عددی قائلین به [اعجاز عددی را توضیح می دهد. [23]

2. المعجزة القرآنية، دکتر محمد حسن هیتو

.ایشان تقریباً همان مطالب حسین ناجی محمد را تأیید و تکرار می کند

3. اعجاز الرقم 19 فی القرآن الکریم، بسام نهاد جرّار

ایشان هر چند خود به نوعی اعجاز عدد 19 را در قرآن پذیرفته است اما با ذکر مطالبی خطاها و اشتباهات دکتر رشاد خلیفه را بیان کرده است او می نویسد: بعد از تحقیق در مورد تکرار حروف در سوره ها متوجه شدم که دکتر رشاد خلیفه به صورت عمدی دروغ گفته است تا اینکه به نتایج مورد نظرش در تکرار حروف در هر سوره برسد، و ثابت کند که همگی بر عدد 19 قابل تقسیم است. [24]

ایشان در جای دیگر به انحراف فکری رشاد خلیفه اشاره کرده و می گوید پس از آنکه کتاب «معجزة القرآن الکریم» از ایشان چاپ شد و اشکالات آن ظاهر شد، رشاد خلیفه (که امام جماعت مسجد توسان بود) با نمازگزاران اختلاف پیدا کرد. و او را طرد کردند و رشاد خلیفه مرکزی را افتتاح کرد و سنت را منکر شد. و در نهایت ادعای نبوت کرد. و سر انجام نیز به وسیله کاردی در همان مرکز کشته شد. [25]

4. اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، عباس یزدانی

ایشان در مقاله ای مفصل در مجله کیهان اندیشه [26] اشکالات متعددی نسبت به برخی از کتاب ها و مقالاتی که اعجاز عددی را پذیرفته اند، مطرح می کند و این جریان را انحرافی دانسته که موجب سرگردانی افراد می شود. ایشان با تذکر این نکته که در قرآن به وصفی برخورد نمی کنیم که به جنبه لفظی قرآن آن هم از گونه در احادیث) دکتر رشاد خلیفه زاویه اعجاز عددی نظر داشته باشد. (و همین می گفت: بسم اللّٰه الرحمن الرحیم دارای 19 حرف و تک تک کلمات این آیه اول قرآن به صورتی که بر عدد 19 قابل تقسیم است در قرآن به کار رفته است. چنان

که در کل قرآن 19 مرتبه «بسم اللّٰه» و 2698 بار «اللّٰه» و 57 بار «رحمن» و 114 بار «رحیم» به کار رفته است و ایشان در جواب می نویسد:

از این آمار فقط رقم 57 صحیح است و سپس تذکر می دهد که برای این که عدد «اللّٰه» درست شود باید واژه «باللّٰه و تاللدّٰه و لدّٰه و فاللدّٰه» را حساب کنیم امّا «اللّٰهم» را حساب نکنیم و یا واژه «اسم» در قرآن 22 بار آمده و [«باسم» فقط 7 بار به کار رفته است] [27]. [28]

سپس به استفاده های ذوقی از آیات قرآن اشاره می کند و می نویسند: «ن» در سوره «ن و القلم» 131 مرتبه آمده است نه 132 مرتبه تا مضرب 19 باشد. «بخاطر همین دکتر رشاد خلیفه مجبور شده «ن» اوّل را به صورت «نون» بنویسد تا یک نون اضافه شود و یک نون هم از بسم اللّٰه الرحمن الرحیم آغاز سوره وام گرفته است تا تعداد 133 عدد نون تمام شود. [29] و در سوره «طه» مجموع این دو حرف 239 آمده است نه 342 تا مضرب 19 باشد. و ایشان تاء گرد را هاء محسوب کرده است. [زینة - زینة] [30]

سپس ایشان در جواب مهندس عدنان رفّاعی که گفته واژه «یوم» را 365 بار در قرآن آمده است. می نویسد: «یوم» را به صورت مفرد در نظر گرفته و در همان حال «یومئذ» و «یومکم» و «یومهم» را حساب نکرده است. در حالی که «بالیوم» و «فالیوم» را حساب کرده است.

و بطور کلی اسلوب منطقی در موارد شمارش اعداد رعایت نشده است در بعضی موارد مفرد را حساب کرده اند و در برخی موارد (مثل جنات) مشتقات آن را هم حساب کرده اند. و سپس در پاسخ صاحب کتاب «آیت کبری» که می گوید: در اوایل اسلام ی نبوده پس باید حروف معجمه (نقطه دار مثل ج) را با حروف گذارنقطه مهمله (بدون نقطه مثل ح) حساب کرد.

ایشان می نویسند: که اصل مطلب صحیح است امّا کتابت و نگارش چندان مهم نیست آنچه مهم است قرائت است. و در عصر نزول مسلماً حاء و خاء و جیم در تلفظ فرق داشته اند. [31] ایشان در پاسخ کورش جم نشان در مورد «اعجاز زوج و فرد» قرآن می نویسد:

اشکال اساسی تر این است که چنین چیزی اثبات اعجاز قرآن نیست، زیرا به راحتی می توان کتابی نوشت و از آغاز بین ابواب و فصول و تعداد جملات آن چنین نظمی [را جاسازی نمود]. [32]

در جای دیگر ایشان به عبدالرزاق نوفل اشکال می کند که لفظ ابلیس 11 مرتبه در قرآن آمده است اما ادعای ایشان در مورد لفظ استعاذه صحیح نیست و لفظ صریح استعاذه 7 مرتبه در قرآن آمده است. و با مشتقات آن 16 مرتبه آمده است.

و سپس اشکال دیگری به عبدالرزاق نوفل می کند که ارتباط مفهومی بین مصیبت و [شکر] (که هر کدام 75 مرتبه بامشتقات آنها در قرآن آمده است) روشن نیست. [33] در بخش دیگری متذکر می شود که بر فرض که تناسب و توازن ها در حدی از کثرت باشند که اتفاقی بودن این آمار و ارقام عادتاً مجال باشد، باز غیر بشری بودن قرآن را نمی توان نتیجه گرفت زیرا عقلاً و عادتاً مجال نیست کسی کتابی تدوین [کند و در عین حال چنین معادلاتی را در آن بگنجاند]. [34]

ایشان در پایان مطالب خود را خلاصه کرده و نتایج می گیرد که عبارتند از الف: اعجاز عددی قرآن که توسط رشاد خلیفه مطرح شد رد پای آن در کتاب «الاتقان» سیوطی مطرح است.

ب: این جریانی انحرافی و نامبارک بود که هیچ خدمتی به نشر فرهنگ قرآن نکرد.

و خود رشاد خلیفه با طرح مطالبی مخرب از جمله تعیین دقیق زمان برپایی قیامت (1709 ق) و ادعای رسالت خود را به کشتن داد.

ج: آمار و ارقام اعلام شده در مورد نظم ریاضی قرآن غالباً درست نیست.

د: در شمارش کلمات و حروف، روش واحدی را رعایت نمی کنند.

ه: بر فرض که توازن و تناسبی در تکرار واژه های قرآن باشد، این به تنهایی معجزه بودن قرآن را ثابت نمی کند. زیرا مشابه این امور در کارهای بشری وجود دارد.

های خاصی که از توازن و تناسب کلمات گرفته می شود با این و: بین نتیجه گیری ها مبتلا به گونه مطالب رابطه منطقی وجود ندارد. و پاره ای از این استنتاج مغالطه «هست و باید» می باشند.

ز: این جریان انحرافی دستاویزی برای معتقدان به تحریف قرآن می شود که در مواردی که نظم ریاضی به حد نصاب نرسد نتیجه بگیرند که پس قرآن تحریف شده است.

ح: استفاده شاعرانه (نه برهانی) از بعضی تناسب ها اشکال ندارد ولی این یک بیان خطابی و شاعرانه است.

ط: در کتاب و سنت هیچ اشاره و کنایه ای به وجود نظم ریاضی در قرآن دیده نمی شود بلکه قرآن کتاب هدایت و عمل است.

ی: راه پی بردن به اعجاز قرآن تسلط به فنون ادبیات عرب و تلاوت فراوان و تأمل [در قرآن است. نه سیر انحرافی فوق]. [35]

:بررسی و جمع بندی

:در مورد اعجاز عددی قرآن اشاره به چند مطلب لازم است

1. از مطالب گذشته روشن شد که تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان نظم ریاضی قرآن را دنبال کرده اند و به نتایج قابل توجهی رسیده اند، هر چند که برخی از محاسبات آنها خطا بوده و یا با اعمال سلیقه و ذوق شخصی همراه بوده است. پس از سخنان طرفین استفاده می شود که نظم ریاضی قرآن به صورت موجهه جزئیة مورد پذیرش موافقان و مخالفان اعجاز عددی واقع شده است اما به صورت موجهه کلیه (یعنی در همه موارد ادعا شده) مورد قبول نیست

2. همانطور که گذشت مبنا بودن عدد 19 در همه آیات و ارقام قرآنی مخدوش است. اما این مطلب بدان معنا نیست که بگوئیم متفکران اسلامی که این سخن را گفته اند بهایی بوده یا منحرف بوده اند. اینگونه برخوردها در مطالب علمی صحیح بنظر نمی رسد. جالب این است که برخی از این افراد در حالی دکتر رشاد خلیفه و امثال او را متهم به انحراف فکری و... می کنند که خود اعجاز [عددی 19 را به صورتی دیگر در کتاب خویش پذیرفته اند]. [36]

3. نظم ریاضی قرآن (در همان موارد محدودی که وجود دارد و مورد پذیرش طرفین است) یک مطلب شگفت انگیز است چرا که یک فرد امی و درس ناخوانده در طی 23 سال کتابی با نظم خاص ریاضی آورده است که در حالات روانی مختلف مثل جنگ و صلح و در مکان ها و زمان های متفاوت آورده شده است. (نه مثل یک دانشمند فارغ از همه چیز که در یک کتابخانه با آرامش، کتابی منظم تدوین می کند) و مطالبی عالی و همراه با فصاحت و بلاغت در آن وجود دارد. این مطلب خود بسی شگفت آور و عجیب است. اما آیا می توان ادعا کرد که این نظم ریاضی اعجاز قرآن را نیز ثابت کند؟

در اینجا دو اشکال عمده وجود دارد: نخست آنکه، این مطلب از لحاظ صغری قابل خدشه است چرا که نظم ریاضی به صورت موجهه کلیه اثبات نشد. و کثرت مطالب اثبات شده به طوری نیست که اعجاز را ثابت کند و دوم از لحاظ کبری قابل خدشه است چرا که قرآن کریم که تحدی و مبارزه طلبی کرده است (که اگر می توانید مثل قرآن را بیاورید) تحدی آن عام نیست و شامل همه جنبه های اعجاز قرآن نمی شود و در قرآن اشاره ای به اعجاز عددی آن نشده است.

پس اعجاز علمی قرآن از طریق اعجاز عددی آن فعلاً اثبات نیست بیان کردیم که ممکن است تحدی قرآن عام باشد اما اشکال اول هنوز سر جای خود باقی است

4. با توجه به مطالب فوق و عدم اثبات قطعی اعجاز عددی قرآن نتایجی که دکتر رشاد خلیفه از این مطلب می گرفت مخدوش می شود و محل نزول سوره ها و ترتیب سوره ها و شیوه کتابت و طریقه خاص تقسیم آیات اثبات نمی شود مگر آنکه به صورتی قطعی و جامع اعجاز عددی قرآن اثبات گردد.

5. برخی از طرفداران اعجاز عددی قرآن از آن مطلب برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن و برخی به عنوان خطر توهم تحریف قرآن یاد کرده بودند.

در حالی که اعجاز عددی، یک زبان گزارشی دارد، پس فقط می تواند بگوید که گونه نظم ریاضی هست اما چگونه باید باشد را بیان نمی کند. پس نظم ریاضی این قرآن دلیل بر تحریف پذیری یا تحریف ناپذیری قرآن نیست

6. برخی دیگر از اشکالات طرفداران اعجاز عددی قرآن در سخنان مخالفان منعکس شد و برخی اشکالات سخنان مخالفان اعجاز عددی قرآن را در پاورقی ها بیان کردیم و لذا تکرار نمی کنیم.

:پی نوشت

تسعة عشر ملكاً، ص 11 - 12. [19]

همان، ص 33 - 37. [20]

همان، ص 75 - 76 (البته سخن ایشان قابل خدشه است چون جملات کوتاه با [21]. فکر قبلی و در یک زمان خاص و با همین هدف ساخته شده است. امّا قرآن کریم در طی 23 سال به صورت متفرق در جنگ و صلح و... توسط یک انسان امّی آورده شده است. و تناسب و نظام ریاضی آن (اگر مبنای 19 صحیح باشد) امر شگفت انگیزی است که از توان سخنرانان عادی بشر خارج است علاوه بر آن قرآن دارای محتوای بسیار بلند و همراه فصاحت و بلاغت است که این نظام ریاضی نیز همراه آن شده است و (این جملات همان سخنان معمولی بشری است. پس قیاس این جملات با قرآن صحیح نیست [22]. همان، ص 111. [23]. همان، ص 95. [24]. اعجاز الرقم 19 فی القرآن الکریم، ص 26. [25]. همان، ص 21. [26]. مجله کیهان اندیشه، ش 67، ص 62 به بعد. [27]. همان، ص 66. [28]. آقای محمود احمدی در اعجاز عددی قرآن کریم و ردّ شبهات، ص 15 از نامه های دکتر رشاد خلیفه پاسخ همین اشکال (تکرار اسم 22 بار در قرآن) را اینگونه حکایت می کند: واژه «الاسم» در سوره حجرات: بِدَسِ الْأَسْمِ الْفَسُوقِ دلالت مِمَّا لَمْ يَذْكَرْ بِرِ اسْمَاءِ اللَّهِ نَمِي كُنْد و لغت اسم در سوره انعام/ 121 يَذْكَرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آیه 138 لَا يَذْكَرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِهَا منفی است. و در نتیجه هر سه حذف شدند و 19 اسم در قرآن باقی ماند. البته روشن است که پاسخ دکتر رشاد خلیفه د رانی مورد یک توجیه ناکافی است. چرا که ایشان از ابتدا گفته بود هر کدام از واژه های (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) در قرآن با پریب 19 بار تکرار شده است و نگفته بود. که واژه اللّه - اسم - رحمن - رحیم به صورت مقید تکرار شده است البته این اشکال هم مبنائی است چون ممکن است دکتر رشاد خلیفه بگوید [29]. معیار تلفظ حروف قرآن (نه نوشته آن) بوده است [30]. همان. [31]. عجیب است که ایشان در مقابل دکتر رشاد خلیفه معیار را خط عثمان طه می داند و به او اشکال می کند که چرا تلفظ را معیار دانسته است و در اینجا معیار را قرائت می داند. [32]. طور که گذشت اینگونه قیاس ها بین قرآن و کتابی که از اول با هدف همان نظم ریاضی و توسط یک فرد دانشمند نوشته شود صحیح نیست چرا که قرآن از یک انسان امّی در طی 23 سال و در حالات مختلف با این نظم ریاضی آورده شده است البته شاید عبدالرزاق نوفل می توانست به این اشکال پاسخ دهد که لازمه [33]. مصیبت صبر است و اگر انسان همه چیز را از خدا بداند و در توحید کامل باشد همین بلاها و مصیبت ها را امتحان و موجب رشد و کمال می داند و لذا شکر می کند. اشکال این قیاس در پاورقی های قبلی گذشت و علاوه بر آن اعجاز یعنی امر [34]. خارق عادت، و اگر واقعا این نظم ریاضی اثبات شود (بر فرض صحت صغری) آنگاه احتمال اینکه کسی در آینده بتواند چنین کاری بکند مانع اعجاز آن در زمان حال نیست چون این احتمالات بعیدهمیشه وجود داشته و با تحدی قرآن ناسازگار است عباس یزدانی، کیهان اندیشه، ش 67، مقاله اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن، [35]. ص 62 - 84 با تلخیص ر.ک: بسام نهاد جرّار، اعجاز الرقم 19 فی القرآن الکریم، ص 21 و 140. [36]. برخی احتمال می دهند که برخورد تندی که با دکتر رشاد خلیفه شده است بخاطر تمایل او به برخی مذاهب اسلامی و گرایش او به افکار خاص بوده است و شاید علت های مخالفان او داشته باشد. بویژه که او قتل او نیز ریشه در همین تندروی اثبات کرده بود «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در همه سوره ها جزیی از قرآن است و این یکی از مطالب اختلافی جهان اسلام بوده است. هر چند که برخی محاسبات دکتر رشاد خلیفه خطا بوده است امّا آیا مستحق این حمله ها و تهمت ها و قتل بود؟! -----

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 08:00 1395/08/20

عنوان : موافقان و مخالفان اعجاز عددی قرآن

بندی و نکات تکمیلی جمع

– بر اساس تعریف اعجاز علمی قرآن، روشن شد که مصادیق صحیح و اثبات شده 1
اعجاز علمی در قرآن وجود دارد و دلایل علمی آن نیز اثبات شده است.

– در قرآن کریم نکات جدید علمی وجود داشته که از آنها به صورت اعجاز علمی 2
های علمی قرآنی) که هر پردازی اثبات شده و برخی آنها هنوز کشف نشده (نظریه
شودساله به تعداد موارد کشف شده افزوده می

اعجازهای علمی ادعائی دکتر سها و نقدهای او بر آنها، تکراری است و قبلاً 3-
پژوهان این مصادیق ادعایی مردود اعلام شده بود. ولی مصادیق صحیح توسط قرآن
دیگری در اعجاز علمی قرآن وجود داشته که دکتر سها آنها را ذکر نکرده است که
پوشی از مخاطب استاین بر خلاف اخلاق علمی و نوعی حقیقت

– نظم ریاضی قرآن موارد صحیحی دارد که شگفتی علمی قرآن است. مصادیق ادعایی 4
پژوهان مورد نقد قرار گرفته غیرصحیح نیز دارد که قبل از دکتر سها توسط قرآن
است و حتی علی اعجاز عدد 19 کتاب نوشته شده است و اصولاً اعجاز عددی قرآن را
اندنپذیرفته

هـ : همه علوم در قرآن وجود دارد

های دکتر سها در کتاب «نقد قرآن» آن است که بر اساس آیات و فرضیه‌ی از پیش
احادیث باید همه علوم در قرآن وجود داشته باشد و حال که چنین نیست قرآن ناقص
کنند آن است که گیری که ایشان در بخش دیگری از این مطلب می‌است [37] و نتیجه
ماندگی پندارند در قرآن همه چیز هست و همین مطلب موجب عقب‌مسلمانان می
مسلمانان از علوم روز شده است.

نویسد: «اعتقاد به همه چیز داشتن اسلام، آزادی استفاده از دانش و دکتر سها می
کند که شامل گیرد. قرآن ادعا می‌تجربیات بشری و آزادی عمل را از مسلمانان می
همه چیز است:

(وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (نحل/ 89)

ی همه چیز است ترجمه: ما بر تو کتابی نازل کردیم که بیان کننده

8 (– عن النبی: ... وانزل علی القرآن فیه تبیان کل شیء (تفسیر طبری 15/ 8

ترجمه: بر من قرآن نازل شد که در آن بیان همه چیز هست

6 (– عن النبی: من ابتغی العلم من غیره اضله الله (تفسیر عیاشی 1/ 6

کند ترجمه: کسی که برای علم به غیر قرآن رجوع کند خدا او را گمراه می

کند. (ی علوم در اسلام هست یعنی همه)

– قال الصادق (جعفر بن محمد): ان الله انزل فی القرآن تبیان کل شیء، حتی

745 (والله ما ترک شیئاً یحتاج العباد الیه الا بینه للناس (تفسیر قمی،

ترجمه: امام صادق: خداوند در قرآن بیان همه چیز را نازل کرده است. حتی به

خدا سوگند چیزی که مردم به آن احتیاج داشته باشند را ترک نکرده است

بنابراین بر اساس قرآن و سنت، مسلمانان بر این باورند که اسلام همه چیز دارد

و پاسخگوی تمام نیازهای آنان است. علاوه بر قرآن، تقریباً هر آنچه پیامبر

گفته یا انجام داده جزو سنت شده است از رفتار خصوصی جنسی او با زنان تا

شوند. بهر روی مسلمین از نحوه دستشویی رفتن وی و... همگی جزو اسلام محسوب می

آغاز تاکنون بر این تصورند که در امور خصوصی، پاکیزگی و حتی پزشکی، تربیتی،

اجتماعی، سیاسی، قضایی، اقتصادی و اخلاقی نیازی به غیر قرآن ندارند. بر اساس

سازی، تمامی مظاهر تمدن و های مسلمان این اعتقاد بود که مسلمانان در طی جنگ

کردند فرهنگ ملل مغلوب را نابود می

ی بزرگ است و یکی نیازهای بشر در اسلام هست یک فاجعه این باور که جواب همه

افتادگی مسلمانان است چون آزادی جستجو و عمل را از عامل اساسی در عقب

ی حکومت و امور شود مسلمانان از دانش بشری در اداره‌گیرد و موجب می‌مسلمانان می

شان محروم شوند. مسلمانان به جای اینکه برای امور اجتماعی، تربیتی، زندگی

سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی به کتب علمی مراجعه کنند به کتب دینی نوشته

کنند. این یعنی سلب آزادی عقلی و عملی و رکود شده در 1400 سال پیش مراجعه می

کند. [و سکون] 38

هافرضها و پیش‌پرسش:

1. بر اساس آیات و احادیث همه چیز در قرآن وجود دارد
2. مسلمانان این اعتقاد را قبول دارند
3. ماندگی مسلمانان شده است. این اعتقاد موجب عقب
4. در قرآن همه چیز وجود ندارد و این نقص قرآن است

پاسخ اجمالی

در مورد قلمرو قرآن سه دیدگاه حداقلی - حداکثری و میانه وجود دارد که دکتر سها دیدگاه حداکثری (وجود همه جزئیات علوم در قرآن) را پذیرفته و گمان کرده که این دیدگاه آیات و روایات و عموم مسلمانان است. در حالی که بعد از بررسی شود که دیدگاه حداقلی (عدم وجود علوم در قرآن) و دیدگاه حداکثری توسط روشن می برخی افراد نادر در طول تاریخ اسلام مطرح شده و مورد اشکال واقع شده و رد شده است. بنابراین دیدگاه میانه (وجود اشارات کلی علمی در قرآن در راستای هدایت و عدم ذکر جزئیات آنها) مورد قبول است که با هدف قرآن سازگارتر است پس فرض دکتر سها مردود است و ثانیاً نبودن همه جزئیات علوم در قرآن عیب اولاً پیش و نقص قرآن نیست چون قرآن همچون قانون اساسی است که لازم نیست همه جزئیات در آن ذکر شود و هدف قرآن هدایت است و هرچه در راستای هدایت است آورده است آن هم به صورت کلی (حتی در مورد نماز و مانند آن نیز همه جزئیات ذکر نشده است) ماندگی مسلمانان ربطی به این مطلب ندارد چون اگر عموم مسلمانان و ثالثاً عقب میدانند که همه جزئیات علوم در قرآن نیست و قرآن و احادیث تشویق به علوم ماندگی مسلمانان ریشه در استبداد حکام و کند [39] بلکه عقب‌دینی و غیر دینی می دارد. استعمار و... دارد.

پاسخ تفصیلی

در مورد قلمرو قرآن (وجود همه جزئیات علوم بشری در قرآن) و عدم آن سه دیدگاه گویی اکثر تواند پاسخ در طول تاریخ اسلام وجود داشته است که بررسی آنها می سؤالات دکتر سها باشد.

الف: دیدگاه حداکثری:

بر اساس این دیدگاه همه جزئیات علوم در قرآن وجود دارد. همان طور که گذشت سرچشمه این دیدگاه در سخنان غزالی (م 505ق) مشاهده شد [40] و مورد مخالفت نظران در طول تاریخ قرار گرفته است. طرفداران این دیدگاه شاطبی و برخی صاحب ها اند که در ادامه به بررسی و نقد آن به برخی آیات و احادیث استدلال کرده .خواهیم پرداخت تا روشن شود که این مطلب صحیح نیست.

ب: دیدگاه حداقلی:

دیگر جدا هستند. به عبارت دیگر بر اساس این دیدگاه قرآن و علم تقریباً از هم پردازد و مسائل دنیوی را به مردم واگذار کرده است قرآن به مسائل اخروی می توانیم در سخنان شاطبی (م 790ق) همان طور که گذشت سرچشمه این دیدگاه را می یافت که در مخالفت با دیدگاه غزالی بیان کرده است. «قرآن برای بیان احکام [آخرت و مسائل جنبی آن آمده است]». [41]

گویند: قرآن یابیم که می‌البته چهره جدیدی از این دیدگاه را در سخنان کسانی می .های علمی زده است فقط مثال

بررسی: این دیدگاه ذیل مباحث رابطه قرآن و علم بررسی شد و روشن گردید که قرآن کریم در موارد متعددی به مباحث علوم طبیعی و علوم انسانی پرداخته است و های علمی قرآن در موارد متعددی گزارش و اخبار از جهان طبیعت (مثل حرکت گزاره .خورشید، نیروی جاذبه و ...). است

مسائل اجتماعی، طور که قرآن در زمینه تربیت، اقتصاد، سیاست، مدیریت، حقوق همان ای دارد که در عصر حاضر نیز مورد توجه شناختی و ... مطالب ارزنده و جامعه شود و پردازي و اعجاز علمی مطرح می‌دانشمندان این علوم است و گاهی در حد نظریه .کننده می‌مبانی و اهداف علوم انسانی را جهت

توان گفت قرآن با علوم رابطه ندارد یا رابطه آن حداقلی و در حد بنابراین نمی .های علمی است مثال

ج: دیدگاه میانه

بر اساس این دیدگاه قرآن و علوم رابطه سازگارانه دارند و بیش از دو هزار آیه قرآن به مسائل علمی پرداخته است و در موارد متعددی به اهداف و مبانی و های علوم انسانی و اخبار علوم طبیعی اشاره کرده است که در حد شگفتی و روش شود که همگی این مطالب در راستای های علمی مطرح می‌پردازد اعجاز علمی یا نظریه

هدایت انسان، خداشناسی و معادشناسی است اما این گونه نیست که همه جزئیات علوم در قرآن بیان شده باشد چرا که هدف قرآن هدایت انسان است و کتاب شیمی و فیزیک و ... نیست.

مانند که مطلوب بنابراین با رد دیدگاه حداکثری و حداقلی، دیدگاه میانه باقی می نماید است و با آیات قرآن سازگاری می

آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟

الف. دلایل موافقان:

1. ظاهر آیات قرآن، دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن هست، مانند آیه (وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مَّبِينٍ)؛ [42] «و هیچ تر» و هیچ خشکی نیست، جز این که در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است

ای دیگر چنین آمده است: (وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْدِیْنًا) در آیه لِكُلِّ شَیْءٍ؛ [43] «و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده ای برای مسلمانان است

ای دیگر آمده است: (مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَیْءٍ)؛ [44] و در آیه «هیچ چیزی در کتاب فروگذار نکردیم».

ای از اسرار آفرینش است، پس همه علوم در قرآن وجود کتبی جهان تکوین و خلاصه قرآن وجود دارد و از آن الهام گرفته است حتی مسائل فیزیک، شیمی و ریاضی در قرآن هست و اگر ما نتوانیم آنها را پیدا کنیم، علتش این است که عقل ما، از کند و همه مسائل را ناقص است و در آینده بشریت پیشرفت می‌درک و استخراج آن

فرماید: «علوم انسان دو مرحوم فیض کاشانی، در استدلال به آیه دوم، این طور می ید گونه است: اول، علوم مستفاد از حس که به وسیله تجربه و حواس، به دست من آ و این علوم متغیّر، فاسد شدنی، محصور و متناهی است و بیشتر علوم این گونه است.

دوم، علمی که از مبادی، اسباب و غایات به صورت علوم واحد کلی بسیط، بر وجه آید و آن علم به مسبب الاسباب است، این علم ضروری، عقلی و غیر متغیّر به دست می کلی و محیط به امور و احوال است و شک، تغییّر و غلط در آن نیست و این علم مانند دانش خدا، به اشیاء، علم ملائکه، انبیاء و اوصیاست که به احوال موجودات، در گذشته و آینده آگاهی دارند و هر کس خدا را، با اوصاف کمال بشناسد پس علم او، محیط به همه امور و احوال است و هر کس کیفیت این علم را بداند، معنای گردد که همه علوم و معانی، در فهمد و متوجه می‌آید «تبیاناً لکل شیء» را می قرآن هست و هر امری خودش یا مقومات، اسباب، مبادی و غایات آن در قرآن وجود دارد» [45].

کنند که: بعد از جمله «لکل شیء» در آیه شریفه آمده بعضی این طور استشهاد می شود که هدایت قرآن غیر از بیان همه چیز است: «هدی و رحمة»؛ پس معلوم می توان گفت بیان همه چیز، عبارت است از بیانات تربیتی و است. از این رو نمی هدایتی قرآن که برای بشر آورده است.

این امر (وجود همه علوم دنیایی، علوم بشری و معارف دینی در قرآن) در تفسیر «مجمع البیان» [46] به عنوان یک احتمال ذکر شده است.

جلال الدین سیوطی در «الاتقان» نیز، همین مطلب را همین دیدگاه را انتخاب کرده و [به آیات فوق الذکر استشهاد نموده است. [47]

همه آنها در افعال و صفات، گوید: «پس علوم غزالی در «احیاء العلوم» نیز می دهد و این خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال، ذات و صفات خود را توضیح می نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها، اشاره شده علوم بی است» [48].

دلیل دوم، بر اینکه تمام معارف بشری، در قرآن وجود دارد، آیاتی است که 2. کنیم برای مثال به چند مورد اشاره می‌شماره به علوم مختلف می

علوم ریاضی، قال الله تعالی: (وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِذَٰلِكَ حَاسِبِينَ)؛ [49]؛ چون در آیه از حساب و اندازه، سخن گفته است، پس اشاره به علوم ریاضی دارد.

شناسی، قال الله تعالی: (وَإِذَا خَرَبُوا بُيُوتَهُمْ وَعَلُّمَهُمْ وَبَنَاتَهُمْ وَكَلْبَهُمْ وَآبَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ حَتَّىٰ كَانَ خِزْفًا مُّخْتَلِطًا)؛ [50] کند که اعراب آن زمان اطلاعی نداشتند، چون در آیه اشاره به خلق وسایل نقلیه می

پس منظور وسایل نقلیه جدید، ماشین، هواپیما و ... است و شاید اشاره به خلق اندها اطلاعی نداشته‌ها است که در آن زمان مردم از آن‌ها و ویروس‌میکروب علوم شیمی، از آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع) که چهار مرغ را، ذبح کرد و بر شود که اجزای موجودات و ترکیبات آنها، مورد سر چهار کوه گذارد، استفاده می‌نامدها را شیمی می‌توجه قرآن بوده و علم جدید، این تجزیه و ترکیب آید؛ زیرا این علم هندسه، از آیه شریفه (رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ) [51] به دست می‌آید که به درجات توجه داشته و با توجه به اینکه، آیه دلیل بر این است که خداوند شود و «درجات» هم، اشاره به درجه است و محیط «رفیع» به حساب ابجد 360 می‌دایره هم 360 درجه است، پس این آیه، شاید اشاره به علم هندسه داشته باشد. [52]

کند، اما گاهی های شیمی، هندسه و ... را بیان نمی‌نمایند، هر چند قرآن فرمول کند که ده ها فرمول، احتیاج دارمی ای اشاره به یک مورد در آیه های فراوان ورزد و مثال‌غذایی در کتاب «جواهر القرآن»، بر این مطلب اصرار می‌کند زند که علوم مختلف، از قرآن نشأت گرفته است. او بعد از اینکه بیان می‌می علم مخارج، «تمام علوم دینی و علوم وابسته به آنها (مانند لغت، نحو، قرائات حروف، علم تفسیر، علم قصص اولین، علم کلام، علم فقه، علم اصول فقه و ...) از شود شود که سایر علوم نیز، همه از قرآن شروع می‌معتقد می‌قرآن منشأ گرفته است مانند: علم طب، نجوم، علم هیئت، بدن حیوان و تشریح اعضا، علم سحر، طلسمات و ...

گوید: «این علوم (آنچه شمردیم و نشمردیم) اوائل و اصول آنها، از آن گاه می‌قرآن است و برای منشأ علم طب آیه (وَ إِذَا مَرَضْتُمْ فَهُوَ يُشْفِيكُمْ) [53] دهد فرماید، مورد استناد قرار می‌را که خداوند از زبان حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌مگر آن که علم پزشکی را کامل، شناسد و معتقد است که این فعل واحد را کسی نمی‌بداند و ... [54]

های زیادی از ادعای کسانی دکتر ذهبی نیز، در کتاب «التفسیر والمفسرون» مثال که معتقدند، همه علوم در قرآن، یا از قرآن است آورده است. مانند: علم طب، جدل، هیئت، هندسه، جبر، مقابله و ... برای هر مورد نیز، آیاتی ذکر [کند. 55]

دلیل سوم، بر وجود همه علوم در قرآن روایاتی است که در این زمینه وارد از ظاهر آیات است و به علاوه ائمه (ع) در مورد، شده و مؤید عمومیت مستفاد اند که اند و سپس فرموده علوم مختلف (مانند: پزشکی، فضایی و ...) سخن گفته گردد که علوم مختلف، در تمام علوم ما، از قرآن است. بر این اساس معلوم می‌قرآن وجود دارد لکن افراد خاصی از آن مطلع هستند، برای مثال به چند: کنیم روایت اشاره می:

عن الباقر (ع): ان الله تبارک و تعالی لم یدع شیئاً تحتاج الیه الامه الانزله فی کتابه و بیدنه لرسوله؛ [56] «خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان، به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است و آنها را در قرآن، نازل فرموده و ...» «برای پیامبر (ص) بیان کرده است

عن ابی عبدالله (ع): انی لاعلم ما فی السموات وما فی الارض واعلم ما فی الجنة واعلم ما فی النار واعلم ما کان وما یکون قال: ثم مکث هنیئاً فرأی ان ذلک کبر علی من سمعه منه فقال: علمت ذلک من کتاب الله عز وجل ان الله عز وجل ها و زمین است یقول: فیه تبیان کل شیء؛ [57] «به درستی که من هر چه در آسمان دانم، دانم، هر چه واقع شده یا می‌شود می‌دانم، هر چه در بهشت و جهنم است می‌می سپس کمی مکث فرمود و ملاحظه کرد که این مطلب برای شنوندگان دشوار آمده پس فرماید: قرآن بیان کننده دانم که خداوند می‌فرمودند: این مطالب را از قرآن، می‌«همه چیز است

4. علوم در قرآن، مسأله بطون قرآن استبر وجود همه، دلیل دیگر

در بسیاری از روایات اسلامی، به بطون قرآن و اینکه هر آیه یک بطن دارد اشاره فهمد و هر کس یک مطلب می‌شده است. [58] پس این اعجاز قرآن است که از یک آیه یابد و عارف، فقیه، فیلسوف، فیزیکی‌دان و ... هر کدام به بطن آن آگاهی می‌های قرآن دارند و هر کدام از یک آیه، چیزی متوجه از آیه، برداشت جداگانه کنندشوند که دیگران از آن غفلت می‌می

پس هیچ کدام نباید برداشت دیگری را رد کند. زیرا اگر فیلسوف هم یک فیزیکی‌دان کردبود مثل او برداشت می

به این مطلب غزالی در «احیاء العلوم» استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را، تا گوید: «این عدد چهار هفتاد و هفت هزار و دو بیست علم ذکر کرده است و بعد می [شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد].» [59 برابر می

:ب. دلایل مخالفان
ها اول. قرآن کتاب هدایت اخلاقی، تربیتی و دینی است و نازل شده است تا انسان ها و خداشناسی هدایت کند، تا از خرافه پرستی دور شوند و را به سوی فضیلت حقوق (افراد، خانواده و اجتماع) را به صورت کلی بیان کرده، تا مردم با رعایت احکام الهی، زندگی سالم داشته باشند و بر جهان شناسی و معرفت طبیعت، تکیه تا رابطه انسان و جهان با خدا روشن شود و مردم معرفت بهتری نسبت به، کندی خدا پیدا کنند.

بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با در ها، بیان کرده باشد، بلکه اشاراتی به آیات الهی های آن تفصیلات و فرمول برای سیر در ملکوت و تفکر در صنع الهی دارد، تا به هدف تربیت و زمین و آسمان ها، نایل شود و بعید نیست منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل تزکیه انسان [اند]. [60 دینی و هدایتی مردم باشد همان طور که بعضی از مفسرین هم گفته تربیت معنوی انسان است و در این راه، لازم نیست همه، خلاصه کلام اینکه هدف قرآن معارف تجربی و غیر تجربی را برای بشر بیان کند؛ چون انسان عقل و احساس دارد مسائل تجربی و علوم را، به دست آورد. به علاوه این علوم، لازمه، تواند و خود می لاینفک تربیت معنوی انسان نیست.

فرماید: «لازم نیست قرآن در یک مسئله علمی، حتماً یکی از اساتید صاحب نظر می نظریه داده باشد، زیرا قرآن در صدد و در جایگاه حل مسائل علمی نیست. البته ای علمی داشته باشد و به ای به نکته آنچه فرموده باشد حق است و اگر اشاره [راستی لفظ قرآن، بر آن دلالت کند حق است و جای هیچ حرفی نیست].» [61 دوم. ظهور آیاتی که دلالت بر این دارد که همه چیز، در قرآن است قابل اخذ توان عمومیت آنها را پذیرفت که بگوییم همه علوم بشری و همه نیست. یعنی، نمی معارف دینی با هم و به صورت مفصل، در قرآن موجود است و برای رفع این ظهور، سه شاهد داریم:

الف. این ظهور خلاف بداهت است؛ چون بسیاری از مسائل علوم جدید مانند: های شیمی، فیزیک و ریاضی در ظواهر قرآن، موجود نیست و این مطلب را هر فرمول شود (البته مسئله بطون متوجه می، کس که یک بار، قرآن را با دقت مطالعه کند). (کنیم قرآن و علم ائمه (ع) بحث دیگری است که مستقلاً به آن اشاره می اند و جالب اینکه در ب. بعضی از مفسران قرآن، صریحاً این ظهور را، انکار کرده خورند که از سردمداران تفسیر علمی قرآن میان این مفسران کسانی به چشم می هستند.

برای مثال: سید محمد رشید رضا، در ذیل آیه شریفه مَا فَرَرْتُ نَدَا فِی گوید: «اگر مراد از کتاب، علم الهی، یا لوح الکتابِ مِنَ شَيْءٍ» [62] می محفوظ باشد، پس عمومیت آیه به ظاهرش محفوظ است (یعنی تمام چیزها و امور دین قرآن باشد «شیء» ، و دنیا در علم الهی موجود است)؛ اما اگر منظور از کتاب منظور، موضوع دینی است و آن هدایت الهی است. پس همه چیز که مربوط به اقسام گویند قرآن تمام هدایت است، در قرآن بیان شده است و این قول را که بعضی می علوم موجودات را، در بر دارد کسی از صحابه و علمای تابعین و غیر آنها نگفته های کند، مگر کسی که قائل شود هر چه در کتاب است و هیچ کس آن را قبول نمی [گذشتگان است حق است، اگر چه مخالف عقل، نقل و لغت باشد].» [63 طنطاوی در تفسیر خود «لکل شیء» را امور دینی (که گاهی به طور تفصیل اجمال ذکر [داند. [64 شده) می

ابواسحاق ابراهیم بن مسوی الشاطبی (790 ق) در کتاب «الموافقات»، ظهور آیات کند [65] و دکتر ذهبی نیز، در «التفسیر والمفسرون»، با او را شدیداً انکار می نماید همراهی می

ج. در مورد کتاب، در آیات شریفه، چند احتمال ذکر شده است که یکی از آنها این فرماید توان گفت که قرآن کریم می است که منظور قرآن باشد. پس به طور قطع نمی همه چیزها، علوم و معارف دینی و دنیایی، در قرآن موجود است (بلی این یکی از احتمالات در مورد آیه شریفه است، ولی چون این ظهور، مخالف عقل است آن را کنار اند گذاریم) و اما احتمالاتی که مفسرین در مورد کتاب در آیات شریفه داده می عبارت است از:

1. منظور از کتاب، قرآن کریم باشد؛ پس همه امور دین و دنیا در قرآن موجود است یا اینکه منظور از کتاب، قرآن کریم باشد اما فقط امور شرعی و دینی در چنانچه در تفسیر «مجمع البیان» [66]، «کشاف» [67]، قرآن موجود است و «المیزان» [68] آمده است.
2. منظور کتابی است که نزد خداست و همه امور گذشته و آینده را، در بردارد و آن لوح محفوظ است، همان طور که در بعضی از تفاسیر شیعه [69] و اهل سنت، به [اند. 70] آن تصریح کرده
3. منظور از کتاب، در آیه شریفه مَا فَرَرْتُ نَدَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ أَجَلٌ بَاشَد، یعنی هیچ چیزی را ترک نکردیم، مگر آنکه مرگ او را واجب ساختیم [71] و چنین احتمالی را نیز در آیه شریفه وَلَا رَطْبٌ وَلَا آند [72] و «مجمع البیان» غیر آن یَابَسَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مَبِينٍ داده است احتمال را ذکر نکرده.
4. اند (البته منظور از کتاب، علم خدا باشد؛ چنانچه بعضی به آن تصریح کرده شاید منظور از علم خدا، همان لوح محفوظ باشد ولی در بعضی تفاسیر جدا شده [است]. [73])
5. در بعضی از روایات که در تفسیر برهان، آمده است، کتاب راه به امام مبین [اند. 74] معنا فرموده

سوم: در مورد آیات قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی، تجربی و شناخت طبیعت های هندسه و شیمی است؟ یا به طور استطرادی و آیا هدف آن بیان کشف فرمول، دارد است؟ در اینجا بسیاری معتقدند که ذکر ها را مطرح کرده ای، این بحث حاشیه های علمی در قرآن، موضوعیت ندارد؛ یعنی صرف مثال است و هدف، آموزش علوم مثال نیست؛ بلکه مثال را برای هدفی دیگر آورده است.

در این مورد، چون ما یک بحث مستقل خواهیم داشت، در اینجا از ذکر دلایل و کنیم، اما این مطلب، لازم به ذکر است که آیاتی را که برای نظرات صرف نظر می اند دلالت بسیار ضعیفی سازی و هندسه، استشهاد کرده پیدایش علوم شیمی، ماشین دارد و یا اصلاً بر موارد فوق دلالت ندارد، برای مثال آیه رفیع الدرجات، هیچ ربطی به دایره و 360 درجه بودن آن ندارد و حمل آیات قرآن بدون قرینه عقلی یا نقلی بر یک مطلب تفسیر به رأی است. در این مورد درجات دایره، یک قرارداد و ای، به دایره ندارد و استفاده عدد 360 اعتبار ریاضی است و آیه شریفه هم اشاره از اعداد ابجد، هم بلا دلیل است و هیچ دلیل نقلی یا عقلی نداریم که قرآن بر اساس حروف ابجد، صادر شده باشد.

کند و بلی بعضی آیات قرآن، اشاراتی به علوم دارد و یا حتی تشویق به علم می گاهی ممکن است اشاره قرآن به یک مطلب، موجب توجه انسان به رشته علمی شده ها و طرز ساخت باشد اما این مطلب غیر از این است که کسی ادعا کند، تمام فرمول ماشین و هواپیما در قرآن آمده است.

چهارم، در مورد بطون قرآن و اینکه آیا منشأ علم ائمه (ع) به تمام معارف و علوم گذشته و آینده از طریق قرآن است و با علم به مبادی و مقومات اسباب که فیض: توانیم پاسخ دهیم فرموده است؟ به چند صورت می کاشانی، در مورد قرآن مطرح می الف. در ضمن احتمالات در تفسیر آیات شریفه، بیان کردیم که بعضی کتاب را، به اند بنابراین تفسیر، مسئله حل معنای امام یا لوح محفوظ یا علم الهی گرفته شود؛ چون علوم و معارف، نزد امام مبین است، یا همه علوم در علم الهی یا می لوح محفوظ است که پیامبر (ص) و امام (ع) از آن اطلاع دارند، بنابراین مسأله ای به کتاب شود و اگر در روایات هم اشاره وجود جمیع علوم در قرآن، مطرح نمی اله (و اینکه منشأ علوم ائمه (ع) از آنجاست) شده است، اشاره به همان لوح محفوظ، یا علم الهی است (که شاید منظور فیض کاشانی هم، همین مطلب باشد) و ها کلمه «کتاب الهی» (نه کلمه قرآن) آمده قرینه جالب این است که در روایت بود.

ب. احتمال دارد که علوم ائمه (ع) یا باطن قرآن هم، مربوط به همان چیزی باشد که ظواهر قرآن، مربوط به آن است؛ یعنی، در ارتباط با احکام الهی و هدایت الهی باشد، نه اینکه تمام علوم و معارف بشری، مانند: شیمی و فیزیک در باطن قرآن باشد.

این مطلب از بعضی روایات که در ذیل آیات مورد بحث آورده شده، استثمाम زنند و سپس «کل شود» [75] چون در این روایات، مثال به حلال، حرام و حدود می می مایحتاج الیه الناس» (هر چیزی را که مردم به آن احتیاج دارند) را ذکر

کنند، پس ممکن است منظور، احتیاجات دینی و هدایتی مردم باشد، هر چند علم می پیامبر(ص) و امام(ع) به علوم و معارف بشری، از طریق باطن قرآن یا از ناحیه قرآن، یا از ناحیه وحی و یا الهام ممکن است؛ اما بحث در این است که آیا این آیات دلالت بر این مطلب دارد یا ندارد؟

ج: ممکن است در اینجا تفصیل قائل شویم؛ یعنی بگوییم:

1. فهمند، عبارت است از بیان معارف دینی و هر چه که ظواهر قرآن که مردم می مربوط به هدایت انسان است، پس بیان علوم جدید، با تمام جزئیات آن هدف ظاهر قرآن نیست.

2. باشد) همه علوم و معارف دینی و غیر اما قرآن (که شامل ظاهر و باطن می دینی را در بر دارد. اما مخاطب آن پیامبر(ص) و ائمه(ع) هستند و فقط آنها توانند این علوم را استخراج کنند. یعنی قرآن تبیان همه چیز (علوم دینی می و علوم جدید بشری) هست، ولی فقط برای پیامبر و اوصیای اوتبیان است.

کلام جالبی دارند: ایشان در ذیل آیه شریفه «در این مورد، علامه طباطبایی فرماید: وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَجْدِیْنَا لِكُلِّ شَیْءٍ» [76] می «ظاهراً مراد از کل شیء هر چیزی است که به هدایت مربوط باشد، هر چه که مردم، ها احتیاج دارند در مورد مبدأ، معاد، اخلاق فاضله، شرایع الهیه، قصص و موعظه قرآن به آن هدایت کرده است و بیان نموده است و ما از ظاهر الفاظ قرآن و شویم اما در روایات نقل شده است که در قرآن، مقاصد آن، همین مطلب را متوجه می علم گذشته و آینده، تا قیامت موجود است و اگر این روایات صحیح باشد، منظور، از تبیان اعم از دلالت لفظی است، پس شاید اشاراتی از غیر طریق دلالت لفظی دارد [و اسراری را کشف می کند که فهم عرفی، به آنها راهی ندارد]» [77]

بنابراین اگر منظور از بطون قرآن و علم ائمه(ع) این طریق باشد، از محل بحث ما خارج است؛ چون اختلاف در این بود که آیا همین قرآن موجود، صرف نظر از روایات و بیان پیامبر(ص) و ائمه(ع) ظواهر آن جمیع علوم بشری و دینی را در بردارد یا ندارد و اگر شما بگویید: پیامبر و ائمه(ع) از باطن و رموز قرآن، یابند، ربطی به بحث ما ندارد و شاید این وجه جمع بین دو همه علوم را در می قول (موافق و مخالف) در این مسأله باشد؛ به عبارت دیگر اینجا دو بحث است نخست اینکه آیا ظاهر قرآن، با همین کلمات و الفاظ و معانی عرفی آن، بر تمام علوم و معارف دینی و بشری مانندی می و فیزیک دلالت دارد یا ندارد؟ که البته کسی شک ندارد که چنین دلالتی وجود ندارد

دوم اینکه آیا قرآن، با توجه به علم پیامبر(ص) و ائمه(ع) و باطن آن و رموز تواند داشته تواند داشته باشد یا نمی آن دلالت بر جمیع معارف دینی و بشری می شکی نیست که اگر روایات وارده در بحث بطون قرآن و، باشد. که در این مورد هم علوم ائمه(ع) از طریق قرآن، تمام و صحیح باشد و آنها را بپذیریم [78] این مطلب تمام است، ولی از محل بحث ما خارج است

توان گفت: همه علوم بشری، در قرآن وجود دارد پنجم. دلیل دیگر بر اینکه نمی آید که ما این است که بر اساس این قول: اشکالات و محذورات متعددی به وجود می: کنیم به آنها اشاره می

خطر این تفکر است؛ چون قرآن در همه مسائل علمی، الف. تفسیر به رأی و تأویل شود بعضی گوید همه مسائل در قرآن هست، گاهی ناچار می صراحت ندراد و کسی که می آیات را تأویل کند و آیات را، از معانی صحیح و روشن خود منحرف نماید و قرآن را به طور واژگونه تفسیر نماید و قرآن را به طور واژگونه تفسیر سازد. در اند و وعده آتش به آن حالی که پیامبر(ص) و ائمه(ع) از تفسیر به رأی، نهی کرده اند [79] (که نمونه آن را در تفسیر آیه «رفیع الدرجات» دیدیم داده

شود تا قرآن که کتاب مبین و هدایت است، به صورت یک کتاب مجمل و ب. باعث می مبهم و پر از اسرار کشف نشده نشان داده شود؛ زیرا بسیاری از علوم و جزئیات شوند، دامنه اسرار شود. از این رو بعضی افراد ناچار می آنها در قرآن یافت نمی فهمیم و برای ما حجت را توسعه دهند و کم کم بگویند ظواهر قرآن را ما نمی نیست.

ج. تعصب و جمود و تهمت به طرف مقابل، از پیامدهای این تفکر است؛ زیرا بسیاری از این جهت بعضی افراد اظهار نظر از مطالب علمی، در قرآن قابل اثبات نیست کنند و در مقابل انکار مخالفان به تهمت (عدم ایمان به قرآن، ملحد، دلیل می بی [معاند و ...] دست یازند. [80]

د. الفاظ قرآن معانی معینی دارد که در لغت و اصطلاحات شرعی و معانی عرفی آید الفاظی که مذکور است و اگر بگوییم قرآن بر تمام علوم دلالت دارد، لازم می‌های آید (مانند فرمول‌های بعد می‌در عصر نزول نازل شده، معانی جدیدی که در نسل شیمی و فیزیک) را قصد کرده باشد و این مطلب در نظر هیچ انسان عاقلی، صحیح به رسد که اعراب با یک فهم مشخص خطاب به الفاظ معین شوند، ولی معانی نظر نمی‌رسد که اعراب بعد از آن الفاظ مراد باشد. [81]

ه. چون علوم جدید و نظریات علمی، در معرض خطا و تغییر است و هر چند سال که شود که گاهی این نظریات با هم گذرد یک نظریه، باطل و نظر جدیدی ارائه می‌می‌تنافی و تضاد دارند و اگر قرآن بر این نظریات، تطبیق شود و گفته شود که همه آید که الفاظ و آیات قرآن هم، در معرض این آفات علوم در قرآن وجود دارد لازم می‌[قرار گیرد؛ در حالی که قرآن از باطل به دور است. [82]

گیری‌بندی و نتیجه‌جمع رسیم که ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم از تمام مطالب گذشته، به این نتیجه می‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد و اگر با توجه به بطون و علم بشری (با تمام فرمول پیامبر(ص) و ائمه (ع) کسی چنین چیزی اثبات کند، از محل بحث ما خارج است و علم آن، مختص به پیامبر(ص) و ائمه (ع) است.

بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و های علمی قرآن را بررسی خواهیم کرد. ولی عرضی است و در بحث آینده، اهداف مثال همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست، و این آیات (مانند آیه 89 سوره نحل و انعام) دلالت بر این مطلب دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی 38 و 59 سوره مردم، در قرآن به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است.

نکات تکمیلی در پاسخ دکتر سها
- در مورد احادیثی که دکتر سها به آنها استدلال کرده است ذکر این نکات روشنگر 1
مطلب است.

اند (علی فرض صحت سند آن) مضمون آیه اولاً روایت پیامبر 9 که از طبری نقل کرده 89 سوره نحل است که جواب آن گذشت که قرینه نقلی و عقلی (لبی) و بداهت حسّی بینیم که همه جزئیات علوم در ظواهر قرآن نیست‌مخالف آن است چون می‌

ثانیاً در مورد روایت پیامبر 9 که از تفسیر عیاشی نقل شده است (علی فرض صحت سند) الف و لام در کلمه «العلم» اشاره به علم خاص دارد که به قرینه ذیل روایت که ضلالت را مطرح کرده است به علوم مربوط به هدایت اشاره دارد همانطور که گردد قرینه دیگری است که مقصود از علم برگشت ضمیر (غیره) که به قرآن بر می‌علوم دینی مطرح شده در قرآن است که اگر کسی آنها را از غیر قرآن بجوید گمراه شود. پس مقصود روایت جستجوی همه علوم طبیعی و انسانی در قرآن نیست‌می‌ثالثاً: در مورد روایت امام صادق (ع) که از تفسیر قمی نقل شده است (علی فرض صحت سند) منظور وجود همه علوم بشری در قرآن نیست چون که کلمه «العباد» و تبیان کل شیء بودن قرآن دو قرینه برای آن است که مقصود مطالب مطرح شده در راستای هدف قرآن (علوم هدایتی) و مطالب مورد نیاز مردم با توجه به بنده بودن آنها (عباد) است و اصولاً ظاهر روایت که همه چیز و همه علوم در قرآن باشد قابل اخذ نیست چون که مخالف بداهت حسّی است که همه این مطالب در ظواهر قرآن نیست.

- اینکه دکتر سها گفت توجه به قرآن (و وجود همه چیز در قرآن = علی فرض صحت 2
(ماندگی مسلمانان است صحیح نیست‌این دیدگاه موجب عقب

جواب نقضی آن است که در چند قرن اولیه صدر اسلام تمدن عظیم اسلامی بر اساس همین قرآن شکل گرفت و اگر قرآن مانع پیشرفت علمی بود نباید تمدن علمی ماندگی گرفت. پس باید علل عقب‌گرفت بر ایران و روم پیشی می‌مسلمانان شکل می‌مسلمانان در چند قرن اخیر را در علل دیگری مثل استعمار و استبداد و.. جستجو کرد.

و جواب حلدی مطلب (اینکه علل پیشرفت و انحطاط مسلمانان چه بوده است) در مبحث لیاقتی و استبداد سلاطین بعدی به صورت مفصل خواهد آمد (از جمله: حمله مغول، بی... مسلمان و استعمار و

:پی نوشت

- [38]. نقد قرآن، ص 528 - 930 .
- [39]. در این مورد ذیل مباحث قبلی (قرآن و علم) مطالب مبسوطی بیان شد .
- [40]. ر.ک: جواهر القرآن، فصل چهارم، ص 18 و احیاء علوم دین، ج 1، ص 289 .
- [41]. ر.ک: الموافقات، ج 2، ص 488 .
- [42]. انعام / 59 .
- [43]. نحل / 89 .
- [44]. انعام / 38 .
- [45]. تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج 1، ص 57 .
- [46]. ج 4، ص 289 ذیل آیه شریفه هروس 38 انعام، تفسیر مجمع البیان [64].
- [47]. الاتقان، ج 4، ص 38، چاپ رضی در قم .
- [48]. احیاء العلوم، ج 1، ص 289، چاپ دارالمعرفة بیروت .
- [49]. انبیاء / 47 .
- [50]. نحل / 8 .
- [51]. غافر / 15 .
- [52]. عباسعلی سرفرازی، ص - 47، 49 با تلخیص، رابطه علم و دین [25].
- [53]. شعراء / 80 .
- [54]. کتاب جوهر القرآن، فصل چهارم، ص 18 .
- [55]. ص - 475 484، ج 2، التفسیر والمفسرون، دکتر ذهبی [55].
- [56]. ج 3، ص 74، تفسیر نورالثقلین [65].
- [57]. اصول کافی، ج 1، ص 388 حدیث دوم (چاپ تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع) .
- [58]. میزان الحکمه، ج 8، ص 94 - 95 .
- [59]. احیاء العلوم، ج 1، ص 289، چاپ دارالمعرفة .
- [60]. تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 298؛ تفسیر کشف، ج 2، ص 628؛ المیزان، 14، ص 325 .
- [61]. معارف قرآن، تألیف استاد مصباح یزدی، ص 229 .
- [62]. انعام / 38 .
- [63]. ص 395، تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار) ج 7 [36].
- [64]. تفسیر الجواهر طنطاوی، ذیل آیه 89 سوره نحل .
- [65]. التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 489 .
- [66]. تفسیر الکشاف، ذیل آیه 89 سوره نحل .
- [67]. تفسیر الکشاف، ذیل آیه 89 سوره نحل .
- [68]. المیزان، ج 14، ص 325 (چاپ بیروت)؛ نمونه، ج 11، ص 381 (دارالکتاب .
- [69]. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه 38 سوره انعام .
- [70]. تفسیر الکشاف زمخشری، ج 2، ص 21 و 31، سوره انعام (چاپ بیروت)؛ تفسیر (الجواهر، طنطاوی، ج 4، ص 37 (چاپ اسلامیة .
- [71]. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه 38 سوره انعام .
- [72]. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه 59 سوره انعام .
- [73]. تفسیر الکشاف، زمخشری، ج 2، ص 31، ذیل آیه 59 سوره انعام (چاپ بیروت) و (تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج 4، ص 37 (چاپ اسلامیة .
- [74]. ج 1، ص 529، تفسیر البرهان [47].
- [75]. تفسیر البرهان، ج 1، ص 524 .
- [76]. نحل / 89 .
- [77]. ج 14، ص 325 (چاپ بیروت) با تلخیص، المیزان [77].
- [78]. اما در این جا در صدد بررسی اسناد و متون احادیث، بطون و علم ائمه نیستیم و به بحث ما هم ربطی ندارد و این مطلب باید در جای خود، بررسی شود و روایات زیادی در این مورد وارد شده است .
- [79]. تفسیر البرهان، ج 1، ص 19؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 199 .
- [80]. رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، ص 49 به بعد .
- [81]. التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 491، با تلخیص و اضافات .
- [82]. التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 492، با تلخیص و اضافات .

[پست 74]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 08:02 1395/08/20

ماندگی مسلمانان استعنوان : قرآن مانع پیشرفت و علت عقب

مقدمه

ماندگی های دکتر سها در کتاب «نقد قرآن» آن است که علت عقبفرض یکی از پیش مسلمانان در جهان، اسلام و تعالیم قرآن است و برای استدلال بر این مطلب شمارد. و حتی از نظر تاریخی ها و عوامل موجود در آیات و روایات را بر می‌زمینه شود منکر نقش مسلمانان در پیشرفت علم می

بینید مسلمان بودن با که می‌نویسد: «این‌ایشان در فصل نهم کتاب نقد قرآن می افتادگی سر در گریبان هم دارند و به تعبیر علم آمار، مسلمان بودن با عقب افتادگی رابطه همبستگی مثبت دارد و به بیان دیگر قرنهاست که مسلمانان هیچ عقب اند و ی جهانی و در تولید علم و تکنولوژی نداشته‌نقش جدی در پیشرفت و توسعه دهند (ممکن است بعضی کشورهای ترین اقوام جهان را تشکیل می‌افتاده امروز هم عقب دلیل نیست. اعتقادات و ی اینها بی‌آفریقایی بدتر از ما باشند)، همه‌زده‌قحطی ی رشد و توسعه، در متن اسلام است و ما هم مسلمانیم. این احکام احکام بازدارنده ایم. فرهنگ اسلامی، در گوشت و پوست ماست چون با آن لحظه به لحظه رشد کرده» [فرهنگ بازدارنده است و ما در متن این فرهنگیم. 1]

شمارددکتر سها موانع پیشرفت و توسعه در قرآن را این‌گونه بر می

1- علم ارزشمند علم دین است

2- ارزش بودن دنیا- بی

3- تقدیرگرایی (اعتقاد به سرنوشت جبری)

4- خداست- برتری حاکمان و اربابان و مالکان خواست و داده

5- رضایت و قناعت به وضع موجود

6- کند- توکل کفایت می

7- اعتقاد به همه چیز داشتن اسلام

8- [خارج کردن زنان از عرصه اجتماع] 82

های دکتر سها در این بخش فرض‌بررسی پیش

های اساسی دکتر سها در این بخش عبارتند ازها و پرسش‌فرض‌رسد که پیش‌به نظر می

1- قرآن (و اسلام) نقشی در پیشرفت علمی ندارند

ای وجود دارد که های هشتگانه- در تعالیم قرآن و (احادیث اسلامی) عوامل و زمینه 2- مانع پیشرفت است

پاسخ اجمالی

مانده عربستان قبل از اسلام و پیشرفت و تمدن از نظر تاریخی با بررسی وضع عقب

شود که تعالیم قرآن و سنت عامل بزرگ اسلامی در پنج قرن اولیه اسلام روشن می

1- اساسی پیشرفت مسلمانان بوده است

شود که در تعالیم و از نظر محتوای قرآن و حدیث نیز با بررسی اجمالی روشن می

آنها دعوت به علوم مختلف وجود دارد. و قرآن و حدیث مطلق علم و دانش را ترویج

و تشویق کرده است [3]. و همین مطلب عامل عمده در پیشرفت علمی مسلمانان و

1- ایجاد تمدن عظیم اسلامی بوده است

شود با بررسی هشت مورد از تعالیم قرآن کریم روشن می

اولاً مورد 1، 3، 4، 5، 7 و 8 جزیی از تعالیم اسلام نیست بلکه نوعی تهمت بر

قرآن و سنت است که دکتر سها بر اساس منابع ضعیف یا توهم نادرست به قرآن نسبت داده است

ارزش بودن دنیا و توکل) تفسیر ناصحیحی ارائه شده و ثانیاً از مورد 2 و 6 (بی

1- اندماندگی معرفی کرده‌بر اساس آن قضاوت نادرست شده است و آنها را عامل عقب

پی نوشت ها

1- نقد قرآن، دکتر سها، ص 531 - 530 [1]

2- همان، ص 531 - 520 [2]

3- این مطلب در ذیل مبحث (عدم توجه قرآن به علوم تجربی) بحث شد [3]

[پست 75]

نویسنده : عبدالرحیم
تاریخ : 08:03 1395/08/20

اساسی ضروری است

اول: در مورد پیش

فرض اول توجه به دو نکته اساسی ضروری است اول: در مورد پیش

الف: علم در تعالیم قرآن و سنت

ها را به مطلق علم بیت علیهم السلام، انسان تعالیم قرآن و سنت پیامبر(ص) و اهل اند آور (مثل سحر) را سرزنش کرده نماهای زیانکنند [1] و فقط علم و دانش دعوت می که البته همین مطلب زیرساخت فرهنگی و عامل اساسی پیشرفت علمی است

های گوناگون به کار برده قرآن کریم بیش از هفتصد بار ماده «علم» را به شکل است، و دانایان را با نادانان مساوی ندانسته است [2] بلکه دانشمندان را بر ها بر دیگران برتری داده است. [3] یعنی علم را یکی از معیارهای برتری انسان همدیگر قرار داده است و در برخی موارد گواهی «صاحبان علم» را همدیگر گواهی خدا و فرشتگان قرار داده است، [4] که این مطلب به قول امام غزالی «در فضیلت و [نبالت علم کفایت داشت.» [5]

ها و زمین را «آگاهی و علم انسان» حتی در برخی آیات قرآن، هدف آفرینش آسمان معرفی کرده است، [6] یعنی اگر انسان در طول زندگی خویش بر دانش خود بیفزاید، رسد و به خدا نزدیک در راستای هدف خلقت حرکت کرده و به سعادت و تکامل می افزایی نکند از هدف آفرینش جهان و خدا دور شود، و بر عکس هر کس که دانش می شود می

شناسی، روانشناسی و شناسی، زیستشناسی، زمین قرآن کریم در آیات زیادی به کیهان مراحل آفرینش انسان اشاره کرده [7] و توجه انسان را به منابع و مبادی و برخی های این علوم جلب کرده است، و انسان را به تدبیر و تفکر و تعقل در آنها گزاره ساز رشد علوم در پروری است که زمینه فراخوانده است [8] که این مطلب نوعی دانش جهان اسلام گردید. البته توجه قرآن به علوم، اعم از علوم الهی و بشری است قرآن کریم می فرماید: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ [9] «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرنند به نظر می رسد مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که شامل همه [اقسام علم مفید می شود. [10]

و در آیه دیگر می فرماید: يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

[وَالَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ [11]

خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده « شده، به رتبه هایی بالا می برد

در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جداگانه برای برتری افراد

شمرده شده است. از این جداسازی روشن می شود که خود «علم» موجب فضیلت افراد

است، و این علم مقید به الهیات نشده است پس مطلق است و شامل همه دانشمندان

[می شود. [12]

نماها پرهیز از علم:

قرآن کریم یادآور شده که ساحران و کاهنان در برابر پیامبران الهی مخالفت آور معرفی رو آنان را مورد سرزنش قرار داده است و سحر را زیان کردند. از این می آور و خرافی کرده است. آری سحر و کهانت در حقیقت علم نیست، بلکه مطالب زیان کشد است که بشریت را به انحراف می

قَالَ مُوسَىٰ أْتَقُولُونَ لِنَلْحَقَنَّ لِمَا جَاءَكُمْ مِنْ سِحْرِ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (یونس/ 77)؛ «موسی گفت: آیا درباره ی حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می گویند؟! آیا این سحر است، در حالی که ساحران

«!رستگار (و پیروز) نمی شوند؟»

وَإِذَا تَتَلَوْنَهَا عَلَيْنَا يَذَّبُهَا بِيَدِنَا قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا

رَجُلٌ يَرِيدُ أَنْ يَهْدِيَكُمْ عَمَّا كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ يَهْتَدُونَ أَمْ لَكُمْ

وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مَبْدُونٌ كَفَرُوا

لِنَلْحَقَنَّ لِمَا جَاءَهُمْ مِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مَبْدُونٌ (سبأ/ 43)؛

«و هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن است، برآنان خوانده می شود، می گویند: «این نیست جز مردی که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند بازدارد.» و می گویند: «این (قرآن) جز دروغ بزرگ برپافته نیست.» و کسانی که کفر ورزیدند، در باره ی حق، هنگامی که به سراغشان آمد، گفتند: «این، جز سحری کفر آشکار نیست».

وَ اتَّبِعُوا مَا نَزَّلْنَا عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَلَا تَتَّبِعُوا سُلُوكَ الَّذِينَ كَفَرُوا سَلِيمَانٌ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا وَأَعَدُّوا حَرًّا وَمَا يَعْلَمُ اللَّهُ إِلَّا الْآخِرَةُ مِنَ الْخَلْقِ وَلَا يُدْرِكُهُ أَبْصَارُ سَائِرِينَ وَ اتَّبِعُوا مَا يَأْتِيكُم مِّنَ الْحَقِّ مُرِيدِينَ أُولَئِكَ يَكُونُونَ لَكَ وَجِيهًا وَمَا كُنْتُمْ بِمُعْذِرِينَ عَلَيْهِ وَمَا يَعْلَمُ اللَّهُ إِلَّا الْآخِرَةُ مِنَ الْخَلْقِ وَلَا يُدْرِكُهُ أَبْصَارُ سَائِرِينَ وَ اتَّبِعُوا مَا يَأْتِيكُم مِّنَ الْحَقِّ مُرِيدِينَ أُولَئِكَ يَكُونُونَ لَكَ وَجِيهًا وَمَا كُنْتُمْ بِمُعْذِرِينَ عَلَيْهِ وَمَا يَعْلَمُ اللَّهُ إِلَّا الْآخِرَةُ مِنَ الْخَلْقِ وَلَا يُدْرِكُهُ أَبْصَارُ سَائِرِينَ

102؛ «و (یهود) از آنچه افراد شرور (جادوگر) در دوران فرمان روایی سلیمان بر مردم می خواندند (و پیروی می کردند) پیروی کردند؛ و سلیمان کفر نورزید ولیکن افراد شرور کفر ورزیدند [که] به مردم سحر می آموختند؛ و (نیز یهود پیروی کردند) از آنچه بر دو فرشته ی «هاروت و ماروت» در بابل فرو فرستاده شده بود و به هیچ کس [چیزی] نمی آموختند، مگر این که [از پیش به او] می گفتند: «ما فقط [وسیله ی] [آزمایشیم، پس [مواظب باش،] کافر نشو!» و [لی آنها] از آن دو (فرشته)، چیزهایی را می آموختند که با آن، میان مرد و همسر جدایی بیفکنند؛ و [هر چند] آنها با آن [مطالب] به کسی ضرر نمی رسانند مگر با رخصت خدا؛ و [آنها] چیزهایی را می آموختند که به ایشان زیان می رسانید و سودی به ایشان نمی بخشید؛ و به یقین (یهودیان) می دانستند که هر کس خریدار آن [مطالب] باشد، در آخرت بهره ای برایش ندارد و چه بد بود آنچه خودشان را «!در مقابل آن فروختند؛ اگر (بر فرض) می دانستند».

ب: قرآن سرچشمه پیدایش علوم

قرآن کریم در طول تاریخ سرچشمه پیدایش علوم متعدد شده است که برخی دانشمندان اند از جمله بدان اشاره کرده

کند و برخی از این علوم را نام علامه طباطبایی(ره) بر این نقش تأکید می برد. (البته بحث ایشان اعم از علوم انسانی و طبیعی است) از جمله می

الف: علمی که قرآن، مستقیم باعث پیدایش آن ها شده است

در میان مسلمانان برخی علوم وجود دارد که موضوع آنها خود قرآن کریم است. یعنی بعد از نزول قرآن و در رابطه مستقیم با آن بوجود آمده است و کم کم رشد یافته و به صورت دانش مستقل درآمده است، که این علوم گاهی به الفاظ قرآن و گاهی به معانی و معارف قرآن می پردازد، و در طول تاریخ در مورد هر کدام از آن ها کتاب های متعدد نوشته شده است، [13] از جمله

1. علم تجوید قرآن: که به کیفیت تلفظ حروف و حالات آن ها می پردازد و مبانی و فنون این امر را بررسی و بیان می کند.
2. علم قرائات: که به ضبط قرائت های هفتگانه (یادگانه یا چهارده گانه) قرآن می پردازد و تاریخ و دلایل و قاریان آن ها را بیان می کند.
3. دانش رسم الخط قرآن: که به قواعد نگارش خط عربی بطور عامل و خط قرآن به صورت خاص می پردازد و اقسام خط (نسخ، کوفی و...) و ویژگی های آن ها را بیان می کند.
4. علوم قرآن: که در مورد اطلاعات مربوط به قرآن در حوزه محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تاویل، باطن و... می پردازد.
5. فقه القرآن: دانشی که به مباحث آیات الاحکام و دیدگاه ها و دلایل آن ها می پردازد.
6. علم تفسیر: دانشی که به بیان معانی و مقاصد آیات قرآن می پردازد و به دو صورت تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام می گیرد و در طول تاریخ اسلام هزاران کتاب در مورد آن نگارش شده است.
7. علم حدیث: قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص) را بیان کننده و مفسر قرآن معرفی کرد، [14] از این رو سنت ایشان نقش تفسیری را برای قرآن به عهده گرفت و احادیث تفسیری شکل گرفت و بعدها ده ها کتاب تفسیر روائی در این زمینه

نگارش یافتند که روایات پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام را جمع آوری کردند. [15]

ب: علمی که قرآن، غیرمستقیم باعث پیدایش آنها شده است

در میان مسلمانان علمی وجود دارد که در اثر تشویق قرآن به علم و یا برای خدمت رسانی به علوم دسته اول (مثل تفسیر) بوجود آمد و کم کم رشد کرد و به صورت دانش های مستقل پدیدار گشت، و در طول تاریخ اسلام کتاب های متعددی در مورد آن ها به نگارش درآمد از جمله:

1. علم درایه: که برای بیان اصطلاحات مربوط به حدیث و تحولات آنها شکل گرفت.

2. [علم رجال: که برای بیان حالات راویان و سند روایات شکل گرفت. [16]

3. علم کلام: دانشی که مباحث اعتقادی را بیان و از آن ها دفاع می کند، علم کلام اسلامی که ریشه در آیات اعتقادی و احادیث اسلامی دارد، و کم کم به صورت یک علم منسجم درآمد.

4. علم فقه: که به استنباط قوانین شرعی از آیات الاحکام و احادیث فقهی می پردازد و کم کم به صورت علم مستقل و گسترده ای در جهان اسلام درآمد.

5. علم اصول الفقه: که قوانین مربوط به استنباط از قرآن و حدیث را بیان می کند و در حقیقت منطق فهم آنهاست که به صورت مقدمه علم فقه نمودار شد اما در حقیقت مقدمه علم تفسیر و حدیث و فقه ... است. این دانش در طول اعصار به یکی از پیشرفته ترین علوم مسلمانان تبدیل شد.

6. علوم ادبی عرب: که شامل علم نحو، صرف، اشتقاق، معانی، لغت و وجوه و نظائر می شود. این علوم برای فهم بهتر و منضبط آیات قرآن و نیز برای تلفظ صحیح آیات بنیان گذاری شد، [17] ولی از آنجا که فواید عام برای تمام علوم داشت و مقدمه فهم و تلفظ هر نوع متنی بود، کم کم به صورت علوم مستقل درآمد و میراث گرانبهایی برای ملت عرب سامان یافت، و دانشمندان و متخصصان کتاب های زیادی در این زمینه نگاشتند، و حتی بر ادبیات فارسی و [ترکی و ... نیز تأثیرات مثبت گذاشت. [18]

7. و تاریخ: این علم در اسلام از «قصص قرآن» و پیامبران و سیره پیامبر احادیث شروع شد سپس به صورت تاریخ قبل و بعد از اسلام و تاریخ جهان پدیدار شد و مورخان بزرگ و کتاب های تاریخ را شکل داد. [19]

ها شده است: علمی که قرآن باعث رشد آن

برخی علوم در فرهنگ و تمدن های ملت های مختلف بوجود می آید و گاهی از یک ملت به ملت دیگر منتقل می شود و رشد می یابد و گاهی این جریان بر عکس می شود.

مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند و برخی علوم را از یونان، ایران و هند ترجمه کردند و بر عمق و وسعت آن ها افزودند، [20] از جمله:

1. فلسفه: که در آغاز از یونان وارد کشورهای اسلامی شد و کم کم تحت تأثیر تفکر اسلامی قرار گرفت و تغییراتی پیدا کرد، به طوری که همه مسائل متن و [براهین و ادله آنها را می توان در قرآن و حدیث پیدا کرد. [21]

2. منطق: هر چند که اصل این علم نیز از یونان به حوزه علوم مسلمانان راه یافت اما با توجه به اینکه قرآن به برهان و استدلال و جدال نیکو [22] و ... توجه کرده بود، مسلمانان نیز به علم منطق توجه کردند و این علم پیشرفت زیادی در مسلمانان پیدا کرد و کتاب های متعددی در این زمینه نگارش یافت.

دهی به مبانی علوم انسانی در عصر حاضر نیز می توان با استفاده از قرآن در جهت های علمی قرآنی به نوگستری در علوم دست یافت. و علوم جدید پردازشی و نظریه [انسانی - قرآنی به وجود آورد. [23]

ماندگی علمی مسلمانان در عصر حاضر: علل عقب

ماندگی علمی مسلمانان در عصر حاضر، متفکران و دانشمندان در مورد علل عقب

ای مسلمان و غیر مسلمان اظهار نظرهای محققانه و عالمانه و منصفانه اند [24] و حتی برخی متفکران مثل سید جمال الدین اسدآبادی بعد از سیر و کرده کند [25]، آری سفر در شرق و غرب راه نجات مسلمانان را بازگشت به قرآن معرفی می دهد که بررسی این نظرات نشان می

اولاً اسلام و تعالیم قرآن و سنت عامل پیشرفت مسلمانان بوده و تمدن عظیم اسلامی را در پنج قرن اولیه اسلام سامان داد که از تمدن ایران و روم و یونان پیشی ها در جهان درخشید. پس اگر مسلمانان در یکصد سال اخیر گرفت و بدون رقیب قرن از تمدن علم و تکنولوژی عقب افتادند باید علت آن را در جای دیگر جستجو کرد.

گوید: «من یقین دارم اگر قرآن و انجیل را به یک فرد ولتر در ستایش قرآن می‌گزید؛ زیرا کتاب محمد(ص) در غیر متدین ارائه دهند، او حتماً قرآن را بر می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است. [26] ظاهر افکاری را تعلیم می‌مورس بوکای پس از ده سال مطالعه پیرامون قرآن در سال 1967م. خطاب به مجمع پزشکی فرانسه اظهار داشت: در قرآن موضوعات علمی در ارتباط با تولید مثل و فیزیولوژی وجود دارد که کاملاً با دستاوردهای کنونی علم مطابقت دارد. داند که آوترین فردی می‌کارل ارنست، محقق آمریکایی، بوکای مسلمان را حیرت ادعای انحصارگرایانه اروپاییان را در باب علم به چالش کشید؛ زیرا نظریه اصلی گیری از اطلاعات را در بر دارد او این بود که قرآن برخلاف کتاب مقدس، حجم چشم‌شناسی همخوان است. [27]هایی همچون جنین‌که با اکتشافات علمی جدید در زمینه بوکای با تحقیقات خویش به این نتیجه رسید که قرآن از وحی الهی سرچشمه گرفته کتاب مقدس به رغم پدیدآوردگان بشری متعدّدش، فاقد چنین عمق است، در مقابل [توان به لحاظ وحیانی بودن، هم سطح قرآن باشد. [28]علمی است و در نتیجه نمی‌نویسد: قرآن برترین کتابی است که عنایت ازلی به بوکای درباره قرآن کریم می‌ترین سوی بشر فرستاد و آن کتابی است که شک و ریب در آن راه ندارد و بدون کوچک [اغراق و مبالغه یا تعصب باید گفت: قرآن از تمام جهات معجزه است. [29] ماندگی مسلمانان در عصر حاضر را اینگونه ثانیاً دانشمندان علل مهم عقب‌اندشمرده:

ها و ها از قرن هفتم قمری به بعد که موجب شد مدارس و حوزه - حمله مغول 1
ها ها سوزانده یا تعطیل شد و یا با رکود مواجه گشت و این حرکت تا قرن کتابخانه
تأثیر خود را در توقف و کندی حرکت علمی مسلمانان گذاشت.
- استبداد حاکمان مسلمان که برخلاف تعالیم اسلامی مانع آزاداندیشی و رشد علمی 2
مسلمانان شدند.

داند و قدرشناس دانشمندان و مراکز علمی نیستند از حاکمان جاهل قدر علم را نمی‌شوند این رو خود مانع پیشرفت علمی می‌

ها نسبت به کشورهای اسلامی که موجب تکه تکه شدن - استعمار و استثمار غربی 3
های کوچک و ضعیف و روی کارآمدن حاکمان نوکر صفت کشورهای اسلامی و پیدایش دولت
و وابسته به غرب شدند افرادی که به جای تحقیق، تقلید از غرب را نشانند و
ثروت مسلمانان (به ویژه معادن و نفت) را به غارت بردند و به جای تکنولوژی و
علوم جدید، اجناس پرزرق و برق به مسلمانان دادند و از رشد علمی مسلمانان
جلوگیری کردند شاید عامل اخیر در صد سال گذشته (که مسابقه علمی در جهان
افتادگی مسلمانان گشتنشدید شد) مهمترین عامل عقب

های استعمارگران غربی (همچون انگلستان، فرانسه، ایتالیا، گری‌بگذریم از اشغال
های آمریکا و...) در کشورهای اسلامی و تحمیل رژیم اشغالگر قدس و ایجاد درگیری
های متعدد بین مسلمانان که موجب هدر رفتن ور کردن جنگای و مذهبی و شعله‌فرقه
ماندگی بیشتر آنها شد که نمونه آن را های انسانی و ثروت مسلمانان و عقب‌سرمایه
بینیم. نکته عجیب این است امروز در عراق، سوریه، افغانستان، یمن و فلسطین می
ماندگی مسلمانان را قرآن و بندد و عامل عقب‌دکتر سها چشم بر این عوامل می
!!! کند اسلام معرفی می

:پی نوشت ها

1. این مطلب در ذیل مبحث (عدم توجه قرآن به علوم تجربی) بحث شد [1]

2. زمر / 9 [2]

3. مجادله / 11 [3]

4. احیاء علوم الدین، ج 1، ص 11 [4]

5. شَهِّدِ اللّٰهَ اَنْ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلاَّ هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوْا

(الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ) (آل عمران / 18

6. طلاق / 12 [6]

7. ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی [7]

8. نک: آل عمران / 190، نحل / 3 - 11 و رعد / 2 - 4 [8]

9. زمر / 9 [9]

10. صاحب تفسیر نمونه آیه را از جهت نابرابری مطلق می‌داند. (ج 19، ص 393) [10]

و علامه طباطبائی (ره) نیز علم در آیه را مطلق می‌داند لیکن با توجه به مورد

آیه آن را منطبق بر علم به خدا می‌کند (ج 17، ص 257) و ذیل آیه نیز احادیثی

ط از امام باقر حکایت شده که مقصود از دانایان در این آیه اهل بیت

هستند (صافی، ج 4، ص 316) ولی مفسران اینگونه احادیث را حمل بر بیان مصداق کامل کرده اند وگرنه آیه شامل همه دانایان می شود. (نک: المیزان و اطبیب (البیان ذیل آیه مجادله / 11 [11])

علامه طباطبایی بر آن است که آیه مومنان را به دو قسم عالم و غیرعالم [12] تقسیم می کند پس آیه می فرماید علمای با ایمان دو درجه برتری دارند و مومنان درجه مکارم شیرازی می نویسند: گرچه یک درجه (المیزان، ج 11، ص 216) ولی آیت آیه در مورد خاصی نازل شده ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می برد، دو چیز است: 1. ایمان؛ 2. (علم). (نمونه، ج 23، ص 438)

ر.ک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص 95 - 96 [13]

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ بِهِ [14]

(إِلَيْهِمْ) (نحل / 44)

از جمله تفسیر عیاشی، تفسیر نورالثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی در [15] شیعه و تفسیر الدر المنثور در اهل سنت.

نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص 7 - 96 [16]

نک: شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه سید محمد مختاری [17]

پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ص 321 به بعد [18]

نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص 6 - 95 [19]

نک: آلدومیه لی، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام.

نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبایی، ص 97 [21]

نحل/ 125 [22]

توضیح این مطالب در مباحث بعدی خواهد آمد [23]

العابدین قربانی؛ علل ضعف و انحطاط ر.ک: علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین المسلمین در اندیشه های سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی، احمد موثقی؛ آمریکا پیشتاز انحطاط، روزنه گارودی، ترجمه قاسم منصور؛ ریشه های ضعف و عقب ماندگی مسلمانان، رجبی؛ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛ علی اکبر ولایتی، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی

افزار، مجموعه آثار سید جمال الدین اسدآبادی، مرکز کامپیوتری ر.ک: نرم [25]

علوم اسلامی نور، به ویژه خطبه «عود الی القرآن» و مانند آن

شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، 1386: 124 [26]

177: 1390، aارنست، اقتدا به محمد [72]

همان، 177-178 [28]

علیقلی، قرآن از دیدگاه 114 دانشمند جهان، 52؛ نیز، ر.ک: معدی، علماء و [29]

مفکرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، 2007: 11-18

[پست 76]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 08:05 1395/08/20

فرض یا اشکال دوم دکتر سها (موانع هشتم: در مورد پیش

روشنگری و یادآوری نکات زیر ضروری است:

[علم ارزشمند علم دین است] 11

نویسد: «علم واقعی و ارزشمند از دیدگاه قرآن علم دین دکتر سها در این مورد می ها بعد از است و اصولاً قرآن و سنت اطلاعی از چیزی به نام علوم تجربی، که قرن محمد به وجود آمدند، ندارند. از دیدگاه دیگری نیز علوم تجربی در اسلام فاقد اند و ارزش قلمداد شده ارزشمند. با توجه به اینکه دنیا و زندگی آن در قرآن بی علم تجربی هم عمدتاً مربوط به کشف قوانین همین دنیای مادی است بنابراین علم ارزش است ارزش است به تعبیر دیگر چون معلوم علوم تجربی بی تجربی علم به چیز بی اندازش پس خود علوم تجربی نیز بی

افتادگی، چون گوهر پیشرفت، علم تجربی است. در نظر یک انسان این است گوهر عقبی قرآن یا ذکر یک صلوات، صواب و ارزشش بیش از خواندن یک مؤمن خواندن یک آیه کتاب فیزیک است. بنابراین هیچگاه یک مؤمن آگاه به اسلام، یک دانشمند موفق ترینند. این وضعیت ها، از علوم تجربی گریزانترین شود. مؤمن علوم تجربی نمی باری است که امروز در سراسر جهان اسلام وجود دارد. با وجود این اعتقاد، اسف امید پیشرفت واقعی در کشورهای اسلامی امیدی عبث است مگر اینکه مردم مسلمان از [اسلام فاصله بگیرند که بعید است]. [2]

بررسی:

در این مورد ذیل مبحث (عدم توجه قرآن به علوم تجربی) مطالب مبسوطی بیان شد و الذکر روشن شد که در قرآن و احادیث پیامبر(ص) نیز از مطالب بند الف فوق همانطور که به علوم دینی توجه شده به علوم طبیعی و انسانی نیز توجه شده است بلکه مطلق علم و دانش مورد توجه و تشویق بوده است.

آید. بنابراین ادعای دکتر سها در این مورد تهمت به قرآن و سنت به شمار می ای که از آن گرفته است (قرآن و سنت مانع پیشرفت و توسعه بنابراین نتیجه آمیز بوده است) [3] غیر صحیح است. چون مبنای این سخن باطل و تهمت

– اعتقاد به همه چیز داشتن اسلام 2
فرض قبلی دکتر سها (وجود همه جزئیات علوم در قرآن) در این مورد ذیل پیش ترین منبع اسلام مباحث مبسوطی بیان کردیم و روشن شد که قرآن کریم به عنوان مهم ادعا ندارد که تمام جزئیات علوم را در بر دارد، بلکه مباحث مربوط به هدایت انسان را بیان کرده است (البته گاهی نیز به علوم طبیعی و علوم انسانی اشاراتی دارد که در راستای خداشناسی و معادشناسی است). بنابراین نباید انتظار وجود همه جزئیات علوم را در قرآن و سنت داشته باشیم؛ بلکه جزئیات ها را تأیید علوم و کشف آنها بر عهده عقل و علوم تجربی است که قرآن و اسلام آن را تشویق کرده است.

ارزش بودن دنیا – بی 3

نویسد: «در آیات زیادی، دنیا و زندگی و ثروت آن دکتر سها در این مورد می ارزش و بازیچه قلمداد شده است و در مقابل، دنیای بعد از مرگ (آخرت) تکریم بی شده است از جمله:

– «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّدُنْيَا يَتَذَكَّرُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام/ 32)
ی آخرت برای کسانی که ترجمه: و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً خانه (اندیشید) 32 کنند بهتر است آیا نمی پرهیزگاری می

– «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَا تُمَثِّلُ غَيْبٌ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ

(الغُرُور) (حدید/ 20)

ترجمه: بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما جویی در اموال و فرزندان است چون مثل بارانی است که به یکدیگر و فزون کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان] را عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده (نیست) 20.

در تأیید آیات فوق، احادیث بسیار زیادی وجود دارند از جمله

– قال النبی: إن الله تعالی لما خلق الدنيا أعرض عنها فلم ينظر إليها من هو (انها علیه) (کنز العمال 3/ 78).

ترجمه: خدا وقتی دنیا را خلق کرد از آن روی بگردانید و هرگز بدان نگاه نکرد. به خاطر پستی دنیا نزد او

دهد و در بهبود ارزش و بازیچه بهایی نمی طبیعی است که یک انسان عاقل به چیز بی ای است کند. گریز از دنیا و زهد از صفات بسیار پسندیده و پیشرفت آن تلاشی نمی اند. کرده که محمد و فرزندان او و بزرگان اسلام در طول تاریخ به آنها افتخار می ی علمی، تکنیکی، ی مقابل توسعه و پیشرفت است. برای توسعه این درست در نقطه اقتصادی و سیاسی باید دنیا را مهم و جدی گرفت. باید برای شناخت دنیا و

ریزی و تلاش کرد و برای به کار گیری گذاری، برنامه‌قوانین آن به طور جدی سرمایه‌ی زندگی دنیوی باید با جدیت کوشید. این کاری است این دانش در پیشرفت و توسعه دهند. اما قرآن ما را به اهمیت‌ی دنیا انجام داده و می‌که کشورهای پیشرفته‌ی آن را امروز در کشورهای اسلامی خواند و نتیجه‌ارزش دانستن دنیا می‌نماید و بی‌[بینیم].» [4می]

بررسی:

رو دنیا از منظر توانند دو رویکرد داشته باشند از این‌ها نسبت به دنیا می‌انسان آیات و احادیث دو جنبه دارد و با آن دو گونه برخورد شده است:

الف: دنیای نیکو: همان دنیایی است که برای انسان مقدمه رسیدن به مقامات و کمالات برتر شود. یعنی انسان مؤمن از مواهب طبیعی (خوراک، پوشاک، مسکن و طبیعت) بهتر استفاده کند ولی آنها را هدف نهایی نپندارد بلکه مقدمه رسیدن به مقامات الهی و درجات عالی در آخرت قرار دهد. این همان دنیایی است که در احادیث اسلامی بدان اشاره شده است:

«عن رسول الله: الدنيا مزرعة الآخرة» [5]؛ «دنیا کشتزار آخرت است»
«إن الدنيا... متجر أولياء الله» [6]؛ «دنیا محل تجارت»
«أولياء الله».

دارد بلکه او را تشویق این نگاه به دنیا نه تنها انسان را از پیشرفت باز نمی‌کند که با تلاش دنیوی بیشتر (و پیشرفت علمی و صنعتی و خدمت رسانی به مردم) می‌ساز سعادت اخروی خویش را فراهم کندزمینه.

ب: دنیای ناپسند، همان دنیایی که برخی افراد به عنوان هدف نهایی خود انتخاب پرستی که در حقیقت همان پرستی و مقام‌کنند دنیای زر و زور و تزویر و شهوت‌می‌های آن است‌هوای نفس انسان است که مجسم شده است و طبیعت و ثروت و... بازیچه رساند بلکه موجب دل‌بستگی او این دنیا نه تنها انسان را به پیشرفت و سعادت نمی‌دارد. شود و او را از اهداف بلند و سعادت باز می‌به ثروت، قدرت و شهوت می‌تواند به رشد علمی انسانی که غرق در شهوات جنسی و غذایی و... است چگونه می‌بپردازد.

نکته جالب این است که مطالعه در زندگی دانشمندان، مخترعان، کاشفان علم نشان اندوزی و دل‌بستگی به دنیا رانی افراطی، ثروت‌شهوت دهد که این افراد اهل‌می‌اند و در بوده‌های وارسته و خیرخواه و پرتلاش و کم توقع‌اند بلکه انسان‌نبوده‌ها به پیش‌ها و دانشگاه‌عصر حاضر نیز کسانی که کاروان علم را در آزمایشگاه باز دنیا‌گرا ران و قدرتمندان سیاست‌درد و شهوت‌برند غیر از ثروتمندان بی‌می‌هستند.

نکات تکمیلی در پاسخ دکتر سها

ارزش بودن دنیا» به رویکرد دنیای - دکتر سها در تحلیل دنیا با عنوان «بی‌1

ناپسند و مذموم از منظر قرآن و احادیث پرداخته است و به رویکرد دنیای نیکو ای نکرده است. در حالی که رویکرد اول به دنیا مانع رشد علمی است و مورد اشاره ارزش مذمت دین است اما رویکرد دوم موجب رشد علمی جوامع بشری است و دنیای بی‌نیست بلکه از منظر دین ارزشمند است.

- حدیثی که دکتر سها در این بحث بدان استدلال کرده از نظر منبع معتبر نیست 2 سنت است و از منابع معتبر آنها (مثل چون «کنز العمال» از کتب عمومی حدیث اهل آید در حالی که دکتر سها در مقدمه کتاب نقد قرآن وعده داده صحاح) به شمار نمی‌بود از منابع معتبر استفاده کند.

- در مورد آیه 32 / انعام لازم است به نکات تفسیری آن توجه شود3
وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى
(خاطر لذت‌دین یافتن قون آفلا تعقلون) (انعام) 32

ترجمه: «و زندگی پست (دنیا) جز بازی و سرگرمی نیست! و حتماً سرای آخرت، برای!» کسانی که خود نگهداری می‌کنند بهتر است! پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟

نکات تفسیری:

1. تشبیه زندگی دنیا به بازی و سرگرمی [7]، از آن نظر است که بازی‌ها و سرگرمی‌ها معمولاً کارهای بی‌هدف و بی‌اساس و دور از متن حقیقی زندگی‌اند و پیروزی‌ها و شکست‌های بازی، واقعی نیست و پس از بازی همه چیز به حالت اول بازمی‌گردد.

- آری؛ دنیا هم چون نمایش نامه ای است که بازیگران آن، مردم هستند و آنان که به دنیا دل بسته اند، در واقع کودکان هوس بازی هستند که عمری را به بازی گذارنده، از همه چیز بی خبر مانده اند.
- دنیا و بازی هر دو کوتاه مدت و زود گذرند، همان گونه که هر دو تفریح و خستگی دارند و با تلخی و شیرینی آمیخته اند.
2. سرای آخرت، برای افراد پارسا و خودنگه دار بهتر است؛ زیرا حیاتی جاویدان و فناپذیر و در جهانی وسیع تر و در سطحی بالاتر است که نعمت هایش خالص و بدون رنج و زحمت است.
 3. با توجه به فریبندگی دنیا، حقیقت برتر آخرت را فقط متفکران درمی یابند و افراد غافل و بی هدف بازی می کنند و دنیامداری را شغل خویش قرار می دهند.
 4. مقصود آیه ی فوق مبارزه با وابستگی و دل بستگی به مظاهر جهان مادی است که موجب فراموش کردن مقصد نهایی می شود، و گرنه آنان که دنیا را وسیله ای برای سعادت اخروی قرار می دهند، در حقیقت به دنبال آخرت اند [8] آری، دنیایی که مقدمه و مزرعه ی آخرت باشد، میدان رشد افراد با تقواست و آخرت برای این گونه افراد نیکوست.

دهد که استفاده دکتر سها تذکر: توجه به تفسیر مفسران قرآن از آیه فوق نشان می ارزش بودن مطلق دنیا صحیح نیست بلکه آیه درصدد بیان چیز از آیه در مورد بی دیگری است و به رویکرد منفی انسان نسبت به دنیا اشاره دارد اما رویکرد کند مثبت (دنیا مزرعه آخرت) را نفی نمی.

ارزش معرفی - با توجه به نکات فوق روشن شد که قرآن و احادیث مطلق دنیا را بی 4 شود و اگر کشورهای اسلامی در کنند بنابراین مانع پیشرفت علمی مسلمانان نمی اند، عصر حاضر از نظر صنعت و تکنولوژی نسبت به برخی کشورهای غربی عقب مانده ریشه عقب ماندگی آنها را باید در جای دیگر (مثل استعمار و استبداد حاکمان و...)

(- تقدیر گرایی (جبر انگاری 4

داند و در این مورد دکتر سها تقدیرگرایی را عامل عقب ماندگی مسلمانان می نویسد: «در ابتدای فصل نشان داده شد که نظر قرآن در مورد اختیار می نویسد: «آیات و احادیث فراوانی جبر انسان متناقض است [9]». سپس در جای دیگر می دهند و آیاتی مؤید اختیارند. بنابراین و تقدیر را مورد تأیید قرار می گیرد و سرنوشت تقدیرگرایی (اعتقاد به اینکه همه چیز به خواست خدا انجام می فرد از قبل تعیین شده است) بخش مهمی از اعتقادات یک انسان مسلمان را تشکیل ی آنان به خوبی روشن است جملاتی مثل: اگر خدا بخواهد، دهد که از جملات روزمره می خواست خدا بود، امان از چیزی که خدا بخواهد، سرنوشت اینطور بود، از قضا و ی مشابه دیگر. تقدیر گرایی موجب کند کردن ها جمله توان پیشی گرفت و ده قدر نمی داند. نقش خود و گرا تلاش را کم نتیجه می شود. چون فرد تقدیرتوسعه و پیشرفت می پندارد و یا ریزی را بیهوده می داند. برنامه ارزش می مردم را در بهبود اوضاع کم گیرد. محاسبات کم می دهد. آموزش در انجام کارها را دستبندان اهمیت کافی نمی داند. آیا تمام این دقیق و کارشناسی را پیش از انجام کارها کم اهمیت می شود؟ این رفتارها در مسئولین حکومتی و رفتارها در اکثر مسلمانان مشاهده نمی ها و گاه بیش ها برای ده مدیران مسلمانان هم وجود دارد. مثلاً در حالی که غربی کنند مسلمانان به صورت روزمره امور کشور را اداره ریزی می از صد سال برنامه می [کنند] 10 می.

دکتر سها در بخش دیگری از کتاب (ص 85 - 471) به صورت مبسوط آیات مرتبط با کند و با ذکر احادیثی برای جبرگرایی مؤید جبر و اختیار را نقل و نقد می آورد.

بررسی:

ها و شبهات و فرض دهد که پیش تحلیل مطالب دکتر سها در مورد تقدیر گرایی نشان می کندسؤالات زیر را مطرح می.

1. اعتقاد به تقدیر همان اعتقاد به جبر است.
2. اند- آیات و احادیث جبر را پذیرفته.
3. - آیات و احادیث در مورد جبر و اختیار متناقض هستند.
4. - مسلمانان معتقد به جبر هستند.
5. ماندگی مسلمانان است (چون سستی و قانع شدن به وضع - اعتقاد به تقدیر عامل عقب (موجود را به دنبال دارد).

ریزی اهمیت - مدیران و رهبران به خاطر تقدیرگرایی مسلمانان به برنامه 6 (ها دهند) به خلاف غربی‌نمی.

ها در مورد اختیار انسان‌الف: دیدگاه

در بین دانشمندان مسلمان سه دیدگاه در این مورد وجود دارد

اول: دیدگاه جبرایی است که انسان اختیاری از خود ندارد و هرچه هست اراده خداست. این دیدگاه به اشاعره نسبت داده شده و به ظاهر برخی آیات نیز استدلال [اند]11 کرده

دوم: دیدگاه اختیار کامل انسان (تفویض) است که خدا انسان را خلق کرده و به خود واگذار کرده است یعنی هیچ چیز جز اراده انسان در سرنوشت او دخالت ندارد. این دیدگاه به معتزله نسبت داده شده و به ظاهر برخی آیات نیز استدلال [کنند]12 می

بیت علیهم السلام و پیروان آنهاست که در جمله امام صادق (ع): «لا سوم: دیدگاه اهل جبر ولا تفویض بین امر بین الامرین» [13] تبلور یافته است یعنی خدای متعال خالق و مدبر انسان است ولی همو انسان را مختار آفریده است و این جزیی از تدبیر اوست پس سرنوشت انسان توسط خدا مشخص شده لیکن انسان اختیار دارد و تواند تغییراتی در آن بدهد و مسیر زندگی خود را اصلاح یا منحرف کند و بر می شود. چون با اختیار و همین اساس مسئول و مکلف است و اگر گناهی کرد مجازات می کند و مجبور نیست آگاهی انتخاب و عمل می

ب: تفسیر آیات جبر و اختیار

کنیم چرا که تفسیر این آیات مشابه در این مورد چند آیه مهم را بررسی می همدیگرند

اول: آیاتی که ظهور در جبر دارد

آیه اول: فَلَمَّ تَقَدَّتْ دُؤُوهُمْ وَلَكِنَّ اللّٰهَ قَاتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللّٰهَ رَمَىٰ وَلَيُبَدِّلِي الْيَوْمَ الْمِيزِينَ مِيزَهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/ 17)؛

و [شما] آنان را نکشتید، ولیکن خدا آنان را کشت؛ و هنگامی که (ریگ و خاک به سوی آنان) افکندی، [تو] نیفکندی، ولیکن خدا افکند؛ و (خدا چنین کرد) تا بدین (وسیله) مؤمنان را با آزمایش نیکویی بیازماید؛ براستی که خدا شنوای داناست

نکات تفسیری

1. مورخان و مفسران حکایت کرده اند که در روز بدر، پیامبر اسلام (ص) به علی (ع) گفت: مشتکی خاک و سنگریزه به او بدهد و آنها را گرفت و به سوی [مشرکان پرتاب کرد و فرمود: «رویتان زشت و سیاه باد.»] 14

2. با این که پیامبر اسلام سنگ ریزه به طرف دشمن پاشید و رزمندگان اسلام کافران را به قتل رساندند، اما در آیه ی فوق این امور به خدا نسبت داده شده است؛ چون اولاً، خدا سرچشمه ی همه ی نیروهای جسمانی و روحانی است، پس همه ی این امور از اوست و ثانیاً، در میدان بدر حوادث معجزه آسایی صورت گرفت که موجب شکست دشمن شد، پس پیروزی بدر در حقیقت با امداد الهی بوده است

3. این آیه از طرفی می فرماید پیامبر و مردم عملیات میدان بدر را انجام دادند و از طرف دیگر می گوید آنها انجام ندادند بلکه خدا کرد. این مطلب اشاره ی لطیفی است به قاعده ی «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین»؛ یعنی این هم کار شما بود و هم کار خدا؛ از آن جا که به اراده ی شما انجام گرفت، کار شما بود و چون نیرو و امداد الهی در کار بود، پس کار خدا بود؛

[نه جبر و نه واگذاری کار به بشر، بلکه چیزی بین این دو صحیح است] 15
آیه دوم: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي سَمَاءٍ أَوْ نَفْسٍ مِنْكُمْ إِلَّا فِيهَا كِتَابٌ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِكَيْذَلَّاتَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حدید/ 22 - 23)؛

هیچ مصیبتی در زمین و در (وجود) خودتان (به شما) نمی رسد، جز این که قبل از آن که آن را بیافرینیم، در کتابی (ثبت) است؛ در حقیقت، آن (کار) بر خدا آسان است. * به خاطر آن که بر آنچه از دستتان رفته تأسف مخورید و به آنچه به شما داده است شادمان نباشید؛ و خدا هیچ متکبر خیال پرداز فخرروشی را دوست ندارد

نکات تفسیری

- این آیه در صدد آن است که دل بستگی انسان را از دنیا برکنند و انسانی تربیت کند که در پی انجام وظیفه باشد، نه نتیجه ی منفی کارها او را ناامید سازد و نه نتیجه ی مثبت کارها او را سرمست و غافل. انسان باید هم چون صندوق دار بانک باشد که از رفتن و آمدن پول ها، ناراحت و سرمست شود، بلکه در پی انجام وظیفه است و خود را امانت دار و واسطه می داند.
 - اگر انسان با این دید به جهان بنگرد که همه ی وقایع، مشکلات و مصایب انسان در کتابی ثبت شده و مشخص است، نه از رفتن اموال و فرزندان بسیار ناراحت می شود و نه از آمدن آنان بسیار شادمان، بلکه همه را مقدرات الهی می داند که اگر نعمتی بود باید سپاس آن را به جای آورد و اگر مصیبتی بود باید صبر کند و به یاد خدا باشد.
 - مشکلات و مصیبت هایی که به انسان می رسد، چند گونه است:
 - الف) مشکلاتی که در اثر اعمال و گناهان انسان ها و یا ستم آنها به هم دیگر [واقع می شود که قابل پیش بینی و پیش گیری و مجازات است] 16
 - ب) مشکلاتی که از مقدرات الهی و برای آزمایش انسان هاست و حتماً واقع خواهد شد و قابل جلوگیری نیست] 17
- آیه ی فوق به مشکلات و مصیبت های نوع دوم اشاره می کند.
- آیا وقوع حتمی حوادث و تعیین مقدرات انسان در علم الهی و لوح محفوظ تلاش انسان را نفی نمی کند؟ و آیا انسان نباید تسلیم محض حوادث باشد؟ پاسخ آن است که قرآن این حوادث را به عنوان آزمایش حتمی انسان ها معرفی می کند که وظیفه ی انسان مقاومت و صبر در برابر آنها و یاد خداست یعنی انسان مؤمن تمام تلاش خود را برای شناخت طبیعت و مشکلات زندگی و حل آنها به کار می برد ولی خود را مأمور به انجام وظیفه می داند و اگر موفق به حل مشکلی نشد ناامید و سرخورده نمی شود و صبر و استقامت پیشه می کند و اگر موفق به حل مشکل شد سرمست شادی و غافل نمی شود بلکه آن را نعمتی الهی می داند و شکر آن را به جای می آورد.
 - در این آیات به یکی از فلسفه های حوادث و مصیبت های دنیا اشاره شده است؛ [18] یعنی خدای مهربان این حوادث را پیش روی شما نهاده است تا متوجه شوید که دنیا پایدار و جاودانه نیست و نباید بدان دل بست و از یاد خدا غافل شد، بلکه پل و محل عبور است.
- این حوادث زنگ بیدارباش انسان ها و اشاره به عمر کوتاه دنیاست و انسان را از خواب غفلت بیدار می کند تا دنیا را هدف اصلی و نهایی خود نپندارد و اسیر آن نشود.
- آیه سوم: **يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (فاطر / 8)؛**
هر کس را (به خاطر اعمالش) بخواهد، در گمراهی وامی نهد و هر کس را بخواهد (و «شایسته بدانند) راه نمایی می کند.
- نکته تفسیری:
مقصود از گمراه شدن افراد توسط خدا آن است که افراد در اثر اعمال ناپسند خود زمینه ی گمراهی خویش را فراهم می کنند و خدا این تأثیر را در اعمال زشت و تکرار آنها قرار داده که موجب گمراهی انسان می شود؛ همان طور که به انسان چشم و گوش و عقل داده تا حقایق را درک کنند و هدایت شوند.
- آیه چهارم: **يُثَبِّتُ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ وَاللَّهُ بِهِمُ ثَابِتٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (ابراهیم / 27)؛**
خدا کسانی را که ایمان آوردند، بوسیله گفتار (و دلایل و عقاید) استوار، در زندگی پست (دنیا) و در آخرت، پایدار می دارد؛ و خدا ستمکاران را در گمراهی «. و وامی نهد؛ و خدا آنچه را بخواهد (و مصلحت بدانند) انجام می دهد.
- نکات تفسیری:
- انسان در زندگی همواره در معرض لغزش ها قرار دارد؛ لغزش هایی که بر اثر هوای نفس یا وسوسه های شیطانی پدید می آیند و یا قدرت های ستمگر بر او تحمیل می کنند.
- اما خدا مؤمنان را در کوران این حوادث ثابت قدم می دارد و به وسیله ی دلیل و برهان و عقاید صحیح، در دنیا و آخرت از لغزش های آنان جلوگیری می کند.

2. در این آیه بیان شده که خدا ستمکاران را گمراه می سازد. نسبت دادن هدایت و گمراهی به خدا، به معنای جبرگرایی نیست. کار خدا همان تأثیری است که در هر عمل آفریده است و نیز نعمت ها یا سلب نعمت هایی است که طبق شایستگی یا عدم شایستگی برای افراد مقرر می کند؛ پس ستمگران بر اثر ظلمی که می نمایند، از نعمت هدایت محروم می شوند، هر چند آزادند که مسیر خود را [تغییر دهند] 19.

دوم: آیاتی که ظهور در اختیار دارد

آیه اول: *إِنَّمَا هَدَيْتُمُوهُمْ إِلَىٰ سَبِيلِ اللَّهِ وَإِنَّمَا تَأْتِيهِمْ الْغُيُوبُ* (انسان / 3)؛

در واقع، ما او را به راه (راست) راه نمایی کردیم، در حالی که یا سپاس گزار «است، یا بسیار ناسپاس است.

نکات تفسیری:

1. مقصود از هدایت انسان، هدایت تکوینی، فطری و تشریحی (همه ی اقسام هدایت) است؛ هرچند تأکید آیه بر هدایت تشریحی است؛ یعنی خدا که انسان را برای رسیدن به کمال آفرید وسایل و نیروهای لازم را در اختیار او گذاشت و او را با الهامات فطری و وحی آسمانی پیامبران هدایت کرد و با این حال او را آزاد گذاشت که راه صحیح یا غلط را خود انتخاب کند.

2. در این آیه بر آزادی اراده ی انسان تأکید شده است؛ یعنی انسان می تواند هدایت الهی را بپذیرد و سپاس گزاری کند یا نپذیرد و راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرد.

آیه دوم: *وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ* (نجم / 39)؛

«و این که برای انسان جز کوشش او نیست».

نکات تفسیری:

1. آنچه برای انسان می ماند همان تلاش اوست [20]؛ چه این تلاش به نتیجه برسد یا نرسد و این يك قانون الهی است. چنانچه انسان با نیت خیر تلاش کند، به نتیجه برسد یا نرسد، خدا پاداش او را می دهد.

البته این آیه ناظر به تلاش انسان برای آخرت است ولی ملاک آیه دنیا را نیز در برمی گیرد؛ یعنی انسان منتظر تلاش دیگران نباشد بلکه به همت و تلاش خود امیدوار باشد.

2. در آیه فوق و آیات مجاور به سه اصل و قانون در مورد اعمال انسان اشاره شده است، ولی این قوانین موارد استثنا نیز دارند که در برخی آیات و

روایات تذکر داده شده است

(الف) قانون آن است که کسی مسئول گناهان دیگران نیست، ولی اگر کسی سنت بدی را پایه گذاری کند، در گناه عمل کنندگان شریک است.

(ب) قانون آن است که به هیچ کس غیر از تلاش او نمی رسد، ولی مواردی هم چون ارث، اجاره و مضاربه در اسلام وجود دارد.

(ج) و نیز قانون آن است که خدا پاداش کامل عمل هر کس را می دهد، ولی گاهی از راه لطف یا شفاعت پاداش اضافی به افراد می دهد.

نکات تکمیلی در پاسخ دکتر سها

- از مطالب فوق روشن شد که تقدیر سرنوشت انسان به معنای جبرگرایی نیست بلکه اختیار انسان محفوظ است و تقدیرهای متغیر (مثل رزق، کارها و...) دارد و تقدیرهای حتمی (مثل مرگ نهایی هر کس) که مستلزم جبر نیست و دکتر سها به این مطلب توجه نکرده بود.

2 اند بلکه در مورد اختیار انسان سه دیدگاه وجود – آیات قرآن جبر را نپذیرفته دارد که دکتر سها فقط دیدگاه جبر گرایی را تقویت کرده بود و بر اساس آن اسلام بیت و مسلمانان را محکوم کرده بود. در حالی که دیدگاه صحیح همان دیدگاه اهل علیهم السلام (لاجبر ولا تفویض بل امر بین الامرین) است.

– جمع بین آیاتی که ظهور در جبر دارد با آیاتی که ظهور در تفویض (اختیار) 3 بیت این کار را در جمله «لاجبر ولا تفویض بل امر بین مطلق) دارد ممکن است و اهل اند. و این مطلب مستلزم غلط دانستن آیات فوق نیست بلکه بیان الامرین) کرده ای که یک کتاب بنویسد در مطالبش محکم تفسیر صحیح و مقصود آیات است. هرگونه توان و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید دارد که با قرینه قرار دادن آنها می شود نظر نهایی او را کشف کرد و این کار عقلایی در قرآن و احادیث نیز جاری می

در ضمن پذیرش «امر بین الامرین» به معنای نسبی بودن جبر و تفویض نیست بلکه شود نظریه جدیدی است که با تجربیات روزمره و مطالعه تاریخ بشر نیز تأیید می که برخی امور کلی (مثل مرگ نهایی انسان و...) حتمی و غیر قابل تغییر است و انسان تحت مدیریت الهی از این جهت است ولی بخشی از کارها (بر اساس همان مدیریت الهی) در اختیار انسان است که انجام دهد یا نهد.

– اینکه برخی مسلمانان معتقد به جبر هستند (همانطور که به اشاعره نسبت داده 4 شده است) و این عقیده باطل در زندگی آنها تأثیر منفی دارد. ربطی به اسلام و شود چه بسیار از قرآن ندارد. چون اعمال غلط افراد به پای مکتب آنها نوشته نمی شوند آیا در کنند و گرفتار عواقب آن می‌مسلمانان که احکام اسلامی را عمل نمی! این موارد احکام غلط است یا اسلام محکوم است؟

بیت علیهم از مطالب قبل روشن شد که عقیده صحیح در این مورد همان دیدگاه اهل ماندگی السلام «لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین» است که نه موجب سستی و عقب گرددشود و نه موجب غرور و طغیان انسان می‌می پس اگر برخی مدیران مسلمان در کشورهای اسلامی از مفسران اصیل اسلام یعنی ماندگی علمی و... بیت علیهم السلام فاصله گرفتند و کج راه رفتند و عقب‌اهل پیدا کردند ربطی به اسلام و قرآن ندارد.

ریزی و عامل سستی بیت) نه تنها مانع برنامه- اعتقاد به تقدیر (با تفسیر اهل 5 ماندگی نیست بلکه عامل پیشرفت علمی است که نمونه آن را در و عقب آور علمی و های شگفت‌های حکومت امام علی(ع) و در عصر ما در پیشرفت‌ریزی برنامه های کوتاه مدت و بلندمدت (20 ساله) ایران بعد از انقلاب اسلامی ریزی برنامه بینیم می.

کسی که قائل به تقدیر به معنای صحیح است قائل به جبر نیست که تنبل و ناامید داند که خدا او را مختار شود و به وضع موجود راضی و قانع گردد، بلکه می تواند سرنوشت خود را (در امور غیر حتمی) آفریده و مسئول و مکلف است و می کند و مطمئن است که خدا افراد تغییر دهد. پس با توکل و استعانت از خدا تلاش می رو با امید زیادتر تلاش کند. از این‌رسانی [22] می‌گر را هدایت [21] و کمکتلاش داند که مسئولیت شود چون می‌ای شکست خورد ناامید نمی‌کند و حتی اگر در مرحله می شود خود را انجام داده و پاداش الهی او محفوظ است و اگر پیروز شد مغرور نمی داند که این نعمت و نصرت الهی است چون می سنت – دکتر سها برای تثبیت عقیده جبرگرایی به منابع غیر معتبر و احادیث اهل 6 متوسل شده است [23] و این همان اشکالی است که قبلاً مفصل بدان پرداختیم که یکی های دکتر سها آن است که منابع غیر معتبر را معتبر دانسته است و بر فرض از پیش کند در حالی که اگر به اساس آنها علیه قرآن و اسلام و پیامبر(ص) داوری می داد کند اینگونه نتیجه نمی‌بیت توجه می‌احادیث معتبر از اهل – برتری حاکمان و اربابان و مالکان خواست خدا 5 ماندگی مسلمانان شمرده و یکی دیگر از مواردی که دکتر سها به عنوان عامل عقب آن را به قرآن نسبت داده است برتری حاکمان و اربابان و مالکان به خواست نویسد: «یکی دیگر از موانع توسعه در قرآن، تفهیم خداست. ایشان در این مورد می ی ها در قدرت و ثروت، خواست و اراده این مطلب به مردم است که تمام تفاوت خداست. دقت کنید:

قُلِ الْاِلٰهَ لَهٗمَّ مٰلِكُ الْاِمْلٰكِ تَتٰوْتٰبِ الْاِمْلٰكِ مِّنْ تَشٰآءُ وَاَنْزَعِ الْاِمْلٰكِ مِمَّنْ تَشٰآءُ وَاَعِزُّ مِمَّنْ تَشٰآءُ وَاَذِلُّ مِمَّنْ تَشٰآءُ
عمران / 26؛ بیدک الخیر اِنَّا نَاک عَدٰی کُلِّ شٰیءٍ قَدِیْرٌ ؛ (آل ترجمه: بگو بار خدایا تویی که فرمانروایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را باز ستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی همه خوبیها به دست توست و تو بر هر چیز (توانایی) 26).

ی روانی برای توسعه، درک این واقعیت است که تغییر اولین گام در ایجاد انگیزه وضع موجود به وضع بهتر امکانپذیر است. قرآن مؤمنان را از درک این واقعیت [معنی است] 24 کند. چون تغییر آنچه خواست خداست بی‌محروم می بررسی

دکتر سها در این قسمت به نوعی بخشی دیگر از بحث تقدیرگرایی (جبرانگاری) را بیان کرده است که در بند قبلی مفصل مورد بررسی قرار دادیم. ولی ایشان به آیه: کنیم عمران استدلال کرده که تفسیر آن را ذکر می 26 سوره آل

قُلْ اِلٰهَهُمْ اِلٰهٌ مَّالِكٌ اَلْمُلْكُ تُوْتِي اَلْمُلْكُ مِنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ اَلْمُلْكُ مِنْ تَشَاءُ وَ تَعِزُّ مِنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مِنْ تَشَاءُ (عمران/ 26)؛ بیدیدک الخیدر اِنَاکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ؛ (آل) «گو:» بار خدایا! خداوند فرمانروایی و هستی! به هر که (شایسته بدانی و) بخواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت دهی؛ و هر که را خواهی خوار گردانی، (همه) نیکی (ها) تنها.» به دست توست؛ که تو بر هر چیزی توانایی

نکات تفسیری:

1. منظور از این جمله که می فرماید «خدا به هر کس بخواهد چیزی می دهد یا از او می گیرد.»، این نیست که خدا بدون حساب و بدون دلیل، چیزی به کسی می بخشد یا از او می گیرد، بلکه اراده ی خدا آمیخته با حکمت و رعایت و مصلحت عمومی جهان آفرینش و انسان هاست؛ بنا براین هر کاری که صورت می گیرد در نوع خود بهترین است.
2. تمام نیکی ها تنها به دست اوست و خدا سرچشمه ی هرگونه خیر و سعادت است. [25] و عزت بخشیدن و ذلیل کردن او همه بر قانون عدالت است اگر انسان این مطلب را به خوبی درک کند، توحید افعالی او کامل می شود و بر خدا تکیه می کند و غصه ی آمدن و رفتن امور دنیوی را نمی خورد.
3. در این جا این پرسش مطرح می شود که آیا طبق آیه ی فوق همه ی حکومت ها به خواست خداست و تمام حکومت های جبار و ستمگر را خدا امضا کرده است؟
به این پرسش دو گونه پاسخ داده اند
است و a اول آن که آیه ی فوق مخصوص حکومت های صالح الهی و یا حکومت پیامبر در برخی روایات نیز به این پاسخ اشاره شده است [26]؛ پس خدا به هر کس که [حکومت می دهد] 27 شایسته باشد، مثل سلیمان، یوسف، طالوت و پیامبر اسلام پاسخ دوم آن است که این آیه یک مفهوم کلی و عمومی دارد؛ یعنی تمام حکومت های خوب و بد طبق خواست خداست و خدا یک سلسله اسباب برای پیشرفت و پیروزی آفریده است و استفاده از این عوامل همان اراده و خواست خداست حال اگر ستمگران از آن وسایل پیروزی استفاده کردند و ملت های زبون به حکومت آنان تن دادند، این نتیجه ی اعمال خود آنان است؛ و اگر صالحان از اسباب الهی استفاده کردند و حکومت عادل به وجود آوردند، باز این نتیجه ی اعمال آنهاست پس در حقیقت آیه ی فوق بیدارباشی برای همه ی جوامع انسانی است که به هوش باشند و از وسایل پیروزی استفاده کنند [28]. از همین جا روشن می شود که آیه ی فوق به معنای جبر نیست.
4. مالک اصلی خداست و دیگران امانت دارانی هستند که باید طبق رضای او عمل کنند. عزت و ذلت به دست خداست؛ پس از دیگران توقع عزت و ذلت نداشته باشیم و در هر کاری مسئولیت خویش را انجام دهیم و نگران نتیجه ی کار نباشیم، چون ما مأمور به وظیفه هستیم، نه نتیجه.

پی نوشت ها:

- [1] 520. نقد قرآن، ص 520.
- [2] 521 و 520. نقد قرآن، ص 520 و 521.
- [3] همان.
- [4] 521-523. نقد قرآن، ص 521-523.
- [5] 116. قاموس قرآن، ج 2، ص 116.
- [6] البلاغه، ص 493 نهج.
- [7] لَعَبٌ» در اصل به معنای آب دهان است که از لب ها سرازیر می شود؛ و به بازی هم لَعَب می گویند، چون هم چون ریزش آب از دهان، بدون هدف انجام می گیرد؛ و «لهو» چیزی است که انسان را مشغول می کند و از مقصودش بازمی دارد.
- [8] 208. تفسیر نمونه، ج 5، ص 208.
- [9] 485. نقد قرآن، دکتر سها، صفحه 471 - 485.
- [10] 523 - 522. همان، ص 522 - 523.
- [11] سنت مثل شرح مواقف ایجی، شرح تجرید خواجه های کلامی شیعه و اهلرک: کتاب [11] . . . نصیر الدین طوسی و ر.ک: همان [12].
- [13] 60. بحارالانوار، ج 108، ص 60.
- [14] 287. تفسیر عیاشی، ج 2، ص 52، ح 32 و 34 و بحارالانوار، ج 19، ص 287.

[15] 115 ص، ج 7، تفسیر نمونه،

مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْرِفُوا [16]
 (عن کثیپر، (شوری/ 30

وَلَذِيذٌ لِّؤُنَّكُمْ بِإِشْيَاءٍ مِنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ [17]
 الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ*
 الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا [18]
 إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (بقره/ 155 و 156

گاهی هم مصیبت ها برای آزمایش و یا تنبیه انسان است [18]

تفسیر نمونه، ج 10، ص 338 [19]

سعی» به معنای راه رفتن سریع است وغالباً به تلاش انسان گفته می شود که « [20]

همراه باحرکات سریع باشد. «ما» در «ما سعی» مصدریه است

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ [21]
 اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ (عنکبوت/ 69) «و کسانی که در (راه) ما تلاش

کنند، قطعاً، به راه های خود رهنمونشان خواهیم کرد؛ و مسلماً، خدا با

«نیکوکاران است».

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ [22]
 وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ (محمد/ 7) «ای کسانی که ایمان آورده اید!

اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می

دارد».

کتاب نقد قرآن، ص 577 از صحیح بخاری 6/2433 و صحیح مسلم 4/ 2036 و... [23]

احادیثی را در تأیید جبرگرایی آورده است.

نقد قرآن، دکتر سها، ص 524 [24]

جمله ی «بیدک الخیر» از دو جهت تمام خیرها و خوبی ها را منحصر به خدا می [25]

کند: نخست این که واژه ی «الخیر» با الف و لام ذکر شده که تمام خیرها را

شامل می شود. (ال استغراق است) و دوم آن که در این جمله جای واژه ها تغییر

یافته و «خیر» که مقدم بوده مؤخر شده است و افاده ی حصر می کند؛ بنابراین

«معنای جمله این می شود: «تمام نیکی ها تنها به دست توست

ر. ک: تفسیر برهان، ذیل آیه [26]

شاید بتوان گفت حکومت واقعی بر دل هاست و عزت واقعی برای حاکمان بر دل [27]

ها و دوستان خداست، پس حکومت های جباران در حقیقت حکومت و عزت نیست بلکه

نوعی زورگویی است.

تفسیر نمونه، ج 2، ص 366-367 [28]

[پست 77]

نویسنده : عبدالرحیم

تاریخ : 08:06 1395/08/20

نکات تکمیلی در پاسخ دکتر سها

– از بررسی آیه فوق روشن شد که قرآن کریم درصد ترویج جبرانگاری نیست و آیه 1

به معنای حاکمیت اربابان و مالکان ظلم به خواست خدا و برخلاف خواست مردم

نیست. پس خواست خدا آن نیست که یکی ارباب و یکی رعیت باشد و انگیزه پیشرفت

نداشته باشند.

– قرآن کریم در آیات متعدد به تأثیر اراده و خواست انسان در سرنوشت خود 2

ها دانسته اشاره کرده است و حتی هرگونه تغییری را منوط به تغییر اراده ملت

ها منوط به اراده مردم گردیده است. یعنی اراده الهی در مورد تغییر سرنوشت

است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا [11]
 بِأَنْفُسِهِمْ؛ (رعد/ 11) «در حقیقت خدا آن (سرنوشتی) که در قومی است را

تغییر نمی دهد تا این که آنچه را در خودشان است، تغییر دهند

گونه آیات به خوبی به نقش اراده انسان در تغییر و توسعه اشاره دارد و این

های علمی و فرهنگی و سیاسی در جوامع اسلامی ها و حرکت همین مطلب زیرساخت انقلاب

است.

کند و - نتیجه آنکه قرآن کریم نه تنها مانع تغییر نیست بلکه آن را تشویق می‌کند. پس قرآن علت ها می‌اراده الهی در مورد تغییر را مشروط به اراده ملت ماندگی مسلمانان و مانع توسعه و پیشرفت علمی آنان نیست بلکه عامل پیشرفت عقب است.

(- رضایت و قناعت به وضع موجود (دوری از آرزومندی)6
دکتر سها یکی دیگر از موانع پیشرفت و توسعه را «رضایت و قناعت به وضع موجود»
نویسد: «در آیات و احادیث به آن اشاره شده است ایشان می‌می
ی قرآن به رضایت و خشنودی از یکی دیگر از موانع توسعه در قرآن، توصیه»
های مالی و طبقاتی اند که تفاوت‌های موجود در جامعه است. مردم توصیه شده تبعیض
دیگر موجود در جامعه را با رضای خاطر قبول کنند. دقت کنید

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِيَلْبِسَ جَبَالِئِمُ مَنَاصِبَ مِمَّنْ آتَى اللَّهُ سُلْطَانًا مِمَّنْ يَشَاءُ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛ (نساء/ 32)

ترجمه: و زنهار آنچه را خداوند به آن بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری
ای است و برای زنان از اند بهره داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده
ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی اند بهره آنچه کسب کرده
.... (داناست. (32)

:در قرآن در تقبیح آرزوهای دنیوی آیات دیگری نیز وجود دارد از جمله ..
- «يُنَادُونَهِمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (حدید/ 14)

گویند چرا ولی شما دهند آیا ما با شما نبودیم می‌ترجمه: آنان را ندا در می
خودتان را در بلا افکنید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما
را غره کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطان] مغرور کننده شما را درباره خدا
(بفریفت (14)

احادیث فراوانی نیز در تقبیح آرزوهای دنیوی وجود دارد که به ذکر دو مورد
شود اکتفاء می

- عن ابن عمر قال أخذ رسول الله ببعض جسدی فقال كن في الدنيا كأنك غريب أو
(عابر سبیل وعد نفسک فی أهل القبور (سنن ترمذی 4 / 567
ترجمه: ابن عمار گوید که پیامبر جایی از بدن مرا گرفت و گفت در دنیا آنگونه
باش که انگار غریب یا رهگذر هستی، و خودت را جزو مردگان بحساب آور (یعنی
(ای برای آینده نداشته باش آرزو و ایده

(- النبی: أخوف ما أخاف على أمتي الهوى وطول الأمل (کنز العمال 3 / 196
ترجمه: پیامبر: بیشترین ترسی که من در مورد اتم دارم هوی (امیال) و آرزوی
بلند است.

ی پیشرفت فردی و اجتماعی، داشتن آرزوهای درست برخلاف آیات و احادیث فوق، لازمه
بلند است. هر فرد باید آرزوهای بزرگ و بلند معقولی برای زندگی خویش در نظر
بگیرد و برای رسیدن به آنها تلاش کند و جامعه هم باید آرزوهای بلندی که نسل
های متمادی را در برگیرد داشته باشد و برای رسیدن به آنها برنامه ریزی و تلاش
کند». [29]

بررسی

:در مورد مطالب فوق لازم است چند نکته روشن شود

:الف: رضایت به وضع موجود

: - تفسیر آیه مورد استدلال

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِيَلْبِسَ جَبَالِئِمُ مَنَاصِبَ مِمَّنْ آتَى اللَّهُ سُلْطَانًا مِمَّنْ يَشَاءُ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (نساء/ 32)؛ «و آنچه را خدا به سبب آن، برخی از شما را بر
برخی [دیگر] برتری داده، آرزو نکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده اند، بهره
ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده اند، بهره ای است؛ و خدا را
». «از (ناحیه ی بخشش و) فضلش درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست

نکات تفسیری

1. تفاوت های زن و مرد و اختلافاتی که بین انسان ها دیده می شود، چند قسم است:

(الف) برخی تفاوت ها، نوعی تبعیض است که معلول اختلافات طبقاتی، استعمار و استثمار و ستم های اجتماعی انسان ها به هم دیگر است. اسلام این گونه اختلافات ساختگی و بدون دلیل را صحیح نمی داند و با آن مبارزه می کند.

(ب) اختلافات طبیعی انسان ها از نظر قد، وزن و استعداد که لازمه ی آفرینش انسان است؛ یعنی اگر جامعه بخواهد تکامل یابد، باید استعدادهای، ظرفیت ها و علاقه ها متفاوت باشد، تا همه ی شغل ها به کار افتد و انسان پیشرفت کند؛ یعنی انسان ها مثل اعضای یک پیکرند که هر عضو و سلول آن هم دیگر را تکمیل و یاری می کنند.

و اگر انسان ها مثل محصول یک کارخانه، همه یکسان باشند، پیشرفت آنها متوقف می شود؛ برای مثال، اگر همه ی انسان ها مرد باشند، به زودی نسل بشر منقرض می شود.

پس این تفاوت ها مقتضای حکمت و فرزاندگی خداست و در آنها عدالت رعایت شده است؛ یعنی هر چیزی سر جای خود قرار گرفته است.

(ج) برخی اختلافات حقوقی (مثل مقدار ارث) بین انسان ها وجود دارد که در ذیل آیات قبل به اسرار آنها اشاره شد [30] و فقط یاد آور می شویم که اگر چه ارث مردان دو برابر زنان است اما با توجه به این که هزینه ی زندگی و مهر زنان به عهده ی مردان است، در حقیقت سهم زنان دو برابر می شود.

2. توجه به این نکته لازم است که نه عدالت همیشه به معنای تساوی است و نه تفاوت بین افراد همیشه به معنای تبعیض؛ برخی از تفاوت ها در نظام هستی و، به ویژه بین زن و مرد، لازمه ی نظام اجتماعی بشر است.

3. تفاوت های زن و مرد در زمینه های یاد شده، بار ارزشی ندارد؛ یعنی زن بودن یا مرد بودن و قد و وزن و ... باعث برتری کسی نزد خدا نمی شود؛ چون گوهر اساسی انسانیت در همه ی افراد وجود دارد، بلکه ارزش واقعی افراد به ایمان، علم و تقواست که امکان فراهم آوردن آنها برای زن و مرد، یکسان وجود دارد.

4. عبارت: «از فضل الهی درخواست کنید.»، به معنای کنار گذاشتن اسباب مادی نیست بلکه انسان باید فضل و رحمت خدا را در لابه لای اسبابی که مقرر داشته است، جست و جو کند. از این روست که در آیه، کسب و تلاش در کنار دعا و درخواست فضل الهی آمده است.

تذکر: مقصود از رضایت به وضع موجود آن است که انسان طمع کار و حسدورز نباشد کند ولی که این مطلب نوعی آرامش روانی را در پی دارد که زندگی را شیرین می مقصود آن نیست که انسان تلاش نکند چرا که در آیات و روایات متعدد انسان را به طلب علم و عمل و کار برای تأمین زندگی سفارش شده و حتی کار برای رفاه [خانواده در حکم جهاد معرفی شده است. 31]

ب: آرزوی طولانی نداشتن

:- تفسیر آیه مورد استدلال

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّا كُفْرًا فَتَذَنَّبْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّكُمْ الدُّهُرُ الْإِنَّمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الدُّغْرُورُ (حدید/ 14)؛ «(منافقان) آن (مؤمن) ها را ندا می دهند: «آیا با شما نبوده ایم؟!» گویند: «آری، ولیکن شما خودتان را در فتنه افکندید و انتظار (شکست اسلام را) کشیدید و شك کردید و (خیال ها و) آرزوها شما را فریب داد تا این که فرمان خدا فرا رسید و (شیطان) حيله گر شما را نسبت به (آمزش) خدا فریب داد.»

نکات تفسیری

1. در این آیه به بی نوری و تاریکی راه منافقان و درماندگی و التماس آنان اشاره شده است که چگونه از مؤمنان درخواست نور می کنند، ولی جواب منفی می شنوند و نا امیدانه راهی دوزخ می شوند.

2. در این آیه به عوامل انحراف و بی نور شدن منافقان و جدایی آنان از راه مؤمنان اشاره شده است که عبارت اند از

(الف) این که آنان خود را گرفتار فتنه و گمراهی و شرک کردند

بودند و در انجام کارهای مثبت (ب) آنان پیوسته منتظر شکست اسلام و مرگ پیامبر کوتاهی می کردند.

(ج) آنان در عقاید صحیح و نبوت و معاد تردید داشتند.

(د) منافقان تا هنگام مرگ به آرزوهای طولانی گرفتار بودند و از این رو فریب خیالات خود را خوردند.

(ه) منافقان فریب شیطان را خوردند، که به آنان وعده ی توبه و بخشش خدا را می داد تا به سرکشی و گناه ادامه دهند.

اما در مورد حدیث مشهور که از پیامبر (ص) و امام علی (ع) نقل شده: «أَخْوَفُ مَا أَخَافُ عَدَايَكُمْ إِذْ نَدَانِ اتِّبَاعِ الْهَوَىٰ وَ طَوْلِ الْأَمَلِ ترسم دو چیز است، پیروی از هوای نفس و «[32]» بیشترین چیزی که بر شما می آید». «آرزوهای طولانی».

:تواند به دو معنا باشد تذکر: آرزو داشتن می

ساز تلاش بیشتر اول: آرزومداری به معنای امید به آینده روشن و بهتر که زمینه انسان است. این مطلب در احادیث اسلامی مورد تشویق و تأکید قرار گرفته است و شودریزی بلند مدت و تلاش بیشتر می‌ساز برنامه‌مداری است که زمینه همین نوع آرزو عن رسول الله (ص): الامل رحمة لامتي، ولولا الامل ما ارضعت والدة ولدها ولا «غرس غارس شجرا» [33]؛ «آرزو، مایه رحمت برای امت من است، اگر امید و آرزو «کندهد و هیچ کشاورزی درخت کاری نمی‌باشد هیچ مادری به فرزندش شیر نمی

سازد و پردازی که انسان را از زندگی واقعی دور می‌دوم: آرزو اندیشی همراه خیال های شود، مثلاً جوانی که آرزوها و خیال‌های اجتماعی و فردی می‌ساز ناهنجاری زمینه خواهد یک شب به همه چیز برسد و چون پرورد می‌نیافتنی در سر می‌غیر واقعی و دست زند این نوع از آرزواندیشی است که در عالم واقعی ممکن نیست دست به خرافکاری می در آیات و روایات نکوهش شده است.

نکات تکمیلی در پاسخ دکتر سها

شود که قرآن و احادیث انسان را به - از تفسیر آیات و احادیث فوق استفاده می‌کند. بلکه بر عکس انسان را توقف در زندگی و عدم تلاش اقتصادی و... دعوت نمی کند. و دنیا را مزرعه آخرت معرفی میکند که به پیشرفت علمی و اقتصادی دعوت می کند. [محل تجارت اولیای الهی است] 34.

مندی از زندگی و قناعت دو صفت نیکوست (اما نه به آن معنایی که دکتر - رضایت پنداشت بلکه) معنای آنها این است که انسان بعد از تلاش ناامید و مضطرب سها می مندی های خلاف کشیده نشود این رضایت‌نباشد و گرفتار طمع و حسد نگردد و به راه از تقدیر الهی (که بر اساس ایمان به حکمت و تدبیر الهی است) و قناعت زمینه ساز آرامش روحی و روانی انسان است و ممانع تلاش و پیشرفت نیست.

ریزی در اسلام نفی نشده است، بلکه آرزواندیشی - آرزومندی و برنامه‌پردازانه که زمینه ساز دوری از واقعیات زندگی و انحرافات است نکوهش شده خیال است.

ها استدلال کرده است و انسان را همچون مردگان - برخی احادیث که دکتر سها بدان 4 اعتبار همچون کند از منابع کم خواهد و انسان را به ترک دنیا دعوت می‌در قبر می کنزالعمال و مستدرک صحیحین نقل شده است و مخالف محکمت آیات و روایات است که نشین) و با عزت انسان را سرزنده و به دور از رهبانیت [35] (تارک دنیا و گوشه

:خواهد. 7- کفایت توکل مانع پیشرفت می داند و ماندگی مسلمانان در عصر حاضر را توکل می‌دکتر سها یکی از علل عقب

نویسدمی:

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ الدَّهْرُ فَهُوَ حَسْبُهُ (طلاق / 3)؛

.کند ترجمه: کسی که به خدا توکل کند پس خدا او را کفایت می

ریزی و تلاش را کنار اش دانش و برنامه‌آیا واقعا چنین است؟ اگر کسی یا جامعه ماند؟ چه رسد به پیشرفت و توسعه. بگذارد و کاملاً به خدا توکل کند آیا زنده می متأسفانه اینهم یک بیماری اعتقادی دیگر مسلمانان است به همین دلیل مسلمانان ریزی ندارند و البته به همین ها و دانش و برنامه‌توجه جدی به علل طبیعی پدیده دانم که روحانیون خواهند گفت که منظور اینست که پس اند. می‌نسبت هم عقب افتاده از تلاش توکل کن. کجای این آیه چنین چیزی گفته شده است؟ آیه گفته که توکل به [خدا کافی است یعنی نیازی به هیچ چیز و هیچ کس دیگری نیست] 36.

بررسی

:در اینجا توجه به چند نکته لازم است

الف: تفسیر آیه

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (طلاق/ 4)؛
«و هرکس بر خدا توکل کند، پس او برایش کافی است».

نکات تفسیری:

1. توکل و تکیه بر خدا برای افراد کافی است؛ یعنی هرکس برای انجام امور خود تلاش کند و کار خود را به خدا واگذارد خدا کارهایش را سامان می دهد و راه نجاتی از مشکلات فراهم می سازد. این نویدی برای همه ی انسان هاست البته روشن است که معنای توکل بر خدا آن نیست که انسان دست از کار و کوشش بردارد و کار را به خدا واگذارد.

2. به عبادت اَحکایت شده که وقتی این آیه فرود آمد، گروهی از یاران پیامبر روی آوردند و گفتند: خدا رزق ما را عهده دار شده است رسید و حضرت فرمود: هر کس چنین کند دعایش مستجاب نمی ا این خبر به گوش پیامبر رسید. [شود. بر شما باد که تلاش و طلب کنید] 37

ب: فهم تفسیر آیات قرآن مقدمات و مبانی، شرایط، روش ها و قواعدی دارد. همانطور که فهم یک متن فلسفی یا پزشکی و... نیازمند شرایط و ضوابط خاص خود است.

A بیتبرای فهم معنای «توکل» که در آیات آمده باید به آیات دیگر و احادیث اهل توان به که شارح قرآن است) رجوع کنیم تا معنا و مقصود صحیح، روشن شود. و نمی شود که صحیح صرف ظاهر آیه یا اطلاق آیه تمسک کنیم. وگرنه تفسیر به رأی می ای است که دکتر سها در تفسیر معنای توکل پیموده است. در نیست] 38]. و این شیوه که آیینیم پیامبر اسلام کنیم میحالی که وقتی به آیات دیگر قرآن مراجعه می مخاطب اول این آیات بود توکل را به معنای دست از تلاش کشیدن و واگذاری کارها به خدا معنا نکرده چون خودش اهل تلاش، تبلیغ و کار بود و حتی برای پیشرفت دین تلاشند. (و فعل پیامبرای شهید می کرد و در رکاب او عده در راه خدا جهاد می (مفسر قرآن است

و نیز در احادیث از ایشان نقد شد که: «اعقل الابل ثم توکل» نخست شتر را ببند، سپس بر خدا توکل کن (یعنی اگر شتر را رها کردی و فرار کرد یا دزد آن را برد توکل بی معناست. پس توکل و تکیه بر قدرت الهی بعد از انجام مقدمات مادی است).

– خارج کردن زنان از عرصه اجتماع 8

:نویسد دکتر سها در این مورد می

گوید که زنان باید در خانه بنشینند. همچنین با توجه به آیات و قرآن می احادیث و سنت محمد (که قبلاً مطرح شد و به طور مفصل در کتاب «نقد احکام حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسلام» آمده است) زنان در اسلام موجودات عاطل و ارزشی هستند که تنها به خدمت جنسی مردان و زائیدن مشغولند. این امر موجب کم ی کشور نقشی شود توان نیمی از جمعیت مسلمانان هدر برود و در رشد و توسعه می نداشته باشد. ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر چنین است چرا امروزه در کشورهای اسلامی، زنان کم و بیش در جامعه حضور دارند؟ جواب اینست که امروزه های کشورهای اسلامی اکثر احکام اسلام در مورد زنان قابل اجرا نیستند و حکومت هایشان کنند. دلیل مهم دیگر اینست که اکثر مسلمانان و حکومت آنان را اجرا نمی کنند. رفتار درست انگاری می دارای ایمان ضعیفند و در اجرای احکام اسلام سهل تری بعدی و به طور ضعیف اسلامی با زنان همانست که طالبان انجام داد و در مرتبه [عربستان] 39].

بررسی

در این قسمت دکتر سها فقط ادعا کرده و اسلام تهمت زده است که زنان را از عرصه اجتماع خارج کرده است و به هیچ آیه و روایتی استناد نکرده است لیکن از تعبیر توان استفاده کرد که به گوید که زنان باید در خانه بنشینند) می ایشان (قرآن می کند پس لازم است نخست تفسیر آیات سوره احزاب در مورد زنان پیامبر(ص) اشاره می . آیه فوق را بررسی کنیم سپس به نکات تکمیلی بپردازیم

الف: تفسیر آیه

وَقَبْرُنَ فَبِيْ بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَالرَّسُولَ ه «[احزاب/ 33]»؛

و در خانه هایتان قرار گیرید و همانند خودآرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (با) « زیورها) خودنمایی نکنید و نماز را برپا دارید و [مالیات] زکات را بپردازید «و خدا و فرستاده اش را اطاعت کنید».

نکات تفسیری:

1. در این آیه پنج برنامه ی سازنده برای همسران پیامبر مشخص شده است؛ برنامه ها و دستوراتی که ابعاد مختلف زندگی آنان را در برمی گیرد و جایگاه بلند آنان را به عنوان مادران امت حفظ می کند و کمال می بخشد.
2. در این پنج برنامه، دو برنامه ی اجتماعی برای حفظ جایگاه و شخصیت آنان است و یک برنامه ی عبادی برای ارتباط با خدا و یک برنامه ی اقتصادی برای کمک به مردم و یک خط اساسی در پیروی از دستورات الهی.
3. قَرْنًا « به معنای وقار و سنگینی و متانت و کنایه از قرار گرفتن در خانه » است؛ یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نباید هر روز در کوچه و بازار روان شوند و در همه ی مسائل دخالت کنند تا مبادا بیماردلان از آنان در مسائل سیاسی [و اجتماعی سوء استفاده کنند] 40.
4. تَبْرُجَ « به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و مقصود از جاهلیت همان « جاهلیت قبل از ظهور اسلام است. زنان در آن هنگام زینت ها و زیورهای خود را [آشکار می کردند و حجاب درستی نداشتند] 41.
5. یعنی زنان پیامبر نباید آن گونه که در جاهلیت مرسوم بود عمل کنند، بلکه لازم است حجاب خود را کاملاً رعایت کرده، زیورات خود را از نامحرمان بپوشانند غیر از جاهلیت اول که قبل از اسلام بود، جاهلیت دومی نیز در راه است که در این عصر به ویژه در کشورهای غربی نمایان شده است.
6. عصری که زنان وسیله ی تبلیغات کالاهای سرمایه داران شده اند و فرهنگ برهنگی در بشریت ترویج می شود.
7. اما برخی موارد آن این دستورات و برنامه ها خطاب به زنان پیامبر در حقیقت برنامه ای برای همه ی زنان است؛ همان طور که نماز و زکات مخصوص همسران پیامبر نیست اما در مورد آنان تأکید بیش تری شده است. ولی برخی دیگر از خصوصیات زنان پیامبر(ص) بوده که برای حفظ جایگاه اجتماعی و سیاسی آنها و جلوگیری از سوء استفاده است.

تذکر:

از تفسیر آیه روشن شد که این آیه در خصوص زنان پیامبر(ص) و برای جلوگیری از مقام و موقعیت آنان بوده است و حکم کلی برای همه زنان نیست. ارزشی هستند» گوید: «زنان در اسلام موجودات عاطل و کمب: اما اینکه دکتتر سها می کند ادعای بدون دلیل است بلکه دلایل تاریخی بر عکس آن را اثبات می اولاً زنان قبل از اسلام از حقوق اقتصادی و اجتماعی خود محروم بودند و بر اساس تعالیم قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) زنان دارای حقوق متناسب با شخصیت انسانی خود شدند.

توانند در البته زنان از برخی کارهای سخت مثل جهاد معاف گردیدند (هرچند که می (موارد ضروری در دفاع کمک کنند).

های بارز زن مسلمان مثل حضرت زهرا (س) و حضرت ثانیاً در زنان صدر اسلام نمونه کنند و سخنرانی زینب (س) وجود دارد که در مسایل سیاسی و اجتماعی دخالت می نمایند.

ثالثاً نمونه بارز اسلام ناب که در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان داد که بیت علیهم السلام در جامعه پیاده شود زنان در های قرآن و اهلرگاه آموزه شوند، در عرصه علمی اکثر دانشجویان ایران بانوان هستند های مختلف وارد می عرصه و بسیاری از معلمان و اساتید دانشگاه زنان هستند. در عرصه کار و کسب، بسیاری از کارمندان، پزشکان، پرستاران ... از قشر بانوان هستند. در عرصه سیاسی، های مدیریتی حضور دارند بانوان در شوراهای شهری، مجلس شورای اسلامی و رده کنند و همانطور که در عرصه اجتماعی حضور فعال دارند و از حقوق خود دفاع می برند و نه تنها در عرصه اجتماعی حضور مقاصد کلی کشور و مقاصد خویش را پیش می دارند بلکه موجب پیشرفت جامعه خویش هستند.

کند ها) معرفی می:ج: اینکه دکتتر سها نمونه اسلام را در طالبان و عربستان (وهابی چون بسیار عجیب است.

ها ساخته و پرداخته استعمار غربی هستند [42] و طالبان نیز اولاً وهابی پرورده مشترک وهابیت و آمریکا هستند [43]. و اصولاً آنها را برای بدنام کردن اسلام و تسلط بر کشورها و منابع و معادن مسلمانان به وجود آوردند و اگر زند در حقیقت معلمان و سازندگان و اعمال ناپسندی از طالبان و داعش و... سر می گران غربی آنها مقصردحمایت

ای افراطی هستند که ربطی به عقاید و اعمال ها فرقه‌ثانیا طالبان و وهابی اکثریت مسلمانان ندارند بلکه این تیمیه که سرچشمه عقاید آنهاست در عصر خویش ها در زندان به سر برد. و اکنون نیز در بین 5/1 مطرود مسلمانان بود و مدت میلیارد مسلمان اقلیتی کوچک (شاید کمتر از ده میلیون نفر) هستند که البته با دهندبار خود ادامه می‌ها به زندگی خفت‌پول نفت و گاز و حمایت غربی ثالثاً بر فرض که این فرقه بدنام، مسلمان باشند، اعمال غلط برخی مسلمانان در مورد زنان ربطی به اصل اسلام و تعالیم قرآن ندارد. یعنی وقتی در مورد یک کتاب شود باید بر اساس تعالیم و نصوص قضاوت شود مثل قرآن و مکتب مثل اسلام قضاوت می اند نه برای اعمال افرادی که پایبند به و کسانی که از آن مکتب پیروی کرده های انحرافی و غیر مقبول از آن تعالیم و نصوص آن مکتب نیستند یا برداشت دارند.

رابعاً چرا دکتر سها از میان مسلمانان متدین به پیروان راستین اسلام ناب بیت کند که چگونه بر اساس تعالیم قرآن و اهل‌محمدی یعنی شیعیان اشاره نمی نهند، که نمونه آن را در جمهوری ها را ارج می‌علیهم السلام عزت و کرامت انسان بینیم اسلامی ایران می

– اسلام طالبانی و وهابی تبلور اسلام (و قرآن) است 9
های دکتر سها آن است که اسلام امروزه در طالبان و فرضیگی از مبانی و پیش کنند همان نماد قرآن و سنت است های عربستان تبلور یافته و هرچه آنان می‌وهابی کند و مورد افتراء قرار و بر این اساس اسلام و قرآن و پیامبر (ص) را محکوم می دهدمی.

این مطلب را دکتر سها در موارد متعدد کتاب نقد قرآن اشاره کرده است. ایشان نویسد: «رفتار درست اسلامی با زنان همانست که طالبان انجام داد و در مرتبه می [تر عربستان]» [44] بعدی و به طور ضعیف

بررسی:

کند ها) معرفی می‌اینکه دکتر سها نمونه اسلام را در طالبان و عربستان (وهابی چون بسیار عجیب است.

ها ساخته و پرداخته استعمار غربی هستند [45] و طالبان نیز اولاً وهابی پرورده مشترک وهابیت و آمریکا هستند [46]. و اصولاً آنها را برای بدنام کردن اسلام و تسلط بر کشورها و منابع و معادن مسلمانان به وجود آوردند و اگر زند در حقیقت معلمان و سازندگان و اعمال ناپسندی از طالبان و داعش و... سر می گران غربی آنها مقصردحمایت

ای افراطی هستند که ربطی به عقاید و اعمال ها فرقه‌ثانیا طالبان و وهابی اکثریت مسلمانان ندارند بلکه این تیمیه که سرچشمه عقاید آنهاست در عصر خویش ها در زندان به سر برد. و اکنون نیز در بین 5/1 مطرود مسلمانان بود و مدت میلیارد مسلمان اقلیتی کوچک (شاید کمتر از ده میلیون نفر) هستند که البته با دهندبار خود ادامه می‌ها به زندگی خفت‌پول نفت و گاز و حمایت غربی

ثالثاً بر فرض که این فرقه بدنام، مسلمان باشند، اعمال غلط برخی مسلمانان در مورد زنان ربطی به اصل اسلام و تعالیم قرآن ندارد. یعنی وقتی در مورد یک کتاب شود باید بر اساس تعالیم و نصوص قضاوت شود مثل قرآن و مکتب مثل اسلام قضاوت می اند نه برای اعمال افرادی که پایبند به و کسانی که از آن مکتب پیروی کرده های انحرافی و غیر مقبول از آن تعالیم و نصوص آن مکتب نیستند یا برداشت دارند.

رابعاً چرا دکتر سها از میان مسلمانان متدین به پیروان راستین اسلام ناب بیت کند که چگونه بر اساس تعالیم قرآن و اهل‌محمدی یعنی شیعیان اشاره نمی نهند، که نمونه آن را در جمهوری ها را ارج می‌علیهم السلام عزت و کرامت انسان بینیم اسلامی ایران می

نمونه بارز اسلام ناب که در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان داد که هرگاه های بیت علیهم السلام در جامعه پیاده شود زنان در عرصه‌های قرآن و اهل‌آموزه

شوند، در عرصه علمی اکثر دانشجویان ایران بانوان هستند و مختلف وارد می بسیاری از معلمان و اساتید دانشگاه زنان هستند. در عرصه کار و کسب، بسیاری از کارمندان، پزشکان، پرستاران ... از قشر بانوان هستند. در عرصه سیاسی، های مدیریتی حضور دارند بانوان در شوراهای شهری، مجلس شورای اسلامی و رده کنند و همانطور که در عرصه اجتماعی حضور فعال دارند و از حقوق خود دفاع می برند و نه تنها در عرصه اجتماعی حضور مقاصد کلی کشور و مقاصد خویش را پیش می دارند بلکه موجب پیشرفت جامعه خویش هستند.

سالاری ایران در عصر حاضر (بعد از های علمی و مردم چرا دکتر سها به پیشرفت بیت علیهم های قرآن و اهل کنند که در پرتو عمل به آموزه انقلاب اسلامی) اشاره نمی السلام پدیدار شده است. آیا اینها تبلور اسلام و قرآن نیست؟! اما جامعه قبیلگی تر و عربستان که بدون انتخابات و با دولتی وابسته به غرب و اقتصادی وابسته !شود رفتار درست اسلامی است؟ رفتاری خشن برخلاف تعالیم اسلامی اداره می - قرآن پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیست 10

ها و مبانی ادعایی دکتر سها در کتاب نقد قرآن آن است که قرآن فرضیگی از پیش تواند پاسخگوی نیازهای متنوع انسان کتابی است متعلق به 14 قرن قبل و نمی معاصر باشد.

توانیم بگوییم دکتر سها در جاهای مختلف کتاب به این مطلب اشاره کرده است و می .ها و مبانی اصلی کتاب وی همین مطلب است فرضیگی از پیش نویسد: «مسلمانان به جای اینکه برای امور اجتماعی، مثلاً ایشان در این مورد می تربیتی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی به کتب علمی مراجعه کنند به کتب دینی کنند، این یعنی سلب آزادی عقلی و عملی و نوشته شده در 1400 سال پیش مراجعه می کنند، [رکود و سکون]» [47].

بررسی:

رسیم های زیر می فرضها و پیش با تحلیل دیدگاه فوق از دکتر سها به پرسش مند استمند و مکان - قرآن کریم متعلق به جامعه چهارده قرن پیش است و زمان 1 های تواند در حوزه - قرآن کریم پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیست و نمی 2. تربیتی، اقتصادی، حقوقی، اجماعی و ... پاسخگو باشد - برای تأمین نیازهای انسان معاصر باید به کتب علمی جدید (علوم انسانی و 3 دستاوردهای علمی نوآمد) مراجعه کرد.

پاسخ اجمالی:

مندی قرآن (یعنی تعلق قرآن به فرهنگ عرب صدر اسلام) مندی و مکان در مورد زمان ذیل مبحث قرآن و فرهنگ زمانه مطالب مفصلی بیان کردیم. و روشن شد که قرآن کتابی فرازمانی و فرامکانی است.

پاسخگویی قرآن به نیازهای معاصر مورد توجه دانشمندان مسلمان در عصر حاضر های مختلفی در این زمینه ارائه و گاهی اجرا شده است که به صورت بوده و نظریه کنیم اجمالی به آنها اشاره می:

- نظریه بازگشت به قرآن (رجوع الی القرآن - عود الی القرآن) یعنی بیرون 1 آوردن قرآن از مهجوریت و سریان تعالیم قرآن در امور اجتماعی (اعم از سیاسی، الدین اسدآبادی بود که در خطبه پرداز این مورد سید جمال اقتصادی و ...). نظریه مشهور ایشان (عود الی القرآن) و آثار او مطرح شده است. شود قرآن های قرآن توسط خود قرآن که موجب می های به رسمیت شناختن مکمل - نظریه 2 قابل انطباق با نیازهای جدید هر عصر باشد.

بیت علیهم السلام بیان کننده جزئیات مورد نیاز در الف: سنت پیامبر (ص) و اهل بیت بر کنار قرآن (حجیت پیامبر (ص) بر اساس آیه 44 سوره نحل و حجیت سنت اهل (اساس حدیث ثقلین).

ها و بناهای عقلانی مورد تأیید قرآن قرار گرفت تا نیازهای عقلایی ب: برهان پرداز انسان در هر عصر تأمین شود. (کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع) نظریه این دو حوزه شهید مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان است.

ج: اعتبار بخشی به عرف بر اساس آیه (وامر بالعرف، اعراف/ 199) که بسیاری از کندن نیازهای متغیر انسان را تأمین می.

هایی که احکام اولیه اسلامی در آنها موجود نیست و د: منطقه الفراغ یعنی حوزه کندبر اساس مقتضیات و مصالح احکام ولی امر و دولت اسلامی آنها را مشخص می پرداز در این زمینه شهید صدر است که در کتاب اقتصادنا مطرح کرده است نظریه.

های مربوط به محتوای قرآن که تأمین کننده نیازهای انسان در هر عصری - نظریه 3 است. از جمله

الف: فضایی کلی قابل انطباق با مصادیق جدید در هر عصر مثل وفای به عهد، ... عقود، تعاون و

ب: احکام ثابت و متغیر؛ یعنی احکام ثانویه و احکام حکومتی که طبق ضرورت و دهدکند و نیازهای انسان را پاسخ می‌دهد در هر عصر تغییر می

ج: نقش زمان و مکان در تغییر موضوعات و به دنبال آن تغییر احکام مربوطه، مثل ای ورزشی تغییر کاربرد داد و حکم اینکه شطرنج از وسیله قمار بودن به وسیله پرداز این مورد امام خمینی(ره) بازی با آن از حرمت به حلیت تغییر کرد. نظریه ها و فتاوی او آخر عمرش بیان کرد که در صحیفه نور آمده است است که در نامه د: نظریه بطن قرآن آیت الله معرفت که در مقدمه کتاب التفسیر الاثری الجامع گیری از آیات و تطبیق بر مصادیق جدید در هر عصر جلد اول مطرح کرد و موجب پیام شومی

شناسانه در مورد قرآن از جمله‌های روش-نظریه 4

الف: نظریه نسخ مشروط و تدریجی و تمهیدی) آیت الله معرفت که در کتاب شبهات و شودداری و شبهات زنان و امثال آن اجرا می‌رود مطرح کرد که در مورد برده

ای قرآن و علوم در حوزه های مختلف علوم انسانی مثل رشته‌ب: تفسیر موضوعی میان شناسی و... که موجب شناسی، روان‌قرآن و تربیت، اقتصاد، سیاست، حقوق، جامعه های آنها شده و علوم دهی به علوم انسانی و تغییر مبانی، اهداف و روش‌جهت کند انسانی جدیدی به جهان عرضه می

پرداز این مورد دکتر رضایی اصفهانی در کتاب منطق تفسیر قرآن (3) است-نظریه تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر باشد و راهکارهای نتیجه اینکه قرآن می متعددی توسط دانشمندان اسلامی در این مورد ارائه شده است و علاوه بر آن قرآن تواند نواقص علوم انسانی بشری در حوزه مبانی، اهداف و... را جبران کند و می دهی الهی آنها، انسان را به سعادت برساند جهت

پی نوشت ها:

نقد قرآن دکتر سها، ص 525-527 [29]

نساء / 11 [30]

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا [31] الدُّعَاءَ دَرَجَاتٍ؛ (مجادله / 11)؛ «خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه هایی بالا می برد

الكاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله»، (شرح اصول کافی، ج 1، ص 601) .

بحار الانوار، ج 74، ص 417 [32]

همان، ج 77، ص 173، ج 8 [33]

الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ؛ بحار الانوار، ج :عَنْ رَسُولِ اللَّهِ [34] 67، ص 225 .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ : ... إِنَّ الدُّنْيَا ... وَ مَتَجَرُّ

أُولَئِكَ الَّذِينَ ؛ بحار الانوار، ج 70، ص 129

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ : أَنَّهُ نَهَى عَنِ التَّرَهُّبِ وَقَالَ لَا [35] رَهْبَانَ فِي الْإِسْلَامِ ... ؛ (مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج 14،

ص) 155 .

نقد قرآن، دکتر سها، ص 8 - 527 [36]

کافی، ج 5، ص 84؛ فقه القرآن، راوندی، ج 2، ص 31 و تفسیر نورالثقلین، ج [37] 5، ص 354 .

المللی ر.ک: منطق تفسیر قرآن 1 و 2، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات بین-المصطفی

نقد قرآن، دکتر سها، ص 530 [39]

همان طور که در مورد عایشه در جنگ جمل اتفاق افتاد [40]

تفسیر نمونه، ج 17، ص 290 [41]

ر.ک: کتاب خاطرات مستر همفر (جاسوس انگلیسی که عامل ایجاد وهابیت در [42] (عربستان بود اند که مسئولین غربی به این ها و مجلات خبری که بارها گزارش نموده ر.ک: سایت [43] . اندمطلب اعتراف کرده .نقد قرآن، دکتر سها، ص 530 [44] ر.ک: کتاب خاطرات مستر همفر (جاسوس انگلیسی که عامل ایجاد وهابیت در [45] (عربستان بود اند که مسئولین غربی به این ها و مجلات خبری که بارها گزارش نموده ر.ک: سایت [46] . اندمطلب اعتراف کرده .نقد قرآن، دکتر سها، ص 529 – 530 [47]

[پست 78]

نویسنده : و طاهها

تاریخ : 08:30 1395/08/20

مثلا یکی از موارد جالب تولد کودک در دوران ۶ ماهگیست که غلط است سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنید

(من فقط یک توضیحاتی عرض می کنم) فعلا فرصت توضیح بیشتر ندارم

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمِيدَاتِهِ أُمَّهُ وَهُنَا عَلَيَّ
وَهُنَّ وَفِصَالُهُ فَبِي عَامِيْنِ أَنْ اَشْكُرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْكَ اِلَّيَّ
الْمَصِيْرُ ﴿١٤﴾ لقمان

(سوره مکی) بیشتر احکام در سوره های مدنی است نه مکی

آیا خطاب آیه عام است یا در مورد فرد خاصی است ؟

: خطاب عام

1.)

ماه حمل عادی + دو سال کامل با فرض اینکه هر سال 12 ماه باشد = 33 ماه 9

2.)

ماه حمل عادی + دو سال غیرکامل با فرض اینکه هر سال 11 ماه باشد = 31 ماه 9

3.)

ماه حمل عادی + دو سال غیرکامل با فرض اینکه هر سال 10.5 ماه باشد = 30 ماه 9

: خطاب خاص

امام حسین علیه السلام

ماه حمل غیرعادی و معجزه گونه + دو سال شیردهی کامل با فرض اینکه هر سال 6 ماه 12 ماه باشد = 30 ماه

ماه حمل غيرعادی و معجزه گونه + دو سال شیردهی غيرکامل با فرض اینکه هر 6 سال 11 ماه باشد = 28 ماه

ماه حمل غيرعادی و معجزه گونه + دو سال شیردهی غيرکامل با فرض اینکه هر سال 6 ماه 10.5 ماه باشد = 27 ماه

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبِّتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾
احقاف

(سوره مکی) بیشتر احکام در سوره های مدنی آمده نه مکی

: خطاب عام

ماه حمل عادی + 21 ماه شیردهی غير کامل = 30 ماه 9

: در این فرض نمی توان مدت شیردهی را کامل فرض کرد چون داریم

ماه حمل عادی + 24 ماه شیردهی کامل = 33 ماه 9

که اشتباه است پس یا باید

حمل عادی نباشد که در این صورت می شود خطاب خاص یعنی آنچه در فرض بعدی مطرح شده است.

یا مقصود شیردهی غيرکامل، است که در این صورت

یا سال 11 ماهه است یا 10.5 ماهه

: که اگر سال غيرکامل، 11 ماهه باشد باز هم جمع اشتباه در می آید چون داریم

ماه حمل عادی + 22 ماه شیردهی غيرکامل = 31 ماه 9

: خطاب خاص

امام حسین علیه السلام

1.)

ماه حمل غيرعادی و معجزه گونه + 24 ماه شیردهی کامل = 30 ماه 6

به صورت عادی باید انتظار داشت که فاطمه زهرا سلام الله علیها به امام حسین علیه السلام، 24 ماه شیر داده باشند و شیردهی را تمام و کمال کرده باشند پس این فرض تقویت می شود.

2.)

ماه حمل غيرعادی و معجزه گونه + شیردهی غير کامل فرضا 22 ماه = 28 ماه 6

3.)

ماه حمل غيرعادی و معجزه گونه + شیردهی غیرکامل فرضا 21 ماه = 27 ماه 6

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَ بَيْتِنَ كَمَا مَلَائِكَةٌ لِّمَن بُعِثَ
أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرَّضَاعَةَ بقره 233

(سوره مدنی) بیان حکم شیردهی

(خطاب عام :) سال غیرکامل 11 ماه یا 10.5 ماه ؟

1. شیردهی تمام یا کامل)

ماه حمل عادی + دو سال کامل با فرض اینکه هر سال کامل 12 ماه باشد یعنی 9
يُتِمُّ الرَّضَاعَةَ = 33 ماه

2. شیردهی غیرتمام یا غیرکامل)

ماه حمل عادی + دو سال غیرکامل با فرض اینکه سال غیرکامل 11 ماه باشد = 31 9
ماه

3. شیردهی غیرتمام یا غیرکامل)

طبق آیه 15 احقاف سال غیرکامل یا شیردهی غیرکامل 21 ماه است یعنی سال غیرکامل
میشود ده ماه و نیم = 9 ماه حمل عادی + 21 ماه شیردهی غیر تمام یا غیرکامل =
30 ماه

[پست 79]

نویسنده : سعدی شیرازی
تاریخ : 1395/08/20 09:01

در دو آیه قرآن (رعد / 2 و لقمان / 10 - رفع - خلق السموات بغير عمد ترونها)
[بیان شده که خدا آسمان ها را بدون ستون دیدنی برافراشته است. 1]
برخی دانشمندان و مفسران همچون آیت الدله مکارم شیرازی (نمونه، ج 17، ص 29 و
ج 10، ص 110 - 111 و پیام قرآن، ج 8، ص 146 و آیت الدله حسین نوری (دانش عصر
فضاء، ص 55 - 56) آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن دانسته
اند، چرا که نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (440 ق) [2] و طبق مشهور توسط
نیوتن (1643 - 727 م) در قرن هفدهم میلادی کشف شد [3] سپس اشاره قرآن به ستون
های نامرئی بین کرات آسمانی نوعی رازگوئی علمی قرآن است.
نظران نیز آیات فوق را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته البته برخی از صاحب
اند اما ادعای اعجاز علمی نکرده اند [4] و برخی دانشمندان نیز آیات دیگر
قرآن (مرسلات/ 25 و فاطر / 41) را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته اند ولی
[ادعای اعجاز علمی در آن مورد نکرده اند. 5]

سلام

:در مورد ستونهای نامرئی

مشخصه که باید یک عاملی وجود داشته باشد که آسمان رو بالای زمین نگه داره تا
روی زمین نیفته (که قرآن این عامل رو تعبیر به ستون می کنه). اما اگر به
آسمان نگاه کنید، هیچ ستونی وجود نداره که بشه اون رو دید. پس باید یک ستون
نامرئی وجود داشته باشه. این که "آسمان برافراشته شده" یک مسئله بدیهیه. این
که ستون مرئی نداره هم با مشاهده قابل دریافته.

اما ماهیت این ستون چیه؟ قرآن اشاره ای به ماهیتش نکرده و تحقیق در این مورد رو به انسانها واگذار کرده. امروزه می دانیم که ترکیبی از نیروهای جاذبه و گریز از مرکز جهان رو تعادل نگه داشته اند. عوامل دیگری مثل ماده تاریک و ... هم وجود دارند که در صورت اثبات قعیشان می توان این آیه را اشاره به آنها هم دانست. اما ... توجه کنید که همیشه وحیانی بودن قرآن را به دلیل "اشاره به نقش ماده تاریک در برافراشته شدن آسمان" اثبات نمود چون قرآن فقط به وجود یک عامل اشاره کرده و ماهیت اون عامل رو مشخص نفرموده.

ضمن اینکه نیوتون یا ابوریحان بیرونی جاذبه زمین رو کشف نکردند. جاذبه زمین مطمئناً از زمانهای بسیار قدیم برای بشر شناخته شده بوده. غیر ممکنه که بشر وجود نیرویی به این واضحی رو درک نکرده باشه. اما کاری که دانشمندان یونانی، دانشمندان مسلمان، نیوتون، انیشتین و ... انجام دادند، توجیه دلیل به وجود آمدن این نیرو بود.

در زمانهای قدیم برای توجیه وجود جاذبه از اصلی به نام "اصل رجعت" استفاده می شد. این اصل بیان می کنه که هر چیزی تمایل داره به اصل خودش برگرده. سبب از داخل زمین اومده و بنابراین دوست داره به زمین برگرده. دانشمندان یونانی و دانشمندان مسلمان، هر کدام اصولی را برای حرکت معرفی کردند تا بتوانند پدیده ها را به شکل بهتری توجیه کنند.

کاری که نیوتون انجام داد، ارائه نظریه "جاذبه جهانی" بود که در مورد وجود نیروی گرانش بین هر دو جرم صحبت می کنه. دیگه اینجا بحث جاذبه زمین فقط نیست، بحث در مورد وجود جاذبه بین دو جرمه. مجموعه قوانینی هم که نیوتون برای حرکت پیشنهاد داد، کاملتر و کاربردی تر از نظریات پیشین بود. بعدها دانشمندان دیگری این نظریات رو کاملتر کردند.

بررسی یک سری از اعجازهای علمی قرآن رو می تونید در تاپیک زیر ببینید (+ پاسخ کارشناسان):
<http://www.askquran.ir/showthread.php?t=47302>

[پست 80]
نویسنده : عمار
تاریخ : 09:21 1395/08/20

با سلام و ادب
با توجه به سوالاتی خارج از موضوع تاپیک و پاسخ به سوالات مرتبط فعلاً تاپیک قفل می شود.
با تشکر از همکاری شما

[پست 81]
نویسنده : عمار
تاریخ : 09:46 1395/09/13

مگر بنده در هنگام پذیرش اسلام در امور دینی تخصص داشته ام که حالا برای مطالعه و پذیرش نقد آن عقاید دارای تخصص باشم اطرافیان و جامعه گفتند شیعه بررسی کردم گفتم شیعه

بعد باز هم بررسی کردم و ده ها تفکر در اسلام یافتم که گاهها اختلافات شدیدی داشته اند
در ادیان هم همین است
امثال دکتر سها هم
غلط نمی گویند عینکشان با عینک شما فرق دارد
هر کدام به گونه ای می اندیشیم و میزان و درجه ی اعتقاداتمان با شرایط
گوناگون فرق می کند
با سلام
در اصول دین باید تحقیق کرد و به صورت تقلیدی پذیرفتنش درست نیست. پس اگر
تحقیقی نبوده اشتباه است ولی دلیل نمی شود قبل از قوی شدن در این حوزه وارد
مطالعه کتب نقد معارف دینی شد. علت هم مشخص است چون نمی توان درست و غلط بودن
گفته ها را تشخیص داد
.خیر غلط است و چون معارف دینی رو درست نفهمیدند برداشت غلطی دارند

چرا امثال شما که با مالیات مردم تحصیل نموده اید دسترسی به فعالیت هایشان را
آسان نمی سازید
.کمی در مورد نحوه تحطیل طلبه ها بیشتر تحقیق کنید تا اطلاعاتتون بالا رود

فعالیت اینها و آزاد بودن و نبودن آن مربوط به مسئولین فرهنگی است و باید از
آنها سوال کنید. اما جلوگیری از انتشار شبهات و فریب افکار جوانان لازم است

نقد کل این کتاب طبیعتا اینجا ممکن نیست و همانطور هم که عرض شد همه شبهات
مطرح شده قبلا به کرار در همین انجمن و دیگر سایت های پاسخگویی داده شده است

[پست 82]
نویسنده : عمار
تاریخ : 1395/09/13 09:51

مثلا یکی از موارد جالب
تولد کودک در دوران ۶ ماهگیست که غلط است
سوره های احقاف ۱۵ و لقمان ۱۴ را مقایسه کنید

.همانطور که عرض کردم جواب شبهات قبلا داده شده است

:این لینک را مطالعه نمایید
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=52870>

[پست 83]
نویسنده : عمار
تاریخ : 1395/09/13 10:04

چرا در قرآن به صراحت اسامی افراد ذکر نشد که اختلاف به وجود نیاید

:جواب سوال شما در تاپیک های زیر موجود است
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=691>
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=28931>
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=827>
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=7391>
<http://www.askdin.com/showthread.php?t=28789>

<http://www.askdin.com/showthread.php?t=20064>

[پست 84]

نویسنده : عمار

تاریخ : 10:12 1395/09/13

یکی از شبهاتی که به نظر بنده به نسبت شبهات دیگر در کتاب نقد قرآن دکتر سها مستحکم تر، گویا تر، دقیق تر و صحیح تر به نظر رسید، شبهه ای بود در مورد حرکت خورشید که در قرآن مطابق با دیدگاه مرسوم زمان مردم عرب توصیف شده بود... یعنی یک زمینی هست که خورشید گرد اون می چرخه و مایه پدید آمدن شب و روز می شود... جالبه... به نظرم رسید با توجه به اینکه این شبهه محکم تر و صحیح تر به نظر می رسه به نسبت دیگر شبهات، پس باید پاسخ های دقیق تر و شفاف تری هم داشته باشه... (در فضای مجازی) ولی با تعجب به این قضیه برخورددم که در میان انبوه پاسخ هایی که به شبهات کتاب نقد قرآن دکتر سها داده شده، پاسخی به نقد هایی در مورد حرکت خورشید در قرآن نیست!!!!!! از دوستان کسی لینکی می شناسه که پاسخی داده باشه به نقد قرآن دکتر سها در مورد حرکت خورشید... بزاره.... اینجا ممنون می شم

با سلام

: در این رابطه جواب را در این لینک مطالعه کنید

<http://www.askquran.ir/showthread.php?t=52439>

[پست 85]

نویسنده : عمار

تاریخ : 10:16 1395/09/13

این مباحث مطرح شده در تاپیک همگی قبلا در انجمن مطرح شده و نیازی به بحث مجدد نمی بینم و اگر هم شبهه جدیدی وجود دارد باید در تاپیکی مجزا مطرح و فقط پیرامون همان شبهه بحث شود.
در این تاپیک شبهات و سوالات متعددی مطرح شده که مخالف قوانین انجمن می باشد

Downloaded from گفتگوی دینی (<http://www.askdin.com>) at 1396/03/04 09:19.